

هفته

سال چهاردهم - پنجشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۰ / ۹ دسامبر ۲۰۲۱

بها: ۲,۵ دلار

۶۶۰

www.hafteh.ca

گفت‌وگوی اختصاصی هفته با مهرداد آرین‌نژاد:

**تیرگان به ایرانیان کانادا
اعتماد به نفس فرهنگی داده است**



آرین‌نژاد:

**درباره اتهام‌ها
علیه آیدین آغداشلو
نمی‌توانیم قضاوت کنیم**

**باید به ژیان قمیشی
فرصت دوباره داده شود**

Auguste & Louis

CONDOMINIUMS



واحد های جدید با چشم انداز شهر و رودخانه زیبای سن لوران

آپارتمان های استودیویی، ۱ و ۲ و ۳ خوابه
در قلب مرکز شهر مونترال
قیمت خرید:
از ۲۶۸۰۰۰ دلار (بملاوه مالیات)



ناهد حسن علی
نماینده فروش

SALES REPRESENTATIVE
438 800 - 9563

همین امروز ثبت نام کنید!

AUGUSTEETLOUISCONDOS.COM





دکتر شریف

دکتر البزال

دکتر دالیوال

دکتر لیندا عطار

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Dhaliwal
Dr. Linda Attar

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪

بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire

soleil-brossard.com



مسعود هاشمی

مشاور املاک در مونتreal بزرگ

همراه شما در خرید یا فروش از ابتدا تا انتها

خدمات حرفه‌ای و صادقانه بهترین تبلیغ ماست

مهندس راه و ساختمان از پلی تکنیک تهرانی

با بیش از ۲۵ سال تجربه در ساخت و معاملات مسکن

بهترین شرایط تهیه وام و خرید ملک حتی برای تازهواردین بدون درآمد

مشاوره رایگان حضوری و تلفنی، تمام روزهای هفته حتی ایام تعطیل

متخصص در امر سرمایه گذاری در املاک درآمدزا یا پیش خرید

خرید، فروش یا تعویض مسکن

خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران



Massood Hashemi
Residential Real Estate Broker

Cell: (514) 298-4567

massood.hashemi@century21.ca

Office: 1980 Notre-Dame West
Montreal, QC, H3J 1M8

Tel: (514) 933-1221

 زرشک \$9.99 / kg	 تخمه \$9.99 / kg	 گردو \$9.99 / kg
 آلو \$9.99 / kg	 پسته \$12.99 / kg	 آجیل مخلوط \$12.99 / kg
 بادام \$12.99 / kg (شودری، سوید، لیپویی و ...)	 بادام هندی \$12.99 / kg	 برنج ۵ کیلویی \$25
 خرما ۶۰۰ گرمی \$1.99		 انواع سس، بیسکویت، کیسه فریزر و ... \$0.99

**رست آجیل
در محل**

Costco Marche Central

Acadie

Louvain O



A Plus Quality Nuts

وارد کننده خشکبار

توزیع کننده مواد غذایی ایرانی به صورت عمده و خرده فروشی

تلفن: 514-691-0002

اینستاگرام: @aplusqualitynuts

شنبه تا سه شنبه: ۹:۰۰ تا ۱۸:۰۰ و چهارشنبه تا جمعه: ۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰



1605 Louvain O, Montreal, H4N 1G6

دارای پارکینگ





آرزو گتمیری

مشاور املاک

AREZOU GATTMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel
agattmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010



فیروز همتیان

مشاور املاک مسکونی و تجاری

با ۳۸ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۸ سال تخصص در مشاوره املاک

- مشاور ارشد املاک در مونترال و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وام های مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس



ارزیابی رایگان | **Cell: (514) 827-6364**

Bur: (514) 364-3315
fhemaatiyan@sutton.com
9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9

Firouz Hemmatian
Courtier Immobilier Agréé
Certified Real Estate Broker



آرش محبی

گفت و گوی اختصاصی هفته با مهرداد آراین نژاد:
تیرگان به ایرانیان کانادا اعتماد به نفس
فرهنگی داده است

باید به ژیان قمیشی فرصت دوباره داده شود

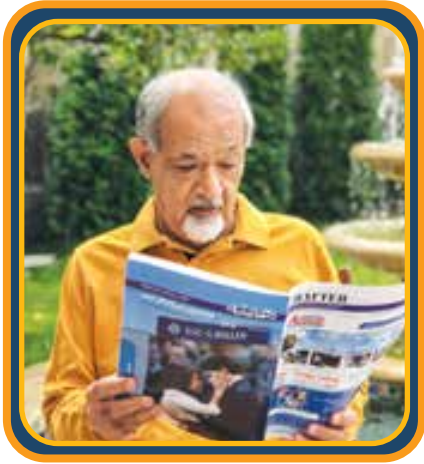
درباره اتهام‌های مطرح شده علیه آیدین آغداشلو
نمی‌توانیم قضاوت کنیم



مقاله: معصومه علی محمدی

سهمیه ۲۰۲۱ مهاجران کبک با وجود تسریع
بررسی درخواست‌ها تامین می‌شود؟

زندگی در کانادا؛ گروه ترجمه هفته
رانندگی در کانادا



ادبیات، یادبود: عبدالله عسکری

به یاد علیرضا جباری، مردی که همواره به
مردمش وفادار ماند

داستان کوتاه
اختر

سینمای هفته: عارف محمدی

بیر سفیدی که فاسد شد!

شعر: هدا ناصح

چند قطعه و شعر از هدا ناصح، بازیگر تئاتر
و شاعر

هفته - سال چهاردهم - شماره ۶۶۰

پنجشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۰ / ۹ دسامبر ۲۰۲۱

بها: ۲/۵ دلار

ناشر: مجله‌ی هفته

صورت آواز مرغ است آن کلام
غافل است از حال مرغان مردغام

- هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- برداشت مطلب با ذکر مأخذ آزاد است.
- لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.
- هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطلب‌های رسیده آزاد است.
- نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

دانشجویی: ۶۰ دلار

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4

www.hafteh.ca

info@hafteh.ca

news@hafteh.ca

ad@hafteh.ca

ISSN1918-4379HafteH

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۱ میلادی:

پنجشنبه ۷ ژانویه، پنجشنبه ۲۵ مارچ

پنجشنبه ۸ جولای، پنجشنبه ۱۴ اکتبر



آریانا، گزارش: نرگس هاشمی
یادی از بدخشان در نوای نیستان

آریانا، داستان: جمیله هاشمی
پیوندهای گسسته
بخش ۲ و پایانی



جامعه: دکتر زهرا بازرگان
دختران افغانستانی خواهرم

اقتصاد: آرمین آریانپور
نجات تیم هورتون با «تیم بیب» های
جاستین بیبر؟



گفت و گو: فرنکیس شکبیا
با امیرحسین یزدان‌بُد، نویسنده جوان از ونکوور:
رقابت‌های نویسندگی در ایران مثل شرکت
در پارالمپیک است

۵۶ جامعه

جامعه، دیدگاه: لاله رهبین
بیماری تعصب و رنج‌های اقلیت‌ها؛ آیا
درمانی هست؟

حقوق: نیوشا ریاحی
روند توقیف اموال در کانادا چگونه است؟

سلامت تن و روان: الهام گرامی
چرا آموزش مهارت‌های زندگی لازم است؟

۳۰ خانواده و سرگرمی

آشپزی: مهسا عباس‌پور
کیک پرتقالی
سرگرمی: خاطره تحویل‌داری یکتا
سخن ستارگان، برای تفنن
طنز و حکایت و سرگرمی

ادبیات: شیمبا باقرپور و یاسمن حسینی
سلامتی: دکتر فائقه ابراهیمی و الهام گرامی
حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریانپور
بخش دانشجویی: عباس محرابیان
گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرورنده و نگاره
پرورنده
وب‌سایت: بهمن عسگری‌پور

سردبیر: خسرو شمیرانی
ویراستار: تیم ویراستاری هفته
طراح و صفحه‌آرا: نیکروز سلطان‌آبادی
کاریکاتورست: سیروس یحیی‌آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته
اخبار با همستان: سمین افشار مقدم
آریانا: نرگس هاشمی، حبیب عثمان و عبدالهادی تپاند
مهاجرت: معصومه علی محمدی و نویده احمدی

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: مهدی توکلی تبریزی، جمیله هاشمی



به قلم سو گند که یلدا نوید سپیده است

به بهانه روز مبارزه با سانسور



از توقیف فله‌ای مطبوعات در ایران زمان زیادی نگذشته است؛ سعید مرتضوی در سال ۱۳۷۹، زمانی که تنها ۳۳ سال داشت، طی دو روز ۱۸ نشریه را توقیف کرد اما امروزه در عصر شتاب تاریخ و گسترش شبکه‌های اجتماعی، سانسور، دست کم به شکل ابتدایی و قرون وسطایی، نقش خود را از دست داده است؛ چنانچه اثری مانند لولیتای ناباکوف در خیابان انقلاب تهران به راحتی خرید و فروش می‌شود.

امیدوارم در این عصر شتابان که اتفاقاً آن را «عصر اطلاعات» می‌نامند رهبران ایران با نگاهی گذرا به گذشته نزدیک دریابند که تمامی بگیروبیندهای آنها و موانعی که در مسیر گسترش اطلاعات و آگاهی ایجاد کرده‌اند، روند روشنگری هرگز نه متوقف که حتی آهسته نیز نشده است.

تنها تاثیر این محدودیت‌ها از دست دادن نیروهای فکری و اندیشه‌ای و متخصص مملکت است که آواره می‌شوند و سرانجام در جایی فرود می‌آیند و خدمات و دانش و هنر خود را وقت جامعه‌ای به غیر از جامعه مادری‌شان می‌کنند.

رهبران و سیاست‌مداران ایران به همان نسبتی که در تاریکی کور نشده‌اند می‌دانند که گرچه پاییز به شبی طولانی می‌انجامد اما آخرین شب آن به یلدا می‌رسد که نویددهنده پایان شب طولانی است.

را تحکیم و از گردش آزاد اخبار و اطلاعات جلوگیری می‌کنند: برخورد شدید با کسانی که از اعتراض‌های مردمی عکس و فیلم می‌گیرند، ارسال امواج پرازیت و توقیف دستگاه‌های ماهواره‌ای در خانه‌ها، محدودسازی شدید دسترسی مردم به اینترنت، همین‌طور تلاش حکومت برای ربایش خبرنگاران ایرانی مقیم خارج و صدور حکم‌های زندان و اعدام برای آنها و خبرنگاران داخل کشور، از جمله سرکوب‌هایی است که همگی در راستای حفظ سانسور و تخریب آزادی بیان صورت گرفته است.»

کانون نویسندگان ایران در پایان بیانیه خود خواستار همراهی و همکاری نویسندگان و هنرمندان مستقل در راه دفاع از آزادی اندیشه و بیان و مبارزه با سانسور شده است.

سانسور از آغاز تاریخ نوشتن به بهانه‌های مختلف از جمله «جلوگیری از ترویج افکار نادرست و بدآموزی»، چون سایه‌ای بر سر نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان در سراسر جهان وجود داشته است. همواره عده‌ای بوده‌اند که قصد بر تلقین این انگاره داشته‌اند که هر چیزی را نباید نوشت. مارک تواین استدلال آنها را چنین توضیح می‌دهد: «نباید استیک بخورید چون نوزادتان نمی‌تواند آن را بجود». قرن‌ها طول کشید تا انسان مدرن همزمان با عصر روشنگری در اروپا دریافت که بدون اظهار نظر آزادانه نمی‌توان جامعه‌ای پویا و رو به جلو داشت.

آذرماه ما خون‌آلود است، انگار در این ماه تاریکی با آخرین زور خود به روشنی می‌تازد تا طلوع را به عقب بیندازد. آذرماه ما آغشته به خون نویسندگان و روشنفکرانی است که با تیغ استبداد حکومت دینی مثله شدند. داریوش و پروانه فروهر در ابتدای آذر ماه ۱۳۷۷، محمد مختاری در دوازدهم آذر و محمدجعفر پوینده در هجدهم آذر همان سال به دست وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران به شیوه‌های مختلف به قتل رسیدند.

ده سال بعد، کانون نویسندگان ایران به پاس گرامیداشت محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، سیزدهم آذر هر سال را به نام «روز مبارزه با سانسور» نامگذاری کرد. این پیشنهاد توسط رضا خندان مهابادی، عضو این کانون داده شده بود که از سال گذشته به همراه بکتاش آبتین و کیوان باژن به اتهامات واهی در زندان هستند. کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ی امسال خود به مناسبت این روز آورده است: «سرکوبگران به روش‌های مختلف سانسور

اخبار گزارش ها



حمله دولت کبک به بحران کمبود نیروی کار با یک طرح ۳.۹ میلیارد دلاری

ارائه شده، تامین نیروی کار برای مشاغل «اساسی و راهبردی» استان را در شش بخش سلامت و درمان، آموزش، مهندسی، خدمات نگهداری کودکان، فناوری اطلاعات و ساخت و ساز در اولویت قرار داده است. از مجموع ۱۷۰ هزار شغل خالی که دولت کبک برای پر کردن آنها تلاش می‌کند، ۶۰ هزار شغل «اساسی» توصیف شده اند. این مشاغل عمدتاً در بخش‌های سلامت و آموزش و نگهداری کودکان وجود دارند. ۱۱۰ هزار شغل دیگر که دولت لوگو آنها را «راهبردی» قلمداد کرده است، به بخش‌های فناوری اطلاعات، مهندسی و ساخت و ساز مربوط می‌شوند. آقای لوگو تاکید کرد در این طرح

فرانسوا لوگو، نخست‌وزیر استان کبک، به اتفاق دو عضو کابینه خود ژان بوله و دانیل مک‌کان



فرانسوا لوگو، نخست‌وزیر استان کبک، به اتفاق دو عضو کابینه خود ژان بوله و دانیل مک‌کان

فرانسوا لوگو، نخست‌وزیر استان کبک، روز سه‌شنبه ۳۰ نوامبر از آغاز اجرای یک برنامه کمک هزینه و بورس به ارزش ۳.۹ میلیارد دلار طی پنج سال آینده خبر داد که هدف از آن کمک به شهروندان برای یادگیری مهارت‌های جدید و پر کردن بیش از ۱۷۰ هزار شغل خالی در بخش‌های حساس و کلیدی اقتصاد استان است.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، این طرح که تحت عنوان «عملیات نیروی کار»

ترودو: برای تزریق دوز یادآوری به همه شهروندان نیز کمبود واکسن نخواهیم داشت

کشور خواست هر چه زودتر دستورالعمل‌های جدیدی درباره تزریق دوز یادآوری به همه شهروندان ارائه کند. کبک اعلام کرده است افراد ۷۰ ساله و بالای ۷۰ سال می‌توانند دوز یادآوری دریافت کنند البته به شرط این که دوز قبلی خود را شش ماه قبل دریافت کرده باشند. همچنین نخست‌وزیر کانادا امروز تاکید کرد تست‌های غربالگری اجباری کووید ۱۹ برای همه مسافران در فرودگاه‌های کشور به جز مسافرانی که از آمریکا می‌آیند، طی چند روز آینده به اجرا گذاشته خواهد شد.

داشته باشیم، تامین خواهیم کرد.» به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، نخست‌وزیر کانادا افزود: «اگر با افزایش خطر شیوع ویروس و کاهش تاثیرگذاری واکسن‌هایی که تا کنون تزریق شده است، کارشناسان تزریق دوز یادآوری به همه جمعیت کشور را توصیه کنند، کلیه استان‌ها و سرزمین‌های کانادا دوزهای کافی در اختیار خواهند داشت. بنابراین دسترسی به واکسن یا تامین مقدار کافی واکسن، برای کانادا چالش برانگیز نخواهد بود.» ژان -ایو دوکلو، وزیر بهداشت فدرال کانادا، روز سه‌شنبه از کمیته مشاوره ملی ایمن‌سازی



جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، روز چهارشنبه اول دسامبر برای اطمینان دادن به شهروندان درباره ذخایر واکسن کشور در ماه‌های آینده تاکید کرد: «حتی اگر کارشناسان بهداشت عمومی تزریق دوز یادآوری را به همه شهروندان توصیه کنند، باز هم کانادا با مشکل کمبود واکسن روبرو نخواهد شد. ما در حال حاضر به اندازه کافی واکسن در اختیار داریم و هفته‌ها و ماه‌های آینده نیز محموله‌های جدیدی دریافت خواهیم کرد. کانادا برای سال ۲۰۲۲ نیز قراردادهای متعددی با تولیدکنندگان بزرگ و معتبر واکسن منعقد کرده است به طوری که هر چقدر واکسن نیاز

تصویب قانون منع تغییر گرایش جنسی در مجلس عوام کانادا

درمانی به پارلمان ارائه کرده بود. این مسئله یکی از اولویتهای آقای ترودو و حزب لیبرال در انتخابات پارلمانی سپتامبر محسوب می شد. گارارد کانلی، نویسنده آمریکایی که قربانی یکی از روش های تبدیل درمانی است، در مصاحبه ای با news.konbini استفاده از این روش ها را شکنجه روحی و روانی و «نسان زدایی» می داند که لطمات و آسیب های عمیقی بر جسم و روح افراد خواهد گذاشت. طبق یک نظرسنجی که فوریه سال ۲۰۲۰ در کانادا منتشر شد، ۴۷ هزار مرد متعلق به یک اقلیت جنسی تحت تبدیل درمانی قرار گرفتند.

شده است اما برای این که به قانون تبدیل و به اجرا گذاشته شود، باید به تصویب سنا هم برسد. به گزارش هفته، به نقل از پایگاه اینترنتی news.konbini، دیوید لامتی، وزیر دادگستری کانادا، ضمن قدردانی از همه نمایندگان که به گفته وی قسمت خوب تاریخ را انتخاب کردند، تصویب این قانون را گامی تعیین کننده و مهم برای کانادا توصیف کرد. آقای لامتی تاکید کرد: «قطعا تصویب این قانون به حفاظت و ارتقای حقوق بخشی از جامعه ما کمک خواهد کرد.»

دوشنبه گذشته دولت لیبرال ترودو برای سومین بار لایحه پیشنهادی خود را برای ممنوعیت تبدیل



نمایندگان مجلس کانادا روز چهارشنبه اول دسامبر لایحه پیشنهادی دولت جاستین ترودو را مبنی بر منع تبدیل درمانی که تغییر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی افراد است، به اتفاق آرا تصویب کردند. این لایحه که استفاده از شیوه های روانشناختی و درمانی را برای تغییر گرایش جنسی افراد ممنوع می کند، اساسا به منظور حمایت از افراد همجنس گرا، دوجنس گرا یا ترانجسنی تهیه

طرح آزمایشی جمع آوری زباله دو هفته یک بار در مونترال

شهروندان منطقه مرسیه-اوشلگا-مزون نو قرار گیرد. شهرداری مونترال یادآوری کرد که برخی مناطق دیگر از جمله گتینو، لونگوی و تورنتو زباله های خانگی را دو هفته یک بار جمع آوری می کنند. ایده جمع آوری زباله های خانگی دو هفته یک بار پیش از این نیز توسط شهرداری مونترال ارائه شده بود. قطعا رعایت معیارهای زیست محیطی از جمله اهداف این طرح است اما صرفه جویی بالقوه چند ده میلیون دلار در سال علت اصلی ارائه چنین طرحی است.

در سال ۲۰۲۰ حدود ۳.۵ درصد هزینه های شهرداری مونترال به جمع آوری زباله های خانگی اختصاص یافت که معادل بیش از ۲۰۰ میلیون دلار در سال برآورد می شود.

گذاشته می شود، دو هفته یک بار جمع آوری خواهد شد. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، شهرداری مونترال در وبسایت خود نوشت: «در کیسه های زباله کبکی ها، هنوز ۸۵ درصد موادی وجود دارد که می توان به شکل و شیوه دیگری آن ها را جمع آوری و بازیافت کرد. شهرداری امیدوار است با اجرای این طرح بتواند به میزان قابل توجهی زباله های انتقالی به مراکز دفن زباله را کاهش دهد و بهترین روش های تفکیک زباله را در منطقه شهرداری مرسیه-اوشلگا-مزون نو به اجرا گذارد.»

در راستای همین طرح قرار است یک خط تلفن و یک آدرس الکترونیکی اختصاصی، جدول زمانی جمع آوری زباله و دیگر اطلاعات لازم در اختیار



در طرح آزمایشی شهرداری مونترال که از اواخر فوریه آینده به اجرا گذاشته خواهد شد، زباله های خانگی به جای هر هفته یک بار، دو هفته یک بار جمع آوری خواهد شد.

از ۲۸ فوریه کامیون های جمع آوری زباله های خانگی کمتر به منطقه مرسیه - اوشلگا - مزون نو در مونترال رفت و آمد خواهند کرد. زباله های خانگی در این دو محله به جای یک بار در هفته که در حال حاضر در اکثر مناطق مونترال به اجرا

دوز سوم به افراد ۵۰ سال به بالا در انتاریو احتمالاً از نیمه دسامبر

کارکنان بخش بهداشت و درمان، بومیان و همچنین افرادی می شود که دو دوز واکسن آسترانکا یا یک دوز جانسون اند جانسون دریافت کرده اند. کاپران مور پزشک ارشد انتاریو اعلام کرده است که باتوجه به ردیابی سویه جدید اومیکرون در انتاریو، وزارت بهداشت استان راهبرد خود را در زمینه واکسیناسیون مورد بازبینی قرار خواهد داد و برای حفاظت هر چه بیشتر از سلامت شهروندان، روند واکسیناسیون در استان تسریع خواهد شد.

بهداشت عمومی انتاریو روز چهارشنبه اعلام کرد در ۲۴ ساعت اخیر ۷۸۰ مورد جدید ابتلا به کووید ۱۹ در استان گزارش شده است. یکشنبه گذشته شمار مبتلایان جدید به کرونا در استان ۹۶۴ مورد اعلام شد که از اواخر ماه مه به این طرف بی سابقه بود.

کرد که شهروندان ۵۰ ساله و بالای ۵۰ سال در استان می توانند به زودی دوز سوم کووید ۱۹ خود را دریافت کنند. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، به گفته این منابع، به احتمال زیاد تزریق دوز سوم به این گروه سنی در انتاریو احتمالاً از اواسط دسامبر آغاز خواهد شد.

این خبر روز چهارشنبه ابتدا در دو روزنامه چاپ تورنتو منتشر شد و سپس منابع پزشکی آگاه آن را تأیید کردند.

در حال حاضر تزریق دوز سوم واکسن کووید ۱۹ در انتاریو به برخی گروه های آسیب پذیر که بیشتر از بقیه در معرض آلودگی به ویروس هستند، محدود می شود. این گروه ها شامل افراد بالای ۷۰ سال،



وزیر بهداشت انتاریو روز چهارشنبه اعلام کرد افراد بیشتری واجد شرایط دریافت دوز یادآوری خواهند شد

در شرایطی که سویه به شدت مسری و خطرناک اومیکرون به کانادا هم رسیده و دولت فدرال را به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه جدید وادار کرده است، منابع آگاه به رادیو کانادا اعلام کردند دولت داگ فورد امروز پنجشنبه ۲ دسامبر رسماً اعلام خواهد

ماموران مرزی صدها سند تقلبی کووید ۱۹ دریافت کرده‌اند



قرار خواهند داد تا آن‌ها را تحت پیگرد قرار دهد یا جریمه کند. اما اگر ارائه اسناد تقلبی به ماموران مرزی توسط افرادی صورت گیرد که ملیت کانادایی ندارند، ممکن است از ورود به کشور منع شوند. شب‌نم پری‌ت کار Shabnam Preet Kaur، کارشناس اسناد در DocuFraud Canada می‌گوید فناوری‌هایی که آژانس خدمات مرزی کانادا در اختیار دارد، به راحتی قادر است جعلی بودن اسناد را تشخیص دهد. مسافران که سند جعلی ارائه کنند ممکن است با یک جریمه اضافی ۵۰۰ دلاری نیز روبرو شوند.

کرده‌اند. تا همین تاریخ ASFC در گذرگاه‌های مرزی ۹۲ گواهی تقلبی واکسیناسیون نیز از مسافران دریافت کرده است. مسئولان ASFC درباره این اسناد و گواهی‌های تقلبی اطلاعات بیشتری ارائه نکرده‌اند. به عنوان مثال مشخص نیست که این اسناد و گواهی‌های تقلبی عمدتاً در کدام یک از گذرگاه‌های مرزی و از طرف مسافران کدام کشورها ارائه شده‌اند. اگر شهروندان کانادایی این اسناد و گواهی‌های تقلبی را ارائه کرده باشند، از ورود به کشور منع نمی‌شوند اما ماموران مرزی اطلاعات مربوط به آن‌ها را در اختیار آژانس سلامت عمومی کانادا

آژانس خدمات مرزی کانادا ASFC صدها جواب تقلبی تست غربالگری کووید ۱۹ یا گواهی واکسیناسیون جعلی از طرف مسافرانی دریافت کرده است که قصد ورود به کشور را داشته‌اند. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، طبق اطلاعاتی که سخنگوی ASFC در اختیار رادیو کانادا قرار داد، تا ۳۱ اکتبر، ماموران مرزی کانادا ۳۷۴ نتیجه تست غربالگری کووید ۱۹ تقلبی دریافت

کبک و انتاریو، زمستان پر برف اما ملایمی پیش رو دارند



شرایط جوی و وضعیت جاده‌ها به سرعت تغییر می‌کند. طبق پیش‌بینی‌های «متئومدیا»، انتظار می‌رود دمای هوا زمستان امسال در کبک و انتاریو به ویژه در ژانویه و فوریه بالاتر از معمول باشد. پیش‌بینی می‌شود لائینا که یک پدیده اقلیمی است و تحت تاثیر آن دمای آب‌های اقیانوس آرام کاهش می‌یابد، احتمالاً هوای سردی را بر مناطق غرب کانادا و شمال ایالات متحده حاکم خواهد کرد اما برای مناطق جنوب غربی آمریکا تا استان کبک دمای ملایم‌تری را به ارمغان خواهد آورد. بر همین اساس به گفته آقای مونت، کبکی‌ها امسال زمستان نسبتاً راحتی را که عاری از دوره‌های طولانی یخبندان خواهد بود، پیش رو خواهند داشت.

انتظار می‌رود با توجه به بارش پیاپی برف، نیمه اول زمستان برای ورزش‌های زمستانی بسیار مطلوب باشد. با این حال، طبق پیش‌بینی‌های همین سایت، پس از کریسمس در مقطعی هوای کاملاً ملایم می‌شود به طوری که گاهی حتی فراموش خواهیم کرد که در فصل زمستان قرار داریم. آندره مونت، مدیر بخش هواشناسی «متئومدیا»، می‌گوید کبکی‌ها امسال یک کریسمس کاملاً برفی پیش رو دارند و به احتمال زیاد چندین طوفان برف را تجربه خواهند کرد. با پیش‌بینی‌های صورت گرفته، بعید است که پیش از کریسمس افزایش دما داشته باشیم. آقای مونت از شهروندان خواست به پیش‌بینی‌های روزانه هواشناسی توجه ویژه داشته باشند چرا که

کارشناسان «متئومدیا» MétéoMédia که یک کانال و وب سایت تخصصی اطلاعات آب‌وهوایی است، پیش‌بینی کرده‌اند که کبک و انتاریو هفته‌های آینده با بارش‌های سنگین برف روبرو خواهند شد. به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، برخی از پیست‌های اسکی آلپاین همین حالا نیز در کبک باز هستند و علاقه مندان به ورزش‌های زمستانی باید از پیش‌بینی کوتاه مدت MétéoMédia خوشحال باشند چرا که طبق پیش‌بینی‌های این سایت

مشاهده سومین مورد اومیکرون در کبک؛ دو مورد اول هم از مونترال



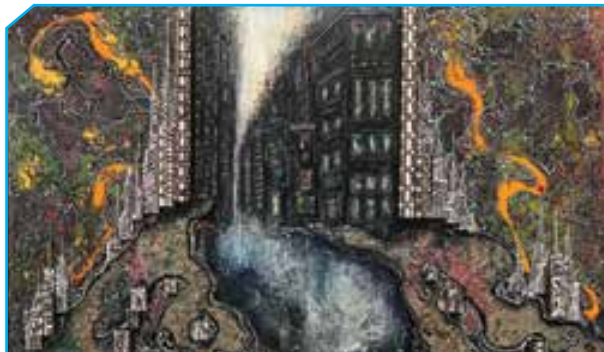
وارد کشور شده‌اند

تازگی از نیجریه به کشور بازگشته‌اند. دکتر کایران مور، پزشک ارشد انتاریو، اعلام کرد این دو نفر نیز از طریق مونترال وارد کانادا شده و در همین شهر تست غربالگری داده‌اند. کریستیان دوبه تاکید کرد با همتای فدرال خود ژان-ایو دوکلو در تماس است تا هماهنگی‌های لازم را برای اتخاذ تدابیر فوری و موثر در مقابله با سویه جدید کرونا انجام دهد. دولت کانادا جمعه گذشته ضمن ابراز نگرانی از خطر شیوع سریع سویه اومیکرون که گفته می‌شود ممکن است در برابر واکسن‌ها نیز مقاوم باشد، مرزهای کشور را به روی همه اتباع خارجی هفت کشور جنوب آفریقا از جمله آفریقای جنوبی بست.

دولت فدرال برای مقابله با شیوع سویه جدید کرونا به اجرا گذاشته است. به موجب این تدابیر، بهداشت عمومی کانادا از دست کم ۱۱۵ نفر که اخیراً به هفت کشور آفریقایی از جمله آفریقای جنوبی، موزامبیک و نامیبیا سفر کرده بودند، خواسته است تست غربالگری ملکولی کووید ۱۹ بدهند. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، کریستیان دوبه افزود: «اولین مورد ابتلا به اومیکرون در کبک یکی از همین افراد بود که آلودگی او به سویه جدید صبح امروز دوشنبه تایید شد.» با این حساب، تا کنون سه مورد ابتلا به اومیکرون در کانادا تایید شده است. دو مورد قبلی نیز که روز یکشنبه در اتاوا ردیابی شد، دو نفر هستند که به

کریستیان دوبه، وزیر بهداشت کبک، امروز دوشنبه ۲۹ نوامبر ضمن تایید ردیابی اولین مورد آلودگی به سویه اومیکرون در کبک تصریح کرد این بیمار فردی است که اخیراً به یکی از کشورهای جنوب آفریقا سفر کرده بود.

آقای دوبه اعلام کرد اولین مورد ابتلا به اومیکرون در کبکی جزو افرادی است که طی دو هفته اخیر به جنوب آفریقا سفر کرده‌اند. این کشورها در حال حاضر مشمول تدابیر محدودکننده‌ای هستند که



اثری از بیتا وکیلی



کاری از سیامک عزمی



کاری از محمد طباطبایی



اثری از رضوان صادقزاده

هدیه ویژه گالری ایران برای فصل جشن‌های پایان سال: ارسال رایگان هدایای خریداری شده

اروپا به مناسبت تعطیلات پایان سال بهره مند شوند.

شایان ذکر است که گالری ایران که از سال ۲۰۱۶ با مدیریت آقای رضا پیک آزادی و به منظور ارائه و نمایش آثار هنرمندان ایرانی تاسیس شده است، در نوامبر ۲۰۲۱ نمایشگاهی از آثار هنرمندان ایرانی با عنوان DIAT ۲۰۲۱ را در مونترال و در محل گالری ارگا برگزار کرده بود.

قاضی‌مراد (طراح گرافیک، خوشنویس و ابداع کننده خط "سریر") بیتا وکیلی (نامش در سال ۱۳۹۰ با فروش اثری در دوازدهمین حراجی کریستی دویی به عنوان گران‌ترین هنرمند زن خاورمیانه ثبت شد) نام برد.

سایت رسمی این گالری قول داده است که علاقمندان می‌توانند با خرید در فاصله زمانی اول دسامبر تا سوم ژانویه ۲۰۲۲ از امکان ارسال رایگان به تمام نقاط کانادا، آمریکا و

گالری هنری «ایران» ERAN واقع در تورنتو مجموعه‌ای از آثار هنرمندان ایرانی شامل نقاشی، کالیگرافی و هنرهای تجسمی را در وب سایت این گالری به آدرس: www.iranartgallery.com به نمایش گذاشته است.

آثاری از هنرمندان ایرانی در این سری مجموعه ارائه شده است. در آن میان می‌توان از جمله به آثار رضوان صادقزاده (نفر سوم مسابقه جهانی نقاشی در سال ۲۰۰۰) کوروش



بیانیه انجمن دفاع از حقوق بشر به مناسبت روز جهانی حقوق بشر

حقوق بشر اصرار دارند. زنان با تمام نیرو برای کسب حقوق برابر انسانی خود تلاش می‌کنند. توجه عموم به مسائل زیست‌محیطی از گذشته بیشتر شده و حفظ محیط‌زیست برای نسل‌های آتی به‌طور جدی دنبال می‌شود. به‌جرت می‌توان گفت که هیچ برنامه توسعه پایداری که در جهت حفظ زمین برای نسل‌های آینده تدوین شود بدون توجه به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌ها و مقاوله‌نامه‌های آن که به نسل‌های دوم و سوم حقوق بشر شناخته شده‌اند، امکان‌پذیر نیست. ما بر این باوریم که پویایی الگوی حقوق بشر طی این هفت دهه نشان داده که قادر است راه‌حل‌های مناسبی برای بسیاری از مشکلات بشری ارائه نماید. باین‌حال اگر اصلاحات ساختاری که از دو دهه گذشته در سازمان ملل متحد شروع شده با شتابی متناسب با مشکلاتی از جمله: پیچیدگی منافع کشورها، جهانی‌شدن اقتصاد و اثرات تغییرات جوی، اختلافات فزاینده قومی، مذهبی، مرزی، تروریسم و افراط‌گرایی، و اشاعه بیماری‌های مسری، پیش‌نبرد، در سطح بین‌المللی بیش از گذشته مشکلات گسترش یافته و سازمان ملل متحد با ساختار کنونی قادر به حل آن‌ها نخواهد شد.

در روز جهانی حقوق بشر، می‌بایست همگی بر اساس مسئولیت مشترکمان و به‌منظور رعایت حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اقدام نماییم. ما تنها هنگامی می‌توانیم از مجموع فعالیت‌هایمان ابراز رضایت کنیم که اصول آن به‌گونه‌ای مطلوب در هر جا و برای همه اجرا گردد، چراکه جهان‌شمولی حقوق بشر آن را فرای قوانین عرفی، و اجتماعی جوامع قرار داده است. ما بر این باوریم که اجرای کامل تمامی موازین حقوق بشر ضامن برقراری صلح، همبستگی و دوستی بین ملت‌ها و رعایت اصول توسعه پایدار است. مونترال دهم دسامبر ۲۰۲۱

پایان بیانیه

در جهان امروز اجرای مفاد منشور جهانی حقوق بشر دغدغه همه انسان‌ها است. چه آن‌هایی که آن را پذیرفته و سعی در اجرای آن دارند و چه آن‌هایی که تلاش در انکار و کنار گذاشتن آن را می‌کنند. هرچند در جهان پس از ارائه منشور جهانی حقوق بشر ما شاهد پایمال شدن حقوق بسیاری از انسان‌ها در سراسر کره خاکی بوده‌ایم که تا به امروز نیز ادامه دارد، ولی علی‌رغم گذشته، انسان‌های آزاده امروز سند پذیرفته‌شده‌ای را در اختیار دارند که با استناد به آن می‌توانند از حقوق خود و دیگران دفاع نمایند. در سال گذشته ما شاهد بحران کرونا، نابرابری توزیع واکسن در کشورهای غنی و فقیر، جنگ‌های منطقه‌ای و مهاجرت‌های انبوه، اثرات تغییرات جوی و زیست‌محیطی بسیاری بوده‌ایم. در سال گذشته جهان شاهد تعمیق بیشتر فقر، دامن‌زدن به گرایش‌های تفرقه‌انگیز و ضد حقوق بشری، قومی، مذهبی، نژادی و جنسیتی بود. این گرایش‌ها جهان را بیش‌ازپیش در معرض رودرویی‌های نظامی ناخواسته سوق داده است.

در سال گذشته انسان‌ها اثرات ناگوار تغییرات جوی و زیست‌محیطی بی‌شماری که ناشی از دو سده فعالیت‌های افسارگسیخته صنعتی است و می‌رود که جهان را به سمت محیطی ناامن برای زندگی بکشاند را تجربه کردند. در ایران نیز مشکلات زیست‌محیطی و به‌خصوص بحران کمبود آب و آلودگی هوا کشور را با بحران‌های بسیار جدی روبرو کرده است. در چهار دهه اخیر، عدم قانون‌مداری، عدم رعایت اصول توسعه پایدار و عدم برنامه‌ریزی مسئولین بر اساس منافع عمومی جامعه چنان اوضاع آشفته‌ای را به وجود آورده که خود مزید بر علت شده و بر نابسامانی‌های طبیعی افزوده است.

با وجود تمام این رخدادها نگران‌کننده ما شاهد آنیم که مردم جهان بیش‌ازپیش به حقوق انسانی خود بر اساس اعلامیه جهانی

انجمن دفاع از حقوق بشر در ایران - مونترال به مناسبت دهم دسامبر، روز جهانی حقوق بشر، اطلاعیه‌ای را منتشر کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «ما بر این باوریم که پویایی الگوی حقوق بشر طی این هفت دهه نشان داده که قادر است راه‌حل‌های مناسبی برای بسیاری از مشکلات بشری ارائه نماید. باین‌حال اگر اصلاحات ساختاری که از دو دهه گذشته در سازمان ملل متحد شروع شده با شتابی متناسب با مشکلاتی از جمله: پیچیدگی منافع کشورها، جهانی‌شدن اقتصاد و اثرات تغییرات جوی، اختلافات فزاینده قومی، مذهبی، مرزی، تروریسم و افراط‌گرایی، و اشاعه بیماری‌های مسری، پیش‌نبرد، در سطح بین‌المللی بیش از گذشته مشکلات گسترش یافته و سازمان ملل متحد با ساختار کنونی قادر به حل آن‌ها نخواهد شد.»

متن کامل این بیانیه را در زیر می‌خوانید. آغاز بیانیه:

هفتاد و سه سال پیش در روز دهم دسامبر منشور جهانی حقوق بشر که به همت اندیشمندان زمان و با الهام از دستاوردهای بزرگ در جوامع بشری تهیه شده بود به تصویب اکثر کشورهای عضو سازمان ملل متحد رسید. امروزه بعد از گذشت هفت دهه به‌جرت می‌توان گفت که این منشور و الحاقیه‌های وابسته به آن نزد اکثریت کشورهای جهان تبدیل به مهم‌ترین سند حقوقی برای دفاع از حقوق اساسی انسان‌ها گردیده و گفتمان حقوق بشر به‌آرامی و گام‌به‌گام در حال تبدیل شدن به گفتمان غالب است. لازم به یادآوری است که ایران از جمله امضاکنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر است و موظف به رعایت مفاد آن می‌باشد. در این مدت بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند از این سند جهانی استفاده ابزاری نمایند و یا به آن آبرونگ فرهنگی منطقه‌ای بدهند ولی بسیاری نیز آن را سنگ زیربنای قانون اساسی یا حقوق مدنی شهروندان خود قرار داده‌اند.

سحر صمدایی
مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک در آمدزا



Sahar Samadaei
Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Tel: 514.625.2525

de l'Agence
L'Agence immobilière inc.
Real Estate Agency

مینو اسلامی
مشاور املاک در مونترال بزرگ مسکونی و تجاری

Sutton

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com
514 967 5743

RE/MAX
Agence immobilière
RE/MAX Haute Performance

شاهین سجادی
کارشناس و مشاور رسمی
املاک مسکونی

SHAHIN SAJADI
• Courtier immobilier résidentiel

514-464-8220





f shahinsajadi | @ shahin.sajadi@remax-quebec.com
@ shahinsajadi.realtor

A2Z MELK PROPERTY MANAGEMENT

از انتخاب مستاجر خوب تا پرداخت ماهانه سود املاک به شما
از یک واحد کاندو تا املاک سرمایه گذاری چند واحدی مسکونی یا تجاری

مدیریت املاک

تمام در دسترهای مالکیت ملک را به ما بسپارید



عباس شفیعی
(514) 943-7908
لیسانس بازرگانی
McGill University
با بیش از ۲۶ سال سابقه در زمینه املاک در مونترال

باید به ژيان
قميشي فرصت
دوباره داده شود

درباره اتهام‌های مطرح
شده علیه آیدین
آغداشلو نمی‌توانیم
قضاوت کنیم

پیوندها هفته





گفت‌وگوی اختصاصی هفته با مهرداد آرین‌نژاد: تیرگان به ایرانیان کانادا اعتماد به نفس فرهنگی داده است

زور کرونا و سویه‌های جدید آن نچرید و دوباره کار به تعطیلی رویدادهای عمومی نکشد، جشنواره تیرگان برای عید نوروز از تاریخ ۱۰ تا ۱۲ مارس در مریدین آرت سنتر نورث یورک برپا خواهد بود.

ممنون از وقتی که در اختیار رسانه هفته قرار دادید! من فکر می‌کنم دوست و دشمن و موافق و مخالف شما در یک نکته هم داستان باشند که مهرداد آرین‌نژاد امروز یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های جامعه ایرانیان کانادا است اما از گذشته شما هم مانند بسیاری چهره‌های دیگر اطلاعات زیادی در دست نیست. کمی درباره گذشته‌تان و خانواده‌تان برایمان

داشته است.

در گفت‌وگویی که در رسانه «هفته» با آرین‌نژاد داشتیم ابتدا به گذشته دور یعنی زمانی که او دانشجویی جوان در دانشگاه مشهد بود تا اخراجش از دانشگاه صنعتی شریف و مهاجرتش به کانادا پرداختیم و سپس به زمان حال بازگشتیم و از فعالیت‌هایش در تیرگان، ارتباطش با ژبان قمیشی و همکاری‌اش با آیدین آغداشلو پرسیدیم که البته این دوتای آخر برای او در چند سال گذشته حاشیه‌ساز بوده و از این جهت پاسخ‌های آرین‌نژاد به آنها می‌تواند برای مخاطبان هفته جذاب و البته برای خودش چالش‌زا باشد.

چند خبر هم لایه‌لای گفت‌وگوی مفصل با آرین‌نژاد به دست آمد از جمله اینکه ساختار مدیریتی تیرگان در حال تغییر به سمت یک سازمان استاندارد است و اگر

در جامعه ایرانیان کانادا و حتی در مقیاس بزرگ‌تر ایرانیان خارج از کشور چهره‌های سیاسی مشهوری هستند که تداعی فرهنگی هم دارند یعنی یا کتابی غیرسیاسی نوشته‌اند یا تدریس می‌کنند یا در حاشیه هم شده به نوعی فعالیت فرهنگی فارغ از گرفتاری‌ها و دلبستگی‌های سیاسی مشغول هستند اما افرادی با ویژگی‌های عکس یعنی با تداعی فرهنگی پررنگ‌تر کمتر یافت می‌شوند، یکی از آنها مهرداد آرین‌نژاد، مدیر جشنواره منحصر به فرد «تیرگان» در کانادا است. آرین‌نژاد با برگزاری تیرگان در جایگاه یک «مدیر فرهنگی» برجسته شناخته می‌شود اما این به معنای آن نیست که او تعلق سیاسی ندارد؛ چه آنکه آرین‌نژاد در معیت رامین جهانگلوز نویسنده‌گان منشور ۹۱ بود و در پایه‌گذاری کنگره ایرانیان هم نقش آفرینی پررنگی

بگویند و اینکه با چه فراز و فرودهایی مواجه بودید؟

ممنونم از شما. من سال ۱۳۴۳ در همدان متولد شدم. البته پدرم برای مأموریت به آنجا رفته بود. ما اصولاً در تهران زندگی می‌کردیم؛ پدرم اهل تهران بود. من در همدان متولد شدم و به‌خاطر مأموریت‌های پدرم در شهرهای مختلف ایران از جمله تهران بزرگ شدم. پدرم کارمند وزارت کشاورزی بود و ما یک خانواده کارمند در سطح متوسط بودیم.

در دبستان‌ها و دبیرستان‌های مختلفی درس خواندم و دیپلمم را از دبیرستان خوارزمی تهران شعبه تجربی گرفتم. بعد از آن به دانشگاه مشهد رفتم و لیسانس کامپیوتر گرفتم. بعد در کنکور فوق‌لیسانس شرکت کردم و در دانشگاه شریف فوق‌لیسانس کامپیوتر قبول شدم اما بعد از یک ترم تحصیل اخراج شدم. بعد از آن به سربازی رفتم و بعد هم شرکتی را در ایران تأسیس کردم و در سال ۱۹۹۷ به کانادا مهاجرت کردم.

آیا در دانشگاه مشهد فعالیت سیاسی و اجتماعی خاصی هم داشتید؟

زمانی که من وارد دانشگاه مشهد شدم جو آنجا به‌قدری سنگین بود که نه‌تنها فعالیت سیاسی که حتی هیچ حرکت اجتماعی هم امکان ابراز نداشت؛ بنابراین من همه توانم را بر این گذاشتم که تحصیلم را به نحو عالی انجام دهم.

ولی با ورود به دانشگاه صنعتی شریف، در محیطی قرار می‌گیرید که به لحاظ تربیت دانشجویان نخبه دانشگاه چه پیش و چه پس از انقلاب سرآمد بود. دلیل اخراج شما بدون داشتن سابقه فعالیت سیاسی چه بود؟

به من گفتند که تعهد نداری!

بر اساس چه واقعیت‌هایی این ادعا علیه شما مطرح شد؟

متوجه نشدم هر قدر هم که پیگیر شدم دلیلش را به من نگفتند. کلاً در آن زمان برای اخراج دلیلی نمی‌آوردند، ما هم دستان به هیچ‌کجا بند نبود و جایی نبود که بتوانیم شکایت کنیم چرا اخراجمان کردند! خوشبختانه یکی از معاونان وزارت آموزش عالی، دوست قدیمی عموی من بود او مرا نزد آقای معاون که دقیقاً اسمشان یادم نیست برد و آقای معاون هم دستور دادند پرونده مرا یک‌بار چک کنند. تنها کاری که از دستانم برآمد این بود.

بعد از یک هفته، نامه‌ای در منزل ما آمد با این

مضمون که اگر مایلید می‌توانید اعتراض کنید. (حتی دلیل اخراج را به آقای معاون هم نمی‌گفتند!) فرم کوچکی بود که آن را پر کردم و فرستادم. آن‌ها نیز در جواب گفتند ما یک مصاحبه برای می‌گذاریم. من دوباره برای انجام مصاحبه به آنجا رفتم. مصاحبه مختصری بود و سؤالاتی در مورد مسائل مذهبی و سیاسی می‌پرسیدند. مثلاً در مورد نظریات آقای گورباچف و از این دست... من حتی نمی‌دانستم چرا این سؤالات را از من می‌پرسند! بعدش هم گفتند بفرمایید... چند وقت بعد دوباره نامه‌ای برایم فرستادند که در آن اعلام شده بود در مصاحبه دوباره رد شدم و در واقع اخراجم تأیید شد.

یعنی شما در آن دوره‌ای که از دانشگاه اخراج شدید هیچ فعالیت سیاسی خاصی نداشتید؟

اصلاً! من به‌هیچ‌وجه دنبال مسائل سیاسی نبودم و واقعاً نمی‌دانم دلیل اخراجم چه بود!

یعنی واقعاً شما هنوز هم نمی‌دانید به چه دلیل اخراج شدید؟

یک حدس‌هایی می‌زنم، ولی نمی‌دانم تا چه حد صحت داشته باشد. مثلاً ممکن است مادر یک مهمانی عکسی با کت و شلوار و کراوات گرفته باشیم. چون در آن زمان امکان داشت به چنین دلایلی افراد را اخراج کنند.

شما در دوره آقای عباس انواری از دانشگاه صنعتی شریف اخراج شدید؟

راستش درست یادم نیست فقط به‌خاطر دارم آقای هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور بودند. چون پدر من برای اخراجم از دانشگاه به ایشان نامه نوشت و البته جوابی هم دریافت نکرد.

بعد از اخراج به سربازی رفتید و سپس به مدت ۵ سال در تهران با راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید شروع به فعالیت کردید و در نهایت بعد از این مدت تصمیم گرفتید به کانادا مهاجرت کنید. انگیزه‌های شما برای این تصمیم چه بود؟

چندین دلیل داشت؛ یکی از دلایلی این بود که احساس می‌کردم در کشوری زندگی می‌کنم که مجبورم برای امرار معاش و پیشبرد کارم دروغ بگویم، رشوه بدهم و باید هزار و یک کار خلاف کرد که در حقیقت خلاف محسوب نمی‌شود چون همه به همین ترتیب عمل می‌کنند و خلاف کردن تبدیل به یک عرف شده است. دوست داشتم در جایی کار

و زندگی کنم که بتوانم قانونی عمل کنم و با وجدان راحت زندگی کنم.

دلیل دومش مربوط به زمانی می‌شود که گذارم به وزارت دادگستری افتاد. آقایانی از ما کامپیوتر گرفته بود و پولمان را نداده بود؛ خوشبختانه رقم زیادی نبود ولی ناچار شدیم شکایت کنیم. فقط می‌توانم بگویم این کار ۵ سال طول کشید! و در این پنج سال «فقط» سه یا چهار دفعه محل دادگاه عوض شد! یعنی می‌گفتند دادگاه در گذشته اینجا بوده و حالا به‌جای دیگر منتقل شده است! هر بار هم که ما به محل جدید می‌رفتیم با یک‌سری پرونده... در وسط اتاق مواجه می‌شدیم و یک سرباز هم آنجا ایستاده بود؛ یعنی اگر مثلاً پرونده من به‌جای ۵۰۰ هزار تومان ۵۰ میلیون تومان بود، آن طرفی که از او شکایت کرده بودم به آنجا می‌رفت و دو هزار، ده هزار یا صد هزار تومان کف دست قاضی یا سرباز می‌گذاشت، به هر طریق راهی پیدا می‌کرد که طرف به‌راحتی این پرونده را پاره کند و بعد بگوید در جابه‌جایی‌ها گم شده است و کسی هم کاری به او نداشته باشد. حالا این بخش مالی مسئله است و شما می‌توانید مشکلات پیچیده‌تر از این در زمینه‌های مختلف داشته باشید.

به این صورت بود که من احساس کردم مملکت ایران به راه درستی نمی‌رود و کسانی که در رأس کار هستند و مملکت را هدایت می‌کنند درست مثل این است که در اتوبوسی نشسته‌ایم که راننده آن کور است و ما را در گردنه‌های چالوس به پیش می‌برد.

با این اوصاف می‌شود گفت شما از دانشگاه تورنتو، فارغ از زندگی تحصیلی و دانشجویی، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی‌تان را به‌طور پررنگ شروع کردید. همه ما می‌دانیم برگزاری جشنواره‌ای مانند تیرگان به‌توان بالایی از سازماندهی نیاز دارد که در شما وجود دارد. ریشه‌های این توانایی در کجاست؟ آیا در نتیجه فعالیت‌های دانشجویی در شما ایجاد شده؟

سؤال خیلی خوبی است؛ زمان کودکی من، قبل از اینکه انقلاب شود، پدرم در کنار کارش برای سازمان صلیب سرخ یکسری کنسرت‌های خیریه برگزار می‌کرد. به یاد دارم یک‌بار هم آقای ویگن و گروهش را جهت اجرا برای گروهی از جذامیان دعوت کردند و همه عواید آن هم به نفع جذامیان به حساب سازمان صلیب سرخ واریز شد و همچنین برنامه‌های تئاتر، هر شب برنامه داشتند. من در آن زمان حدوداً چهار سالم بود و برنامه اجرا می‌کردم؛ هم در تئاتر و هم به‌عنوان کمک‌مجری. بدین



شد و از همین‌جا بود که موتور فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی او روشن شد و تا امروز نیز خاموش نشده است. او در این دوران پس از تجربه چند برنامه جمعی در جامعه ایرانیان کانادا از جمله جمع‌آوری برگزاری یادبود واقعه ۲ مرداد سال ۱۳۳۲ و کمک برای زلزله‌زدگان بم و برگزاری جشن زیر گنبد کبود آماده بود تا رویداد مهم «تیرگان» در کانادا را پایه‌گذاری کند که اولین جشنواره نوروزی آن در سال ۲۰۰۶ میلادی برگزار شد و تا امروز نیز در قالب برگزاری جشن تیرگان در تابستان و جشن نورز در بهار ادامه یافته است. آرین‌نژاد علاوه بر تیرگان در تأسیس کنگره ایرانیان کانادا هم نقش‌آفرینی کرده تا نشان دهد شخصیتی نهادساز در جامعه ایرانیان خارج از کشور است.

درباره مهرداد آرین‌نژاد

مهرداد آرین‌نژاد در سال ۱۳۴۳ در شهر همدان به دنیا آمده اما بیشتر دوره کودکی و نوجوانی خودش را در تهران سپری کرده است. او دیپلم خودش را از دبیرستان خوارزمی گرفته که در پرورش چهره‌های مشهور فرهنگی و علمی ید طولایی دارد. آرین‌نژاد برای تحصیل در رشته کامپیوتر به دانشگاه مشهد رفت و پس از پایان تحصیل در دوره کارشناسی در این شهر کسب‌وکاری در حوزه کامپیوتر راه انداخت. آرین‌نژاد برای دوره فوق‌لیسانس در دانشگاه صنعتی



شریف قبول شد اما در حال و هوای پس از انقلاب فرهنگی دوره تحصیل آرین‌نژاد در این دانشگاه یک ترم بیشتر طول نکشید و مسئولان دانشگاه به دلیل آنچه «بی‌تعهدی» عنوان کرده بودند حکم به اخراج او از دانشگاه دادند. البته هیچ‌وقت بر خود آرین‌نژاد هم به طور دقیق معلوم نشد که مصداق این بی‌تعهدی کدام رفتار یا گرایش او بوده است. به‌هرحال او پس از اخراج به دانشگاه و گذراندن دوران سربازی دوباره وارد کسب‌وکار آزاد شد و تا ۵ سال در مرکز کامپیوتری که در تهران راه انداخته بود، فعالیت می‌کرد. در نهایت آرین‌نژاد در سال ۱۹۹۷ میلادی یا حدود سال ۱۳۷۶ تصمیم می‌گیرد به کانادا بیاید؛ یعنی در همان سالی که با پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات دوم خرداد امید زیادی در جامعه ایران به آینده و بهبود اوضاع شکل گرفته بود، آرین‌نژاد تصمیم گرفت آینده خودش را کیلومترها دورتر جستجو کند. آرین‌نژاد پس از آمدن به کانادا دانشگاه تورنتو و در رشته کامپیوتر مشغول به تحصیل شد و برای چند سال هم در شرکت آی‌بی‌ام فعالیت کرد. او در دوره تحصیلش عضو کانون ایرانیان دانشگاه تورنتو

برگزار کنند. آنجا باعث شد که من نه‌تنها با دکتر جهان‌بگو آشنا شوم بلکه با دوستان دیگری که دغدغه اجتماعی داشتند نیز آشنا شدم. بعد از آن هم که دکتر جهان‌بگو برای تدریس به ایران برگشتند و ما هم در اینجا به کارهای متنوع دیگر پرداختیم.

آیا آقای جهان‌بگو برای تأسیس تیرگان هم به شما ایده یا کمک فکری دادند؟

نه در آن زمان ما اصلاً راجع به این‌گونه مسائل صحبت نمی‌کردیم. مسائلی که در کانون ایرانیان دانشگاه تورنتو مطرح می‌شد از این قبیل بود که هر هفته راجع به یک‌سری از سوژه‌های مختلف صحبت می‌کردیم. مثلاً یک هفته درمورد هگل صحبت می‌شد، هفته بعد راجع به عشق و هفته‌ای دیگر راجع به مارکس و... برنامه‌هایی مثل برنامه تیرگان هم در کنار چنین برنامه‌هایی پیش آمد.

با کانون آشنا شوم یک‌سری فعالیت‌های اجتماعی را شروع کرده بودم. آن زمان، در اینجا تعداد ایرانی‌های خارج از کشور خیلی کم بود و ما به دنبال ایرانی‌بودیم که دغدغه‌های اجتماعی داشته باشند.

به‌هرحال شما زمانی که مهاجرت می‌کنید در ابتدا با مشکلاتی مواجه هستید. مثل پیدا کردن جایی برای زندگی، پیدا کردن کار، ادامه تحصیل و... بعد از دو یا سه سال به تدریج این کارها را روبه‌راه می‌کنید و متوجه می‌شوید که کجا هستید و تازه به فکر مسئولیت‌های اجتماعی‌تان می‌افتید. این شد که من از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ فعالیت‌های اجتماعی را شروع کردم.

در آن دوران به دنبال آدم‌هایی می‌گشتم که مثل خودم دغدغه اجتماعی داشته باشند و خوش‌خیالانه چنین محیطی در دانشگاه پیدا شد. دوستان آمدند کانونی درست کردند که یک‌سری از بچه‌های فوق‌لیسانس، دکتر و غیره جمع شوند و برنامه‌های دورهمی هفتگی

ترتیب از همان موقع با زیربوم چنین برنامه‌هایی آشنا شدم. شاید مقداری از این تجربه برای آن زمان است؛ شاید به این دلیل بوده که روان‌شناسی آدم‌ها در طول زندگی‌ام برایم اهمیت زیادی داشته است. مثلاً اینکه آدم‌ها چرا و به چه انگیزه‌ای بعضی کارها را انجام می‌دهند. راستش دلیل دقیقش را خودم هم نمی‌دانم.

شما در هنگام تحصیل در دانشگاه تورنتو عضو کانون ایرانیان این دانشگاه شدید و با آقای رامین جهان‌بگو هم آشنایی پیدا کردید. به‌طور کلی ایشان چه تأثیری روی فعالیت‌های شما داشته است؟

دکتر جهان‌بگو نه‌تنها روی من بلکه روی بسیاری از دوستان آن زمان تأثیر داشته است. اصلاً راه‌انداختن کانون ایرانیان دانشگاه تورنتو تأثیر بزرگی در جامعه ایرانی خارج از کشور داشته است. اما من قبل از اینکه

وقتی بچه‌ها همدیگر را شناختند، اولین اتفاقی که افتاد زلزله بم بود، من به یک سری از دوستان که در دانشگاه با آن‌ها آشنا شده بودم پیشنهاد دادم که بیایید حرکتی کنیم و پولی برای زلزله بم جمع‌آوری کنیم. این برنامه انجام شد. اگر اشتباه نکنم سال ۲۰۰۳ یا ۲۰۰۴ بود که حدود ۱۵ هزار دلار جمع شد و همه آن مبلغ را به سازمانی دادیم که برای زلزله بم فعالیت می‌کرد. این فعالیت پایه فعالیت‌های بعدی را تشکیل داد؛ بنابراین این ایده نه‌از کانون ایرانیان آمد و نه دکتر جهانگلگو در آن نقش مستقیمی داشت.

به‌هر حال ایده اولیه تیرگان در میان همان همراهان کانون ایرانیان دانشگاه تورنتو شکل گرفت.

اجازه بدید من این را اصلاح کنم؛ این ایده در درون کانون شکل نگرفت بلکه در خارج از کانون و در میان دوستانی که اصلاً عضو کانون نبودند شکل گرفت اما اولین باری که ما می‌خواستیم این کار را انجام دهیم برای بستن قرارداد به یک سازمان نیاز داشتیم و ما سازمانی نداشتیم. از همان جا قرار شد من به‌عنوان عضو هیئت‌مدیره کانون آن‌ها را راضی کنم تا اجازه دهند این کار به نام کانون انجام شود. درضمن متوجه‌شان کردم که برگزاری این رویداد با نام کانون هیچ بار کاری روی دوش آن‌ها نخواهد گذاشت و همه مسئولیت بر روی دوش تصمیم‌گیرندگان آن است. این از آن جهت مهم بود که دوستانی در هیئت‌مدیره خیلی مخالفت می‌کردند و می‌گفتند ما نمی‌توانیم مسئولیت یک کار ۱۰۰ هزار دلاری را قبول کنیم. به هر طریقی بود آن‌ها راضی کردیم که بیايند و فقط اسم کانون را آنجا بیاورند.

در حال حاضر به‌جرت می‌توان گفت تیرگان شناخته‌شده‌ترین جشنواره ایرانیان خارج از کشور به‌شمار می‌آید. به نظر شما چرا این رویداد با چنین استقبالی روبه‌رو شده است؟

به عقیده من ملت ما یک انقلاب نالازمی را انجام داد، انقلابی که لزومی به انجامش نبود و بعد از آن هم با دشواری‌های این انقلاب روبه‌رو شد؛ در ابتدا که جنگ شد و سپس با حکومتی روبه‌رو شدیم که در زمینه‌های فرهنگی کاری که انجام نداد، هیچ، تمام تلاشش را هم بر این می‌گذاشت که کارهایی که تولید می‌شود را اساساً سانسور کند و جلوی هر کار هنری، فرهنگی و اجتماعی را بگیرد.

از آن طرف هر کشوری برای خودش ویژگی یا ملاکی دارد، ولی اگر من نوعی امروز بخواهم بگویم که ایران به

چه چیزی معروفیت دارد، فکر می‌کنم به‌عیراز فرهنگ و تمدنی که از گذشته به ما رسیده چیز دیگری که به آن افتخار کنیم و آن را به‌عنوان ویژگی معرفی کنیم نداریم؛ البته محدود چیزهایی داریم، مثلاً دانشمندان مهم، پزشکان و مهندسين موفق، اما مثلاً اگر بخواهیم بگوییم ما الان در زمینه هوا و فضا حرف اول را در دنیا می‌زنیم، چنین چیزی صحت ندارد. ولی در عوض اگر در زمینه فرهنگ و هنر و تمدن کار کنیم، حرفی برای گفتن داریم؛ یعنی می‌توانیم تحقیق کنیم و از دل این فرهنگ و تمدن قدیمی گوهرهایی را درآوریم و بگوییم این هم سهم ما از تمدن جهانی است.

بنابراین مردم هم فکر می‌کنند منابع ارزشمندی دارند که طی چهل و اندی سال گذشته همه‌شان سرکوب شده و حالا که روزه کوچکی به نام تیرگان باز شده تا این تمدن دیرینه را به دنیا نشان دهد به آن بهای می‌دهند.

دلیل دومش می‌تواند این باشد که مردم ما حدود ۳۰۴۰ سال است که از هم گریزانند. زمانی که من به اینجا آمدم مردم از هم فرار می‌کردند. ولی این موضوعات فرهنگی باعث شد کم‌کم مردم دوباره دور هم جمع شوند. کسانی بودند که رویش را نداشتند بگویند ایرانی هستند و اگر لهجه ایرانی نداشتند حتی در محل کارشان اصلاً بروز نمی‌دادند و به‌خاطر اتفاقاتی که همواره در کشور و منطقه رخ می‌دهد سعی می‌کردند خودشان را پنهان کنند. به باور من از زمانی که تیرگان به وجود آمده مردم احساس می‌کنند محصول ارزشمندی برای ارائه وجود دارد و همین موضوع کمک کرده که برخی از این افراد هویت خودشان را آشکار کنند.

یعنی شما مدعی هستيد تیرگان نوعی اعتماد به نفس فرهنگی به جامعه ایرانیان کانادا داده است؟

بله تا حدودی این‌طور بود اما دلایل مختلفی برای این استقبال وجود داشت و ما تنها چند دلیل عمده آن را مطرح کردیم.

موضوع دیگری که وجود دارد این است که فکر می‌کنم در صد و اندی سال گذشته، از قبل از جنبش مشروطیت، تأکید همیشگی نخبگان ما بر روی سیاست بوده؛ یعنی هر فعالیتی که صورت می‌گرفت بیشتر انرژی‌ها به سمت سیاست رفته است؛ احزاب مختلف درست شده، فعالیت‌های سیاسی گسترده‌ای صورت گرفته، ولی به مسائل فرهنگی توجه خاصی نشده است.

از آن طرف من همواره فکر می‌کنم که ریشه این مشکلات و بدبختی‌های ما در کجاست! نتیجه‌ای که

همیشه در نهایت به آن می‌رسد این است که ریشه تمام این مشکلات به مسائل فرهنگی برمی‌گردد و ما باید روی آن سرمایه‌گذاری کنیم. فکر می‌کنم در دوران پهلوی یکی دو حرکت راه افتاد که تأثیرگذار هم بودند مثل کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان و همچنین جشن هنر شیراز. متأسفانه جشن هنر به دلایل مختلف دوام چندانی نداشت ولی کانون پرورشی فکری تأثیرگذار بود و تأثیر آن همچنان هم ادامه دارد. مردم نیز می‌دانند مادر مسئله فرهنگ مشکل داریم و به طریقی باید این مشکل را حل کنیم.

شاهد مثال برای این استدلال شما این است که جامعه ایرانیان کانادا برای یک رویداد سیاسی خیلی موفق نمی‌شود ایرانیان را دور هم جمع کند اما تجربه رویدادهایی مانند تیرگان نشان داده‌نخ تسبیح فرهنگ بیشتر می‌تواند کمک کند جامعه پراکنده ایرانیان کانادا و شاید ایرانیان خارج از کشور را گرد هم آورد.

بله دقیقاً همین‌طور است و دلیلش این است که در موضوع فرهنگ یک‌دستی بیشتری وجود دارد؛ مثلاً همه نوروز، تیرگان، مهرگان و... را جشن می‌گیرند، ولی وقتی موضوع سیاسی می‌شود هزاران نظر و عقیده متفاوت وجود دارد.

من جایی از قول شما خواندم که زمانی گفته بودید جشن تیرگان را راه‌اندازی کردیم تا کار مفیدی کنیم و از جمع شدن و دیدن همدیگر خوشحال شویم. بعد از آن جای دیگری گفته بودید تیرگان به دنبال ایجاد بستری برای گفت‌وگو در جامعه ایرانیان کانادا است و در نهایت جایی دیگر گفته‌اید تیرگان می‌خواهد فرهنگ و تاریخ ایران را به جامعه جهانی بشناساند و وارد گفت‌وگو با جامعه جهانی شود. از چیدن این نظرات شما در زمان‌های مختلف در کنار هم به این نتیجه می‌رسد که آن ایده اولیه تشکیل جشن تیرگان رفته‌رفته تکامل یافته و این تکامل همچنان در ذهن شما و سایر دوستانتان همچنان در جریان است.

ببینید این تحول دلایل مختلفی داشته است. شما در اولین قدم برای کمک به یک جامعه باید اعضای آن را دور هم جمع کنید و بتوانید اعتماد اجتماعی میان آنها ایجاد کنید؛ بنابراین زمانی که استارت کار تیرگان را زدیم شاید ایده اولیه شخص من این بود

فکر می‌کنم این فلسفه و ایده‌ای که در تیرگان وجود داشته باعث شده همه از ورود به آن استقبال کنند. بعد از آن هم افراد داوطلب کیفیت بالای برنامه‌ها و نحوه سازماندهی‌اش را دیدند و متوجه شدند که خودشان در اینجا مسئول هستند و دموکراسی در این محیط رعایت شده است؛ شما وقتی در کشوری زندگی کنید که دموکراسی نداشته باشد و استبدادی باشد، مسئولیتی احساس نمی‌کنید برای اینکه همیشه می‌بینید از بالا تصمیماتی گرفته می‌شود و شما هیچ نقشی در امور آن ندارید اما زمانی که احساس کنید رأی یا نظر شما در جایی اهمیت دارد حتماً درگیر خواهید شد و فعالیت خواهید کرد.

سؤالی دارم که شاید جواب دادنش برای شما چندان خوشایند نباشد و آن مربوط به همکاری شما با آقای ژیان قمیشی است. البته شما پیش‌تر توضیح داده‌اید که همکاری شما با ژیان قمیشی هیچ ارتباطی با تیرگان ندارد اما به دلیل حساسیت‌های به وجود آمده درباره آقای قمیشی و نقش پررنگ شما در تیرگان، برخی معتقدند شما نباید این فعالیت را با وی شروع می‌کردید. نظرتان چیست؟

ببینید من فکر می‌کنم جامعه ما باید آن قدر باهوش باشد که بتواند از همه نیروهایش استفاده کند. به عقیده من افراد را از جامعه طرد کردن ایده مناسبی نیست. کنسل (cancel culture) کردن افراد مثل اعدام کردن است. من همان قدر که با اعدام مخالف هستم با کنسل کالچر هم مخالفم. به نظر من ما باید سعی کنیم حتی اگر آدم‌ها دچار اشتباهاتی می‌شوند، آن‌ها را به جامعه برگردانیم. مثلاً در جامعه کانادا آدم قتل می‌کند، دیگر بالاتر از قتل که نداریم؛ به زندان می‌رود، محکومیتش را می‌گذرانند و دوباره به جامعه برمی‌گردد و زندگی‌اش را ادامه می‌دهد. حالا ژیان قمیشی که در دادگاه تبرئه شده است! یعنی دادگاه او را محکوم نکرده است.

بله وی به لحاظ حقوقی تبرئه شده ولی افکار عمومی مثل دادگاه قانع نشده است.

ببینید چون من ژیان قمیشی را از نزدیک می‌شناسم از دید من ممکن است اشتباه کرده باشد ولی مرتکب خلاف نابخشودنی نشده است. چون من این آدم را می‌شناسم و اخبارش را دنبال کردم می‌دانم داستان آن‌طور نیست که یک سری رسانه‌ها بزرگ‌نمایی کردند. حالا اصلاً فرض را بر این می‌گیریم که همه اینها درست باشد، من معتقدم که باید به آدم‌ها فرصت دوباره داده شود؛ به‌خصوص افرادی که استعداد دارند و می‌توانند

به چه نوع سازمانی تبدیل می‌شود و هیئت‌مدیره چگونه انتخاب خواهد شد؟

ببینید الان تیرگان یک سازمان خیریه است و انتخاب هیئت‌مدیره به این صورت است که ما یک هیئت امنا (اعضا) داریم که حدود ۲۵ نفر از داوطلب‌های قدیمی تیرگان هستند. این هیئت در آینده بزرگ‌تر هم خواهد شد یعنی هر سال دوستان یک‌سری اسامی داوطلب‌ها را می‌آورند که از بین آنان رأی‌گیری می‌شود تا به هیئت‌امنا اضافه شوند. این اعضا از بین خودشان حدود ۹ نفر را انتخاب می‌کنند و آن‌ها هیئت‌مدیره تیرگان می‌شوند. این هیئت‌مدیره ۴ نفر دیگر را از کامیونیتی دعوت می‌کند که دو نفرشان از بخش هنری و دو نفرشان از بخش تجاری هستند. بدین صورت تعداد اعضای هیئت‌مدیره ۱۳ نفر می‌شود. الان سازماندهی به این صورت است که امیدواریم بخش تجاری را ۴ نفر کنیم و تعداد هیئت‌مدیره ۱۵ نفر شود.

این هیئت‌مدیره یک مأموریت به فردی تحت عنوان مدیرعامل سازمان می‌دهد که از آنجا به بعد قرار است مدیران عامل و مدیران زیرمجموعه‌اش دریافت مالی داشته باشند؛ بنابراین ساختار به این شکل می‌شود که تیرگان یک مدیرعامل استخدام می‌کند و از او می‌خواهد یک جشنواره فرهنگی را برگزار کند یا یک سازمان را اداره کند. آن مدیرعامل هم می‌رود و مدیران موردنیازش در بخش‌های بازاریابی، تأمین مالی، برنامه‌ریزی و... را استخدام می‌کند و آن‌ها نیز وظایفشان را اجرا می‌کنند. ما در حال حاضر اینجا هستیم ولی هنوز به آن مرحله نرسیدیم. الان من مدیرعامل تیرگان هستم اما دریافت مالی ندارم ولی زمانی که پول داشته باشیم که بتوانیم یک مدیرعامل استخدام کنیم، آگهی سراسری می‌دهیم و می‌گوییم ما یک مدیرعامل با این مشخصات می‌خواهیم و با آدم‌های مختلف مصاحبه خواهیم کرد و در نهایت فرد موردنظر را انتخاب می‌کنیم. آن وقت بنده هم در کنار تیرگان در خدمت دوستان خواهم بود.

شما در میان صحبتتان به نیروهای داوطلب اشاره کردید و ما می‌دانیم تیرگان در جذب نیروهای داوطلب بسیار موفق عمل کرده است. دلیل این امر چیست؟

این مورد هم دلایل مختلف دارد. یکی از دلایل این بوده که به جوان‌ها میدان داده شده است؛ یعنی ما همه افراد را دعوت کردیم و با آغوش باز از ورودشان استقبال کردیم و به همه گفته‌ایم این کار، کار همه ما است و طبق همین اصل مسئولیتش هم روی دوش همه ما است، خوب و بدش هم به همه‌مان برمی‌گردد.

که بتوانیم آدم‌ها را دور هم جمع کنیم و جماعت را با هم همدل کنیم؛ سپس به این نتیجه رسیدیم که ما فقط از طریق فرهنگ و هنر می‌توانیم این کار را عملی کنیم و به همین دلیل دنبال این کار رفتیم و البته طبیعی است که به تدریج دلایل مختلف دیگری هم به دنبال آن اضافه می‌شوند.

آیا انتخاب نام تیرگان برای این رویداد با این انگیزه مرتبط بود که مثلاً خواسته باشید یک مفهوم یا دلالت فرهنگی غیردینی را برجسته کنید؟

خیر؛ اصلاً مسئله ما دین و غیر دین نبوده است. اولاً من خودم یک آدم سکولار هستم و دوست دارم در جامعه‌ای زندگی کنم که دین یک امر شخصی باشد. شاید یکی از دلایل انتخاب نام تیرگان، وجود و مفهوم اسطوره‌ای آرش کمانگیر بود که جانش را فدای مملکت و ملتش کرد تا بتواند صلح و آرامش را برقرار کند. ما فکر کردیم این یک مفهوم قوی است که می‌تواند کمک بیشتری به جمع شدن افراد دور هم داشته باشد.

دلیل دومش هم این بود که تیرگان در ایران یکی از جشن‌های ناشناخته بود و تقریباً به فراموشی سپرده شده بود و فقط زرتشتی‌ها و یکی دو جای دیگر آن را جشن می‌گرفتند. ما می‌خواستیم آن جشن را هم زنده نگه داریم. ویژگی خوبی که جشن‌های کهن ما دارند این است که آن معنای مذهبی اولیه خودشان را از دست داده‌اند. مثلاً نوروز ممکن است زمانی مذهبی بوده ولی امروز در ایران مسلمان، مسیحی، زرتشتی، ارمنی و... همگی آن را جشن می‌گیرند.

به نظر می‌رسد تیرگان خیلی به شخص مهرداد آرپین نژاد وابسته بوده است. آیا این اساساً یک ضعف نیست؟

بله این یک ضعف بزرگ است، البته ما چندین سال است که در تلاش هستیم برای آن یک راه‌حل پیدا کنیم که این وابستگی نه تنها به من که به سایر دوستان هر روز کمتر و کمتر شود و تیرگان به یک سازمان استاندارد و خودکفا تبدیل شود. اکثر افرادی که الان با تیرگان همکاری می‌کنند، به‌غیر از دو سه همکار ما همگی داوطلب هستند. بعضی از این افراد هم بار زیادی روی دوششان است و اگر ناگهان حضور نداشته نباشند خلأ بزرگی ایجاد می‌شود و تیرگان لطمه بزرگی می‌خورد. ما امروز در یک دوره گذار هستیم؛ این گذار اگر ظرف یکی دو سال دیگر انجام شود، دیگر تیرگان به هیچ شخصی وابسته نخواهد بود.

در این دوره گذار تیرگان از لحاظ حقوقی

برای جامعه کاری کنند. نباید این افراد را ایزوله کرد و جورا برای تخریب آن‌ها مهیا کرد.

من با دیدگاه شما درباره ایزوله نکردن افراد موافقم ولی خود آقای قمیشی چنین دیدگاهی ندارد که اشتباهی مرتکب شده که حالا نباید ایزوله شود. از این جهت استدلال شما درباره او که نباید فرد اشتباه کار را ایزوله کرد به چالش کشیده می‌شود.

من هم هرگز نگفتم که ایشان حتماً اشتباهی کرده است! من می‌گویم ممکن است اشتباهی کرده باشد. ولی اینکه او چطور فکر می‌کرده و چه گفته نیز به خودش برمی‌گردد. من حتی احساس می‌کنم که او عذرخواهی هم کرده است. فکر می‌کنم آن مقاله‌ای که در نیویورک بوک ریویو نوشت در حقیقت نوعی معذرت‌خواهی بود؛ بنابراین من با این موضوع مشکلی ندارم.

شما همچنان به همکاری تان با آقای قمیشی در تولید پادکست ادامه می‌دهید؟

بله همچنان این همکاری ادامه دارد و البته اصلاً به تیرگان ارتباطی ندارد. ما پادکست رک (Roqe) و همچنین برنامه‌های مختلفی برای ایرانیان خارج از کشور درست می‌کنیم.

به دلیل پاسخ صریحی که دادید اجازه بدهید درباره آقای آیدین آغداشلو هم سؤالی بپرسم. برای ایشان هم اتفاقات مشابه آقای قمیشی افتاد و اتهام‌هایی مطرح شده. به همین دلیل دست کم بخشی از جامعه اصرار دارد همکاری تیرگان با ایشان قطع شود.

ما اصلاً با هنرمندان هیچ قرارداد همکاری نداریم. فعالیت ما به این صورت است: هر سال که تیرگان برگزار می‌شود یک سری هنرمند دعوت می‌شوند تا با تیرگان همکاری کنند و پس از آن هم به سراغ زندگی خودشان می‌روند. ما هیچ قرارداد دائمی با هیچ هنرمندی نداریم. در مورد آقای آغداشلو هم صحبت‌هایی درباره جنبش «می‌تو» مطرح شده اما متأسفانه ما در رابطه با این جنبش نمی‌توانیم همان ایده‌هایی که اینجا هست را در ایران هم پیاده کنیم! چرا که سیستم قضایی اینجا با ایران، زمین تا آسمان فرق دارد. در ایران پلیس و قوه قضاییه مستقیماً برای رسیدگی به اتهام‌ها وجود ندارد؛ یعنی هیچ کدام از این ارگان‌ها

استقلال ندارند و به همین دلیل کارکردشان با مشکل مواجه است. همچنین افرادی که در آن جامعه زندگی می‌کنند آن قدر گرفتارند که فرصت پیگیری واقعیت ماجرا را ندارند و از این گذشته اصلاً وظیفه‌ای هم ندارند که بروند به دنبال اینکه کدام قسمت داستان درست و کدام قسمت آن اشتباه است یا اینکه چه کسی به دادگاه می‌رود و چه کسی محکوم می‌شود! و از طرفی زنان نیز حق بیان چنین موضوعاتی را در ایران ندارند؛ بنابراین به عقیده من ما نمی‌توانیم درباره این گونه موارد قضاوت کنیم.

این نظر شما احتمالاً برای فعالان حقوق زنان خوشایند نیست. آن‌ها می‌گویند حتی اگر قوه قضاییه مستقلاً هم در ایران نباشد اما باید ظلم‌ها را در فضای فرهنگی و افکار عمومی مطرح کرد و اتفاقاً بخش عمده‌ای از جنبش «می‌تو» هم در افکار عمومی اتفاق افتاده تا مثلاً در محاکم قضا بی.

خوب مشکلی که اینجا به وجود می‌آید این است که فرض کنیم من با شما دشمنی دارم، قوه قضاییه هم وجود ندارد که بتوانیم از کسی شکایت کنیم، بعد من می‌آیم و علیه شما یک سری مسائل را مطرح می‌کنم. فارغ از جنبش زنان اصولاً کدام مرجعی است که بیايد و بگوید بالاخره حق با چه کسی است؟ منظور این است که در کل چنین جایی باید وجود داشته باشد که تعیین تکلیف کند. من شهروند نه فرصت و نه وظیفه قضاوت در مورد این مسائل را دارم؛ بنابراین نبود قانون و حقوق شهروندی کمی قضیه را پیچیده می‌کند.

با این اوصاف آیا در برنامه امسال و سال آینده تیرگان، آقای آغداشلو هم حضور خواهند داشت؟

تا جایی که من می‌دانم در برنامه‌های نوروز حضور ندارند. البته آقای آغداشلو به‌غیر از سال ۲۰۰۸ که در نمایشگاه ما دو کار داشتند، هیچ‌وقت در برنامه‌های ما نبودند. فقط زمانی که اینجا بودند به‌عنوان مهمان در روز افتتاحیه دعوت شده‌اند.

امسال هم دعوت می‌شوند؟

این بستگی به کمیته‌هایی دارد که برای تصمیم‌گیری دور هم جمع می‌شوند.

یعنی این کمیته‌ها مستقل از آقای آری‌ن‌نژاد تصمیم می‌گیرند؟
بله اصلاً ما در تیرگان پروسه داریم؛ یعنی کمیته‌ای

هست که می‌نشیند و تصمیم می‌گیرد چه کسانی بیايند و نظر یک‌سری هنرمند را هم جویا می‌شود. در حقیقت من تصمیم نمی‌گیرم که چه کسی به تیرگان بیايد یا نیاید.

یعنی تا به حال کسی بوده که مثلاً آقای آری‌ن‌نژاد مخالفت دعوتش بوده اما در یکی از این کارگروه‌ها انتخاب شده باشد یا برعکس؟

بارها اتفاق افتاده؛ مثلاً فرض کنید من می‌خواستم که فلان هنرمند در تیرگان حضور داشته باشد ولی وقتی گروه تصمیم‌گیرنده دور هم نشستند، به این نتیجه رسیدند که نیاید.

چه برنامه‌ای برای نوروز و جشن تیرگان آتی دارید؟

البته ما در همین مدت کرونا هم برنامه‌های مختلفی را اجرا کرده‌ایم. ۱۳ قسمت آنلاین برای بچه‌ها درست کردیم که الان روی یوتیوب موجود است. یک برنامه پرفورمنس آنلاین برای دو هنرمند هیپ‌هاپ و رپ ایرانی درست کردیم که بیست و هشتم همین ماه عرضه می‌شود. برنامه شب یلدای سال گذشته و نوروز امسال را هم به‌صورت آنلاین برگزار کردیم و همه اینها روی کانال یوتیوب ما هست.

برای سال آینده امیدواریم بتوانیم یک برنامه حضوری داشته باشیم؛ یعنی نوروز سال ۲۰۲۲، از تاریخ ۱۰ تا ۱۲ مارس که امیدواریم در مریدین آرت سنتر (Meridian Arts Centre) در نورث‌بورک برگزار شود و تیرگان بعدی در سال ۲۰۲۳ خواهد بود.

در واقع تیرگان قبلی در سال ۲۰۱۹ برگزار شد، تیرگان بعدی دو سال بعد از آن که سال ۲۰۲۱ بود، بنابراین سری بعدش هم سال ۲۰۲۳ برگزار می‌شود و برنامه‌ریزی برای تیرگان به دلیل اینکه جشنواره بسیار بزرگی است، کار زیادی می‌طلبد و ما نمی‌توانیم این ریسک را بکنیم که کار را شروع کنیم و وسط کار بگویند به‌خاطر کرونا کنسل می‌شود.

آیا اسپانسر مالی شما برای برنامه نوروز امسال مشخص شده است؟

بله در حال حاضر فقط TD بانک است ولی مسلماً اسپانسرهای دیگری هم به‌زودی خواهند آمد.

آیا احتمال دارد ایران اینترنشنال هم جزو یکی از اسپانسرها باشد؟

خیر. البته هیچ‌وقت ایران اینترنشنال جزو اسپانسرهای مالی ما نبوده، بلکه در سال ۲۰۱۹ به‌عنوان اسپانسر

مدیا آمدند و گفتیم ما کمکتان می‌کنیم تا بتوانید جشنواره را پوشش بدهید.

من چند پرسش هم درباره جنبه‌های دیگری از فعالیت شما در جامعه ایرانیان کانادا دارم. شما چند سال پیش در قالب گروهی با محوریت آقای جهانگلوش منشوری به اسم منشور ۹۱ نوشتید و منتشر کردید و گفتید هدف آن همبستگی میان ایرانیان، پیرامون بیانیه حقوق بشر است. به نظر می‌رسد این منشور چندان مورد توجه قرار نگرفت.

ببینید ما این منشور را نوشتیم که کاری کنیم یا پروژه سیاسی به راه بیندازیم. من نمی‌دانم شما آقای موریس کاپیتورن را به یاد دارید یا نه! ایشان در زمان جنگ ایران و عراق، نماینده سازمان ملل برای ایران درباره حقوق بشر بودند و به همین دلیل به ایران رفت و آمد داشتند. بعد که کارشان در ایران تمام شد، من به کانادا آمدم و ایشان در ونکوور زندگی می‌کردند؛ یکبار دعوتشان کردم که بیایند و با بچه‌های دانشگاه آشنا شوند. تعداد کمی از بچه‌ها آمده بودند، او در آنجا پرسشی مطرح کرد؛ اینکه شما برای مملکتان ایران چه می‌خواهید؟ هر کدام از دوستان عقیده خودشان را مطرح کردند. هر کسی چیزی گفت و او در جواب بچه‌ها گفت: ببینید حتی شما هم که قشر تحصیل کرده و فعال جامعه ایرانی هستید درست نمی‌دانید چه می‌خواهید و این به من می‌گوید شما به دیکتاتوری مانند رضاشاه نیاز دارید که بیاید و با یک مشت آهنین کارها را درست کند. این صحبتش در آنجا برای من سنگین تمام شد و به او گفتم: نه اصلاً این طور نیست به خاطر اینکه نسل جدید ایرانی زیر بار چکمه آمرانه نمی‌رود و آن زمان با زمان حاضر تفاوت دارد.

بعد نشستیم به فکر کردن در مورد اینکه شاید ما به سر نمی‌خوریم نیاز داریم که به ما بگوید آمرانمان برای ساختن یک جامعه ایده‌آل ایرانی چیست! این موضوع در فکر من آمد و با دوستان دیگر مثل دکتر جهانگلوش، آقای حریری، آقای لقمانی و... در میان گذاشتم. وقتی با هم صحبت کردیم آن‌ها هم از دریچه‌هایی با دیدگاه‌های متفاوت، چنین نظری داشتند که ما برای آینده ایران به یک منشور آرمانی احتیاج داریم. این طور شد که ما نشستیم و در طی ۶ ماه به اتفاق با تبادل نظر اتمان آن را نوشتیم، به این امید که سندی باشد تا هر کسی خواست بتواند به عنوان منبع و مرجع از آن استفاده کند یا اگر روزی کسی مثل آقای کاپیتورن از ما بپرسد چه چیزی برای ایران می‌خواهید این منشور را به او نشان دهیم و بگوییم خواست‌هایمان اینجاست.

البته ما توانستیم ۷۵۰ امضا از طیف‌های مختلف فکری مثل کمونیست، مشروطه‌خواه، جمهوری‌خواه، حقوق بشری و... جمع‌آوری کنیم و به عقیده من این خود نیز یک موفقیت بوده است. حالا ممکن است فعلاً به دست فراموشی سپرده شده باشد ولی امیدوارم روزی از آن استفاده شود.

هیچ وقت سازمانی به وجود نیامد که این منشور، محور آن قرار بگیرد؟
خیر، از ابتدا هم قرار نبود سازمانی به وجود بیاید. قرار بر این بود که فقط منشوری نوشته شود تا سندی باشد برای اینکه ما و غیره را روشن تر کند، برای آینده ایران چه می‌خواهیم.

آن منشور منتقدانی هم داشت. بعضی‌ها می‌گفتند آن منشور مقابل منشور شورای ملی ایرانیان منتشر شد و بعضی دیگر می‌گفتند با مشورت گروه‌های مختلف فکری و سیاسی نوشته نشده است!

اول اینکه منشور در مقابل شورای ملی ایرانیان نبود برای اینکه خود آقای رضا پهلوی به همین دلیل که بگوید ما همان چیزی را می‌خواهیم که شما می‌خواهید آن را امضا کرده است. دوم اینکه طیف‌های مختلف سیاسی و غیرسیاسی این منشور را امضا کردند که نشان می‌دهد که استدلال دوم هم درست نیست.

شما یکی از پایه‌گذاران کنگره ایرانیان کانادا بودید. در واقع عضو همان جمعی که ایده کنگره را مطرح کردید. کمی در این مورد برایمان توضیح دهید.

در آن زمان یک روز حدود ۱۴-۱۵ نفر از دوستان در رستورانی جمع شدیم و گفتیم ما به سازمانی نیاز داریم که بتواند جامعه‌مان را سازماندهی کند و سخنگویی برای جامعه ما باشد تا بتواند نظرات و واقعیت‌های جامعه را به سیاستمداران و دولتمردان کانادایی منتقل کند. در اصل بتوانیم رابطی باشیم تا مثلاً زمانی که زلزله بم اتفاق افتاد، اگر توانستیم امکاناتی از کانادا برای ایران یا برای خانواده‌هایی که کسی را در اینجا دارند، تهیه کنیم یا اگر یک ایرانی کانادایی به جایی سفر می‌کند و اتفاقی برایش می‌افتد یا مورد نژادپرستی قرار می‌گیرد یا مواردی از این قبیل به آن‌ها کمک کنیم. مثلاً پیش آمده در اینجا یک ایرانی را بدون دلیل، شاید فقط به خاطر یک حرف بی‌ربط به زندان انداخته‌اند. برای چنین مواردی بود که ما احساس کردیم نیاز به یک سازمان داریم و تصمیم بر آن شد که بنشینیم و ببینیم چطور می‌توانیم این سازمان را راه بیندازیم.

البته کار بسیار سختی هم بود؛ چراکه اعتماد اجتماعی وجود نداشت و هر کس ایده‌ای را مطرح می‌کرد و حرف وحدیت هم کم نبود؛ می‌گفتند این‌ها می‌خواهند پولی به جیب بزنند که چنین ایده‌ای را مطرح کرده‌اند. در نهایت از ۱۵ نفری که برای طرح این ایده دور هم جمع شده بودیم، فقط ۷ نفر ماندند و بقیه هر کس به دلیلی جمع را ترک کردند. آن ۷ نفر (سعید حریری، منوچهر میثاقی، مهرداد آرین نژاد، مهرداد حریری، مسعود منصور زاده، حسین زرشکیان و علیداد مافی نظام) باز دور هم جمع شدند و اساس نامه‌ای نوشتند که البته خالی از اشکال هم نبود چون سابقه چنین کاری را نداشتند.

در نهایت قرار بر این شد که این سازمان را تشکیل دهیم، مردم را جمع کنیم، انتخاباتی برگزار کنیم و هیئت‌مدیره‌ای تشکیل دهیم و من تا زمانی که سازمان تشکیل شد، حضور داشتم؛ یعنی ما اساسنامه را نوشتیم، عضوگیری کردیم، افراد آمدند و به ما پیوستند، هیئت‌مدیره اول انتخاب شد و من دیگر کنار کشیدم و فقط عضو سازمان بودم و در رأی‌گیری‌ها شرکت می‌کردم و...

برای تشکیل کنگره ایرانیان سازمانی در ذهنتان بود که بخواهید آن را الگو قرار دهید؟

ما سازمان‌های مختلفی مثل ایتالیایی‌ها، کنگره یهودیان و... را بررسی کرده بودیم. مثلاً کنگره یهودیان به این ترتیب نیست که شما عضو آن بشوید و رأی دهید بلکه تعدادی از نخبگان جامعه یهودیان جامعه آمدند و آن را برنامه‌ریزی کردند و سازمانی را درست کردند و بقیه را زیر چتر خودشان گرفتند؛ مثلاً افرادی که متمول بودند و نفوذ داشتند. در کل سیستم این سازمان دموکراتیک نبوده که مردم بیایند و رأی دهند. ما آمدم و ترکیبی از اینها را در نظر گرفتیم؛ یعنی گفتیم سازمانی شبیه به این سازمان می‌خواهیم اما ساز و کار انتخاب افرادش باید به صورت دموکراتیک و با رأی‌گیری باشد.

ارزیابی امروز شما در مورد عملکرد کنگره ایرانیان کانادا و مسیری که آمده، چیست؟

من فکر می‌کنم ما هیچ وقت ملت دموکراتی نبودیم. دموکراسی هم که یک شبه به وجود نمی‌آید! شما نیازمند کار، آموزش و تمرین دموکراسی هستید. به عقیده من کنگره یک هسته مرکزی برای جامعه ایرانیان کانادا بود؛ هرچند که درس‌هایی هم درست کرد. در تیرگان چنین درس‌هایی اتفاق نمی‌افتد چراکه اینجا یک سازمان دموکراتیک اما

بسته است؛ یعنی باید شما را دعوت کنند تا بتوانید عضو تیرگان شوید و ساختار سازمانی آن هم این ویژگی را در خودش می‌طلبد. اما سیستم سازمانی مثل کنگره ایرانیان برای همه ایرانیان کانادا و حتی غیر ایرانی‌ها هم باز است که بیایند عضو شوند و رأی دهند. ما همچنین نمی‌خواستیم بگوییم که این سازمان له یا علیه جمهوری اسلامی کار می‌کند و هدفمان این بود که برای منافع جامعه ایرانیان کانادا کار کند.

من می‌دانستم که وقتی این سازمان به وجود بیاید گروه‌های مختلف سیاسی می‌خواهند این سازمان را به دست بگیرند و هر کدام یا له یا علیه جمهوری اسلامی آن را بچرخانند. البته فکر می‌کنم این هم به نوعی تمرین دموکراسی است؛ یعنی ما داریم درسی را تمرین می‌کنیم و مسیری را طی می‌کنیم تا متوجه شویم دقیقاً از این سازمان چه می‌خواهیم و اصلاً فلسفه وجودی آن را درک کنیم.

به یاد دارم زمانی که این سازمان را راه‌اندازی کردیم به هر کس می‌گفتم این سازمان باید از منافع ما دفاع کند، می‌گفت: «دولت کانادا از منافع ما دفاع می‌کند دیگر چه نیازی به چنین سازمانی است!» ولی الان شرایط تغییر کرده و من فکر می‌کنم بخش بزرگی از جامعه ما متوجه شده که به چنین صدایی نیاز است. حالا اینکه چه آدم‌هایی مدیریت این سازمان را در دست بگیرند دیگر به فعال بودن جامعه برمی‌گردد. اگر جامعه نباید فعالیت کند، در چنین سازمانی عضو شود و در رأی‌گیری‌ها شرکت کنند، بیشتر می‌توانند در کنترل سازمان نقش ایفا کنند.

درباره مشارکت گفتید، در انتخابات قبلی هم مشارکت پایین بود!

من این‌طور فکر نمی‌کنم. چون در کنگره سه هزار نفر عضو گرفت. به‌خاطر تنشی که بین گروه‌های شرکت‌کننده در انتخابات ایجاد شده بود، یک‌سری طرفدار سیاست‌های جمهوری اسلامی و دسته دیگر مخالف چنین موضوعی بودند. این موضوعات باعث شده بود هر گروه برای خودش افرادی را ثبت‌نام کند و همین اتفاق باعث شد انتخابات پرشورتری از سری‌های قبل شکل بگیرد.

ولی باتوجه به ظرفیت ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری جامعه ایرانیان کانادا تعداد سه هزار نفر واقعاً چشمگیر نیست!
بله از این نظر که ما هنوز در اول راه هستیم.

آقای آری‌ن‌نژاد به نظر شما این جامعه

ایرانیان کانادا که ما از آن صحبت می‌کنیم، چه نقاط ضعف و قوت برجسته‌ای دارد؟

از دید من جامعه ما باید خودش را سازمان‌دهی کند. اول اینکه ما نیاز به نهاد داریم و باید نهادسازی کنیم. نهادهایی مثل کنگره ایرانیان کانادا، تیرگان، کانون مهندسين و... هستند که می‌توانند صدای جامعه ما باشند. اگر امروز اتفاقی برای جامعه ما بیفتد و نهادی نداشته باشیم، صدای من و شما به‌تنهایی به هیچ‌جا نمی‌رسد.

دوم اینکه باید روی اعتماد اجتماعی کار کنیم. اعتماد اجتماعی یک سرمایه ملی برای ما به شمار می‌آید. اگر این سرمایه و نقدینگی در اختیار ما نباشد هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم. اگر افراد یک جامعه به هم اعتماد نداشته باشند و با هم همدل نباشند، در آن جامعه سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. به همین دلیل است هر حرکتی که می‌خواهیم انجام دهیم انگي به آن چسبیده می‌شود.

یکی از نقاط قوت امروز جامعه ایرانیان کانادا، تیرگان است. وجود تیرگان امروز به من می‌گوید که بالاخره یک‌سری آدم بودند که اعتماد و حمایت کردند و اگر چنین افرادی نبودند تیرگان شکل نمی‌گرفت؛ بنابراین جامعه ما شایستگی این رویداد را داشته است.

نقطه قوت دیگر این است که من فکر می‌کنم اکثر ما ایرانیانی که مهاجرت کردیم و به اینجا آمديم، بهترین آدم‌ها از لحاظ تحصیلات، استعداد، امکانات و... هستیم و میزان متوسط تحصیل و درآمد در جامعه مهاجر ایرانی از بقیه جوامع بسیار بیشتر است. این موضوع را می‌توانم با سند و مدرک به شما نشان دهم. ولی این نیروها باید با همدیگر کار کنند تا بتوانند به جامعه کمک کنند.

به‌عنوان پرسش آخر می‌خواهم نظرتان را در مورد بعضی از چهره‌های جامعه ایرانیان کانادا بدانم.

حامد اسماعیلیون: از دید من بسیار شخص محترمی هست و ارزش بسیاری برای ایشان قائلم. شخصاً هر کمکی که برای رسیدن به هدفش، یعنی رسیدن به دادخواهی، از دستم برآید دریغ نمی‌کنم، چراکه ظلم بسیار بزرگی بر ایشان شده است.

حسن زرهي: ایشان سردبیر شهروند بودند و طی این سال‌ها با وجود مشکلات مالی زیادی که داشتند از هر کار فرهنگی که فکرش را بکنید حمایت کردند و در آن نقشی داشتند که تیرگان هم قسمتی از آن‌ها بوده است.

رضا براهنی: ایشان استاد بنده بودند، من در کلاس‌هایشان شرکت می‌کردم و واقعاً دوستشان دارم

و برایشان آرزوی سلامتی می‌کنم. فکر می‌کنم یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در ادبیات فارسی هستند و سبک خاصی را در ادبیات فارسی شکل دادند.

ژیان قمیشی: یکی از افراد بسیار بااستعداد جامعه ما است که باید سعی کنیم از استعدادش استفاده کنیم، چون استعداد کوچکی نیست و یک استعداد جهانی است. او می‌تواند به‌نوعی صدای ما را در جامعه بزرگ‌تر انگلیسی‌زبان مطرح کند که تنها محدود به کانادا نمی‌شود.

افخم مردخی: یکی از فعالان اجتماعی قدیمی این شهر است که من نیز شانس همکاری با ایشان را در برگزاری برنامه چهارشنبه‌سوری و بسیاری از برنامه‌های دیگر در گذشته داشته‌ام و خیلی به ایشان ارادت دارم.

رضا مریدي: بسیار انسان محترمی هستند. به عقیده من افتخار جامعه ما هستند چراکه فکر نمی‌کنم هیچ کجای دنیا موقعیتی را که ما در زمان وزارت ایشان داشتیم، تجربه کرده باشد. حمایت‌های دکتر مریدي از تیرگان بسیار، بسیار مؤثر و مفید بوده است.

احمد رضا تبریزی: ایشان هم یکی از فعالان اجتماعی و رهبران جامعه ایرانی هستند که مرکز پریا را تأسیس کردند و بنده هم برای یکی دو دوره که عضو هیئت‌مدیره پریا بودم و افتخار همکاری با ایشان را داشتم.

علی احساسی: ایشان دوست نزدیک من هستند. از پیش از اینکه وارد پارلمان شوند با هم دوست بودیم. به عقیده من علی احساسی مستعد سیاست است و دانش بسیار بالایی در باره مسائل سیاسی کانادا دارد. من برایش آرزوی موفقیت دارم و امیدوارم روزی بتواند به‌عنوان وزیر و یا معاون وزیر خدمت کند.

مجید جوهری: حقیقتاً خیلی با ایشان آشنایی ندارم، چندباری همدیگر را دیدیم و برایشان احترام‌قائل هستم. **جاستین ترودو:** خیلی دوستشان دارم و فکر می‌کنم مثل پدرشان نخست‌وزیر قابل‌ی هستند. امیدوار هستم در دوره‌های بعدی هم بتوانند جامعه را رهبری کنند و از این طوفان‌ها بگذرانند.

استفن هارپر: راستش آدم محترمی هستند ولی من خیلی با عقاید و فعالیت‌هایشان موافق نبودم و نیستم.

سپاسگزارم از وقتی که در اختیار هفته قرار دادید. اگر نکته ناگفته‌ای باقی مانده بفرمایید.

می‌خواستم از مجله هفته و شخص شما که زحمت این گفت‌وگو را کشیدید تشکر کنم. من فکر می‌کنم یکی از چیزهای دیگری که در کنار نهاد نیاز داریم داشتن رسانه‌های مستقل است. چون رسانه، صدای مردم است و کار کردن در جامعه‌ای که رسانه نداشته باشد، بسیار مشکل است. امیدوارم نقشی که هفته و رسانه‌های فارسی‌زبان دیگر انجام می‌دهند بیشتر و بیشتر شود.

Sutton

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker



کاظم تهرانی

مشاور رسمی املاک در کبک

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری

هزینه محضر، ۱۵۰۰ دلار هدیه ما، برای خریدارن ملک

■ پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال

■ مشاوره برای املاک در آمدزا

■ ارزیابی رایگان منزل شما

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک
به همراه یک تیم حرفه ای

514 - 971-7407

عبدالله صفوی
مشاور مالی
بیمه و سرمایه گذاری

مشاوره رایگان
امروز تماس بگیرید:

(514) 467-8491



بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری های خاص و...

پس انداز تحصیلی

برنامه ریزی بازنشستگی و...

ABDOLLAH SAFAVI

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!



حسابداری و مالیات

XL-ON TAX
SERVICES INC.



Personal and Corporate
Professional Tax Services

با مدیریت عباس شفیعی

متخصصی حسابداری و مالیات
McGill University

2545 Cavendish Blvd, #134A
Montreal, QC H4B 2Y9
xlon38@gmail.com

(514) 806 0060

مصاحبه

مقاله

مهاجرت



معصومه علیمحمدی - مشاور رسمی مهاجرت

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا موقت کانادا برای کلیه برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق: سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خویشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.



WWW.ICPIMMIGRATION.COM

 [icpimmigrationtocanada](https://www.facebook.com/icpimmigrationtocanada)
 @ICPimmigrationTOCANADA



Montreal:

Office:

514-289-9011/514-289-9044

WhatsApp: 514-778-9011

Direct from Iran:

021-2878-8531

Email: info@icpimmigration.com

Address: 1117 Ste. Catherine West,

#511, Montreal, Qc, H3B 1H9

Tehran:

Office: 021-2288-1684

Mobile: 0937-489-6676

سهمیه ۲۰۲۱ مهاجران کبک با وجود تسریع بررسی درخواست‌ها تامین می‌شود؟

مهاجر، اداره مهاجرت و شهروندی تمرکز را برای سرعت بخشیدن به پروسه بررسی به روی متقاضیانی گذاشت که در کانادا حضور دارند. بالاترین درصد مربوط به افرادی است که در کانادا سابقه کار و تحصیل دارند بدین دلیل از اوایل سال تا کنون اکثریت قرعه‌کشی‌های انجام شده به متقاضیان CEC اختصاص داده شد.

سیاست صدور دعوت‌نامه با حجم بالا برای گزینش تجربه‌داران کانادایی از دیگر سیاست‌های مقطعی بود که نه‌تنها تراکم متقاضیان در حوزه رقابتی این برنامه را به سرعت کاهش داد بلکه موجب شکستن سد امتیازات بالا برای گزینش نیز شد. تنها در قرعه‌کشی ماه فوریه تعداد ۲۷۳۳۲ نفر موفق به اخذ دعوت‌نامه تحت برنامه تجربه‌داران کانادا شدند. با اختصاص قرعه‌کشی‌های هر دوهفته یکبار اکسپرس انتری به برنامه تجربه‌داران کانادا، منجر به این شد که تعداد ۱۰۸ هزار برگه لندینگ از ماه ژانویه تا اکتبر صادر شود که بالغ بر ۸۵ درصد از آنان اختصاص به تجربه‌داران کانادایی داشت. علاوه بر این تعداد برای متقاضیانی که مورد گزینش استانی قرار گرفتند و در کانادا نیز حضور دارند در طول سال ۲۰۲۱ تا کنون تعداد ۱۲۵۱۴ برگه لندینگ صادر شده است. تنها ۱۰ درصد از برگه‌های لندینگ صادره در سال ۲۰۲۱ اختصاص به متخصصین خارجی دارد که موفق به دریافت تأییدیه اقامت دایم شدند. جدول زیر نمایانگر خلاصه‌ای از گزینش سیستم اکسپرس انتری از ماه ژانویه تا پایان اکتبر ۲۰۲۱ را به تفکیک به نمایش می‌گذارد.

منبع: مهاجرت، پناهندگان و شهروندی کانادا (IRCC)

Number of Confirmation of Permanent Residence (COPR) issued to Express Entry Applicants Between January 2021 and October 2021 by CoPR Issuance Month and Immigration Category (in Persons)

CoPR Issuance Date	Canadian Experience Class (EE)	Federal Skilled Workers (EE)	Provincial/Territorial Nominees (EE)	Skilled Trades (EE)	Grand Total
2021/January	4 456	1 271	2 053	1	7 781
2021/February	5 594	761	781	2	7 138
2021/March	8 383	381	709	3	9 476
2021/April	6 860	420	724	6	8 010
2021/May	5 792	578	571	13	6 954
2021/June	16 727	996	1 258	30	19 011
2021/July	16 039	619	1 656	27	18 341
2021/August	16 363	715	1 332	26	18 436
2021/September	14 364	468	1 834	219	16 885
2021/October	14 282	586	1 596	66	16 530
Grand Total	108 860	6 795	12 514	393	128 562

که از ماه دسامبر ۲۰۲۰ تا کنون گزینشی برای متخصصین خارجی خارج از کانادا انجام نشده است.

تا ماه اکتبر بالغ بر ۳۱۴۰۰۰ برگه لندینگ در سال ۲۰۲۱ صادر شده. باید منتظر گزارش پایان سال شد تا به آمار مجموع مهاجرین برگزیده شده سال ۲۰۲۱ دست یافت. درواقع کسری گزینش سهمیه به میزان ۸۷۰۰۰ باید در طی دو ماه آخر سال تحقق یابد. اگر اداره مهاجرت به همین روند صدور ۴۵۰۰۰ برگه لندینگ ماهانه ادامه دهد تکمیل سهمیه سال ۲۰۲۱ برای گزینش ۴۰۱ هزار متقاضی نباید خیلی دور از ذهن باشد.

تماس با نویسنده: معصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت، با او می‌توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید. این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.پی ICP Immigration حمایت شده است.

اداره مهاجرت و شهروندی کانادا ماهانه تقریباً ۱۴۰۰۰ درخواست دریافت شده از متقاضیان برنامه تجربه‌داران کانادایی و تقریباً ماهانه ۶۰۰ درخواست تحت برنامه متخصصین کانادایی را نهایی می‌کند. بالغ بر ۸۵ درصد درخواست‌های نهایی شده اختصاص به تجربه‌داران کانادایی دارد.

سیستم گزینش اکسپرس انتری اصلی‌ترین روش گزینش متخصصین ماهر و نیمه ماهر کانادا محسوب می‌گردد. سیستم گزینش بر اساس ماتریس امتیازبندی بنا شده و متقاضیان از حوزه رقابتی مورد گزینش قرار می‌گیرند. از آغاز دوران پاندمیک اداره مهاجرت و شهروندی تغییرات زیادی در گزینش متقاضیان واجد شرایط در حوزه رقابتی این سیستم ایجاد کرده است. در طول سال ۲۰۲۱ گزینش از حوزه رقابتی رابه سه شاخه متخصصین خارجی و منتخبین استانی و تجربه‌داران کانادایی تجزیه نمود. با جداکردن قرعه‌کشی‌های هر شاخه شانس گزینش افرادی که در حوزه رقابتی دارای پروفایل معتبر بوده و در داخل کانادا حضور دارند افزایش یافت. متخصصینی که مورد گزینش استانی قرار گرفتند نیز به علت نیاز استان و اضافه شدن ۶۰۰ امتیازات کسب شده آنان که منجر به اخذ امتیازات شاخص می‌شود تضمینی مبنی بر اخذ دعوت‌نامه محسوب می‌گردد. این در حالی است که در سال‌های قبل از ۲۰۲۱ بالغ بر ۴۵ درصد متقاضیانی که موفق به اخذ دعوت‌نامه از سیستم اکسپرس انتری می‌شدند صرفاً به واسطه امتیازات شاخصی که در حوزه رقابتی داشتند مورد گزینش قرار می‌گرفتند و شاخه درخواستشان ملاک محسوب نمی‌شد. به دنبال فشار تأمین سهمیه گزینش سالانه به میزان ۴۰۱۰۰۰

اداره مهاجرت و شهروندی کانادا در هر یک از ماه‌های می و جون ۲۰۲۱ به طور تقریبی ۷ هزار تا ۱۰ هزار گزینش انجام داده است که آمار گزینش ۶ ماهه اول سال ۲۰۲۱ را به دو برابر گزینش دوره مشابه در مقایسه با سال قبل رسانید. در گزارشات اخیر وزارتخانه دیده می‌شود که بالغ بر ۱.۸ میلیون پرونده مهاجرتی در حال بررسی در سیستم وجود دارند که کمتر از ۱۰۰ هزار از این درخواست‌ها تا پایان اکتبر امسال متعلق به متقاضیان سیستم اکسپرس انتری می‌باشد. اگر فرض بر این باشد که روش سرعت بخشیدن به بررسی پرونده‌ها به همین ترتیب ادامه یابد بررسی ۴۸۰۰۰ از این تعداد تا ژانویه ۲۰۲۲ تکمیل خواهد شد و دپارتمان معتقد است که تقریباً نیمی از درخواست‌های بررسی نشده سیستم اکسپرس انتری تکمیل خواهد نمود و تا پایان نیمه اول ۲۰۲۲ تمامی درخواست‌های باقی‌مانده نیز تکمیل خواهد شد و گزینش به مرحله بروزسانی خواهد رسید تنها پس از نیمه اول ۲۰۲۲ می‌توان گفت که دیگر درخواست انباشته شده‌ای در سیستم اکسپرس انتری باقی نخواهد ماند. در طول سال ۲۰۲۱ تا ماه سپتامبر تعداد ۲۷ قرعه‌کشی برای گزینش تجربه‌داران و منتخبین انجام شده است. البته ناگفته نماند

رانندگی در کانادا



به دست آوردن اطلاعات در مورد گواهینامه رانندگی، بیمه خودرو، قوانین و مقررات رانندگی، خرید یا اجاره خودرو در کانادا برای کسانی که به این کشور مهاجرت کرده‌اند از ملزومات زندگی در کانادا است.

در مطلب پیش‌رو، «هفته» شمارباین مسائل آشنا ترمی سازد.

گواهینامه رانندگی

برای رانندگی قانونی خودرو در کانادا، به گواهینامه رانندگی صادر شده توسط دولت استان یا قلمرو خود نیاز دارید. هر زمان که در حال رانندگی هستید باید آن را همراه خود داشته باشید. با آن می‌توانید در هر نقطه از کانادا رانندگی کنید.

اگر گواهینامه معتبری از کشور خود دارید، احتمالاً می‌توانید از آن برای رانندگی در کانادا برای مدت کوتاهی پس از ورودتان استفاده کنید. برای جزئیات با دولت استان یا قلمرو خود تماس بگیرید.

اگر قصد دارید از گواهینامه رانندگی خارجی در کانادا استفاده کنید، باید مجوز رانندگی بین‌المللی (IDP) را در کشور خود دریافت کنید که به فرانسوی و انگلیسی هم ترجمه شده باشد.

روند دریافت گواهینامه رانندگی در کانادا به استان یا منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید و سابقه رانندگی شما بستگی دارد و ممکن است شامل موارد زیر باشد: امتحان کتبی در مورد قوانین جاده‌ای (شما می‌توانید دفترچه راهنمایی برای کمک در این زمینه دریافت کنید)

یک یا دو آزمون رانندگی

می‌توانید برای آماده شدن برای آزمون‌های رانندگی، هزینه کلاس‌های رانندگی را پرداخت کنید.

پس از دریافت گواهینامه، باید هر چند وقت یک بار آن را تمدید کنید. تاریخ انقضا بر روی گواهینامه شما چاپ می‌شود.

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد گواهینامه رانندگی، امتحانات و دروس رانندگی به بخش حمل و نقل در استان یا منطقه خود مراجعه کنید.

بیمه خودرو

رانندگی بدون بیمه خودرو در کانادا غیر قانونی است. اگر خودرو دارید، باید پوشش بیمه‌ای داشته باشید. اگر مرتباً خودرویی را می‌رانید که متعلق به یکی از اقوام یا دوستانتان است، باید مطمئن شوید که در طرح بیمه

خودروی آن‌ها لحاظ شده‌اید.

شما می‌توانید انواع مختلفی از طرح‌های بیمه خودرو را دریافت کنید، از جمله پوشش یکی یا هر دو مورد زیر:

صدمات وارده به خود و آسیب دیدن خودروی شما، یا هزینه‌های خسارات و جراحات وارده به دیگران در صورت مقصر بودن

هزینه بیمه خودرو شما به طرحی که انتخاب می‌کنید و موارد زیر بستگی دارد:

سن

سابقه رانندگی

محل زندگی

تجربه رانندگی

هزینه شرکت‌های بیمه نیز متفاوت است، به همین دلیل باید: مطمئن شوید که متوجه شده‌اید هر طرح چه چیزی را پوشش می‌دهد

برای جزئیات بیشتر در مورد قیمت طرح‌های بیمه با چند شرکت تماس بگیرید

قوانین و مقررات رانندگی

شما باید قوانین رانندگی کانادا را بدانید. قبل از شروع رانندگی، زمانی را برای یادگیری قوانین استان یا منطقه خود اختصاص دهید.

قوانین رانندگی در کانادا سختگیرانه اجرا می‌شود. مجازات‌های قانون شکنی عموماً شدید است. پس، در مورد برخی از مهم‌ترین قوانینی که باید بدانید اطلاعات کسب کنید.

اگر تصادف کردید

ترک صحنه تصادف جرم سنگینی است. این شامل تصادف با وسیله نقلیه دیگر یا برخورد با عابر پیاده است. اگر تصادف کردید:

با شماره اورژانس (۹۱۱) برای پلیس و آمبولانس (در صورت نیاز) تماس بگیرید

در محل حادثه منتظر بمانید تا اورژانسی که با آن تماس گرفته‌اید برسد

تبادل اطلاعات با راننده دیگر (اگر تصادف با وسیله نقلیه دیگری باشد)، از جمله:

نام

نشانی

شماره تلفن

شماره‌های گواهینامه رانندگی

نام شرکت بیمه

شماره طرح بیمه

خرید یا اجاره خودرو

می‌توانید در اینترنت جستجو کنید یا با وزارت حمل و نقل محلی در شهر خود تماس بگیرید تا از فروشندگان خودرو یا آژانس‌های کرایه اتومبیل مطلع شوید.

اگر فقط برای مدت کوتاهی به ماشین نیاز دارید، می‌توانید از آژانس‌های کرایه خودرو ماشین کرایه کنید. در صورت نیاز مطمئن شوید که بیمه خودرو در قرارداد اجاره خودرو شما گنجانده شده است.

در برخی شهرها، برنامه‌های اشتراک گذاری خودرو وجود دارد که به شما امکان می‌دهد بدون خرید یا اجاره از خودرو استفاده کنید. ممکن است بخواهید در مورد این گزینه تحقیق کنید تا ببینید آیا نیازهای شما را برآورده می‌کند یا خیر.

خرید خودرو

شما می‌توانید خودرو نو یا دست دوم را بخرید از:

فروشندگان خودرو

شخصی که خودرو خود را می‌فروشد

برای خرید یا فروش خودرو از بخش نظارت بر خودروها و رانندگی در استان یا قلمرو خود اطلاعات و کمک دریافت کنید. برای اطلاعات در مورد مسائل مصرف‌کننده مربوط به خرید خودرو:

به کتابچه راهنمای مصرف‌کننده کانادا مراجعه کنید با اداره امور مصرف‌کنندگان استانی یا منطقه‌ای خود تماس بگیرید

اجاره خودرو

بسیاری از افراد در کانادا به جای خرید خودرو، خودرو را از فروشندگان اجاره می‌کنند. اجاره‌نامه قراردادی حقوقی بین شما و فروشنده است که در آن شما:

با پرداخت هزینه‌ای برای استفاده از خودرو برای یک دوره زمانی خاص (معمولاً چندین سال) موافقت می‌کنید

پس از اتمام زمان، خودرو را در شرایط خوبی به فروشنده برمی‌گردانید

از آنجایی که اجاره‌نامه یک قرارداد قانونی است، قبل از امضای اجاره‌نامه، مطمئن شوید که شرایط و ضوابط آن را درک کرده‌اید.

منبع: وبسایت رسمی دولت کانادا



استودیو عکاسی روز
STUDIO PHOTO ROSE

انواع خدمات
عکاسی حرفه ای

PASSPORT
PORTRAIT
NEWBORN
BUSINESS





(514) 488 7121

5301 Queen Mary
(Corner of Décarie),
H3X1T9, Montréal, QC.

ما را در اینستاگرام و
فیسبوک دنبال کنید

facebook instagram studiophotorose




ELHAM JAMI
Courtier Immobilier Résidentiel
514-966-9681
eniamami@sutton.com

خرید و فروش املاک مسکونی
در مونترال، وست آیلند، ریوسود و لاوال

همکاری با تیم با تجربه در
تهیه وام مسکن و با کمترین نرخ سود بانکی

تسهیلات ویژه برای تازه واردین به کانادا

Residential Real Estate Broker

شهره شهبان

مشاوره املاک در کلان شهر مونترال



♦ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی

♦ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونترال جهت خرید

♦ هزینه محضر هدیه من به خریداران محترم

514 - 290 - 2210

shahrianrealtor@gmail.com

سينما

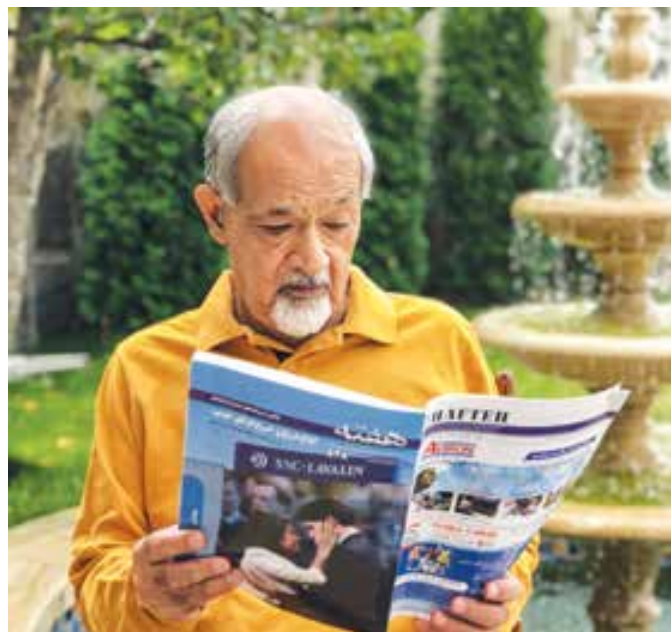
هند

فرهنگ

ادبيات



به یاد علیرضا جباری، مردی که همواره به مردمش وفادار ماند



البته که مشروبات الکلی وجه مشترک بیشترشان بودند! بیشتر پُر ادبیات دوستی می دادند.

به بخشو خواننده جنوبی که بیشتر مرثیه خوانی می کرد علاقه داشتند؛ مخصوصاً موقعی که می گفت: «رسیدم بر سر راه چغارک، نشستم گریه بسیار کردم» به راستی همه گریه می کردند و مخصوصاً یکی بی تاب می کرد. من از صدای بخشو خیلی خوشم می آمد؛ صدای مردم آن خطه بود و به راستی به موسیقی مسلط بود و صدایش بیشتر به قلب آدم می زد؛ در طرفداری از او افراط می کردند.

ادبیات روسی هنوز اعتبار زیادی داشت و الگوی همه بود، مخصوصاً ماکسیم گورکی که به راستی پیغمبر بود.

در تهران؛ جوانی فریدون نام بود که از جنوب خوزستان به تهران آمده بود و تحت تأثیر دایی اش که در شرکت نفت کار می کرد، گرایشات توده ای پیدا کرده بود. او به معلمی به نام بنایان علاقه مند بود و حتی گاهی به کمک هم شب نامه درمی آوردند. فریدون انتشاراتی داشت که نام آن را نیما گذاشته بود و دنبال نویسندگان جوان و گمنام اما خوش فکر می گشت.

از من خواست که با هم برای گرفتن شعر، ترجمه، قصه و ... به شیراز برویم. در آنجا با نویسندگان و شعرای شیراز که عموماً روشنفکر بودند و بیشتر در پی مطرح کردن خود بودند

داشت که در مدرسه به معلمین نشان بدهد که پسرش دانشجوی دانشگاه معتبر کشور است.

تا اینجا هنوز علت گرایش او به مردم و اندیشه های مردمی او معلوم نیست؛ به قول سعدی می توان گفت: «من از بینوایی نیم روی زرد، غم بینوایان رخم زرد کرد» تا اینکه در شیراز با نویسندگان و شعرای شیراز آشنا شد و به ادبیات علاقه مند گردید، کم کم گرایش های سیاسی و مردمی پیدا کرد؛ البته هنوز هم معلوم نیست چرا؟! کتاب شعری چاپ کرد به نام «خورشید و شهر دور» و با شعرای آن زمان شیراز دمخور شد و گاهی با آنها به مقابله پرداخت.

شعرا و نویسندگان شیراز گرایشات مختلفی داشتند. اما بیشتر آنها در ضدسلطنت بودن توافق داشتند و کمی بعد چنان شد که هیچ دو گروهی یکسان فکر نمی کردند. بیشتر آنها جنبه روشنفکری ضدچپ داشتند، حتی ملی گرایی خود را نیز آشکار نمی کردند. سلطنت طلب هم نبودند. چپ ها نیز گرایششان افراطی بود و می خواستند یک شبه همه چیز را عوض کنند. با وجود آنکه پُر اهل کتاب بودن می دادند علاقه ای به مطالعه نداشتند. شاعری شیرازی شعری ساخته بود، نامش یادم نیست ولی مضمون شعرش این بود: کتاب خواندن بس! خلاصه اینکه مطالعه عمیقی نداشتند و بحث های سطحی می کردند. فلسفه را جدی نمی گرفتند. بعضی هایشان نمازخوان بودند؛

از پدری روحانی و مادری فرهنگی به دنیا آمد. برادری به نام جعفر داشت و خودش که علیرضا بود؛ مرفه بودند و نوکر و کلفت داشتند. علیرضا را یک نفر به مدرسه می برد و ظهر برمی گرداند و دوباره بعد از ظهر همین روال؛ آن وقت ها مدارس دوسره بود.

پدرش روحانی معتبر و پرترفداری بود؛ به طوری که موقع فوتش بیش از ۵۰ شخصیت پای آگهی فوت او را امضاء کرده بودند. می گفتند امام جماعت است. ولی گرایش سیاسی از او نقل نمی کردند. طبق معمول شاه را دعا می کرد و می گفت سلطان سپاه اسلام است. الگوی فکری او محمدتقی فلسفی بود.

تا زمان دانشگاه سرش به درس و مشق بود و مادر، سخت کوشانه او را زیر نظر داشت، مادری که خود مدیر مدرسه بود و سخت گیری هایش را در مدرسه بر دانش آموزان و معلمین نیز اعمال می کرد. تقریباً از اوضاع و احوال روز و کار و زندگی هیچ اطلاعی نداشت و هیچ گونه گرایش به آدم و اندیشه ای نداشت. یک شب گرسنه خوابیده بود و درد فقر و گرسنگی را نمی دانست. در دانشگاه شیراز پذیرفته شد و یک باره زندگی اش دگرگون شد. با زبان انگلیسی و دانشجویان خوش فکر آشنا شد؛ آن موقع «پهلوی» شیراز از دانشگاه های درجه اول بود و پذیرفته شدن در آن بسیار مشکل. مادر دوست

آشنا شدیم. بیشتر آنها دوست داشتند که پلی به تهران بزنند، آثارشان در تهران چاپ شود و با شعرا و نویسندگان مشهور، مربوط شوند. آمدن فریدون از تهران برای همه موقعیتی ایجاد کرد. علیرضا در اینجا نظر من و فریدون را جلب کرد و قرار شد کارهایش را نیما چاپ کند. و چاپ کرد و اعتبار پیدا کرد.

فریدون در خیابان شاپور تهران مغازه‌ای اجاره کرده بود و کتاب چاپ می‌کرد. اکثراً حق تألیف نمی‌داد، بنابراین زورش به گرفتن کار از نویسندگان و مترجمین بزرگ امثال شاملو، به‌آدین و ... نمی‌رسید، پس دنبال نویسندگانی می‌گشت که پولی درخواست نکنند و فقط به‌دنبال چاپ آثارشان باشند.

دوران شکوفایی بود. هر شب و روز نویسنده‌ای جدید پیدا می‌شد. جو کلی چپ‌گرایی بود و آل‌احمد میدان‌گردانی می‌کرد. جوسازی می‌کرد که اینها را شاه کشته است و ... اگر کسی تب می‌کرد حتماً کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه بود که البته موردپسند جوانان هم بود. دور دور صمد بهرنگی و اندیشه‌های چه‌گوارایی بود.

دیگر انقلاب روز به روز به جوشش نزدیک می‌شد و آدم‌های بیشتری به‌صحنه می‌آمدند و ادبیات در این میان سهم زیادی داشت. شب‌های شعر انستیتو گونه در تهران تنور ادبیات شعر و شاعری را گرم‌تر کرد و آدم‌ها بیشتر مطرح شدند.

علیرضا با کانون نویسندگان آشنا شد، کارهایش را به هیئت بررسی‌کننده سپرد و عضو ثابت آنجا شد. در جلسات آن مرتباً شرکت می‌کرد و جانب دوم نزاع‌های درونی آن‌را گرفت. جانب اول می‌گفت آزادی بدون قید و شرط جانب دوم آزادی را با توجه به شرایط می‌خواست. از این جدال شورای نویسندگان و هنرمندان به‌وجود آمد که آدم‌های سرشناس زیادی به آن پیوستند و کم‌کم رشد پیدا کرد. شخصیت‌های معتبر بسیاری به آن پیوستند که نام آنها را می‌توان فهرست کرد اما من فقط به استاد امیرحسین آریان‌پور اشاره می‌کنم.

انقلاب که به پیروزی رسید و وارد مرحله بگیر و ببندها شد. در نتیجه کانون و شورای نویسندگان هر دو مورد حمله بودند. گرایش به‌راست پیدا شده بود و آدم‌های با گرایش مردمی حتی در درون نظام نیز مغلوب قهر و راهی تبعید، حبس، زندان و حتی مرگ شده بودند؛ چه برسد به افراد بیرون از نظام!

سال‌ها گذشت و در اواخر دهه ۱۳۷۰ علیرضا به

زندان افتاد، با یک طومار از حرف‌ها و اتهاماتی که با هزار من سریش یکیش به او نمی‌چسبید. یک کمپین جهانی برای آزادی او راه افتاد. در نقطه اوج کمپین ایزابل آلنده به رئیس‌جمهور وقت ایران نامه نوشت و درخواست آزادی علیرضا را مطرح کرد و علیرضا پس از دو سال و نیم حبس آزاد شد. پس از آزادی، شغلش که ترجمه از زبان انگلیسی بود تبدیل به کار شبانه‌روزی او شد. عشق به کار و فعالیت در کانون و حوزه‌های مختلف او را تا حد جنون پیش برده بود.

علیرضا جباری متولد ۱۷ بهمن ۱۳۲۳ که کودکی و نوجوانی‌اش در ناز نعمت و تحت سلطه مادر گذشته بود به انسانی فراروید که مستقل و آزاده و دردمند بود. بعد از دیدن فیلم «۲۶» روز با داستایوفسکی «این فکر به مغزم آمد که فرشته‌ای پروانه نام را با او هماهنگ کنم تا درکنارش باشد و فرصت کار بیشتر علمی و ادبی به او داده شود؛ همین‌طور هم شد، او با پروانه (گوهر) شمیرانی ازدواج کرد که یار غار

علیرضا شد.

نویسنده و مترجمی پرکار، سمج و خستگی‌ناپذیر چون علیرضا جباری ندیده‌ام. مهربان، خوشرو، صمیمی و باگذشت بود. در راهی که قدم گذاشته بود یعنی عشق به مردم و توده‌ها از هیچ فداکاری دریغ نمی‌کرد. خانه‌اش را در شیراز به فعالیت‌های سیاسی بخشید و خانه‌ای مشترک او و پروانه در تهران مرکز تجمع نویسندگان و هنرمندان شد. گزینشی عمل نمی‌کرد، به همه عشق و علاقه و دوستی صمیمانه نشان می‌داد. محبوب دوستان و رفقا و مورد احترام همگان بود. آرام بود، اهل جنجال و پروپاگاندا نبود. خیلی کمتر از آنچه که بود خودش را نشان می‌داد. از آنهایی بود که درد غم بینوایان رخس را زرد کرده بود. با درک و فهم مطالعه به سمت توده‌ها آمده بود و تا آخر عمر با آنها وفادار ماند و ما و تا می‌توانست قلم زد.

در ۱۷ آذر سال ۱۳۹۹ کرونا، این مردِ مردمی و عاشق را از ما گرفت.

زندگی‌نامه‌ی کاری زنده‌یاد علی‌رضا جباری از زبان خودش

علیرضا جباری



مجید پسران قادر، علی‌رضا جباری و عباس کحال
زاده، نشر ترمه، ۱۳۸۱

۵. مسافران جنگل و چالینا، ترجمه‌شده با نام
مستعار ر. آزادوش، انتشارات رز، ۱۳۵۴

۶. نگاهی به زندگی و آثار جک لندن، ترجمه‌ای با
نام مستعار ر. آزادان، انتشارات نیما آبادان، ۱۳۵۴

۷. پیشگامان هنر، ترجمه‌ای از کتاب درباره‌ی هنر
و ادبیات آناتولی لوناچارسکی، با نام مستعار ر.
آزادوش، انتشارات رز، ۱۳۵۶

۸. افسانه‌های دریای کهریایی، ترجمه‌ی
افسانه‌های فرهنگ مردم جمهوری‌های لیتوانی،
لتونی و استونی، ۱۳۵۲، در پنج جلد: دو اسب؛
آینه‌ی اسرارآمیز؛ اندرزگردانا؛ وعده‌های یک
ارباب؛ دوازده برادر، دوازده زاغ سیاه.

۹. روابط اقتصادی بین‌المللی اتحاد شوروی،
ترجمه‌ای با نام خودم، به دلیل سرقت مأموران در
هنگام تفتیش منزل نسخه‌ای از آن به‌جا نمانده و
نام نویسندگان نیز به دلیل گذشت زمان فراموشم
شده است، انتشارات ظفر، با همکاری بابک
مختاری، محمود سهیم، محمود دارم و اردشیر
دیلیمی، ۱۳۵۹

۱۰. نگرشی بر آثار لنین، ترجمه‌ای از کتاب
گردآوری شده به همت موسسه‌ی انتشاراتی
شوروی مؤدوناودنایا کنیگا {کتاب بین‌الملل}،
با نام خودم، انتشارات ظفر، ۱۳۵۹

۱۱. انقلاب اکتبر و آزادی زنان در ازبکستان
شوروی، ترجمه‌ای از اثر امینه رحیمووا، با
همکاری بابک مختاری، محمود سهیم، محمود

گرفته است. گذشته از مجموعه‌ی شعر پیش گفته،
کتابی تألیفی با عنوان «انقلاب اجتماعی» که
به دلیل جدایی از هم‌قلم امکان انتشار نیافت
و کتاب فرهنگ مدیریت را همراه با دو همکار
منتشر کرده‌ام.

مجموع صفحه‌های آثار تألیف و ترجمه نزدیک به
۲۰ هزار صفحه و مجموع صفحه‌های آثار ویراسته
۲۰ تا ۲۳ هزار صفحه است.

علاوه بر این، نزدیک به سی اثر دیگر را نیز که
بخشی از آن‌ها در لیست زیر فهرست شده‌اند،
برای مرکز نشر دانشگاهی، دانشگاه صنعتی
شریف، انتشارات افکار، سوره، مبتکران و سایر
موسسه‌های انتشاراتی ویرایش کرده و مقاله‌های
بسیاری (نزدیک به پنجاه مقاله) در نشریات
منتشر کرده‌ام.

آثار تألیف و ترجمه:

۱. خورشید و شهر دور، مجموعه‌ی شعر، با نام
مستعار ر. آزادوش، پخش از انتشارات رز، سال
۱۳۵۰

۲. شب پا و گرگ پیر، مجموعه‌ی شعر، با نام
مستعار ر. آزادوش، پخش از انتشارات رز، به سبب
نگرفتن مجوز از اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ
و هنر در چاپخانه خمیر شد، ۱۳۵۱

۳. انقلاب اجتماعی، با شراکت کیوان نریمانی،
به علت جدایی مکانی نزد کیوان نریمانی ماند و
منتشر نشد، سال ۱۳۵۷

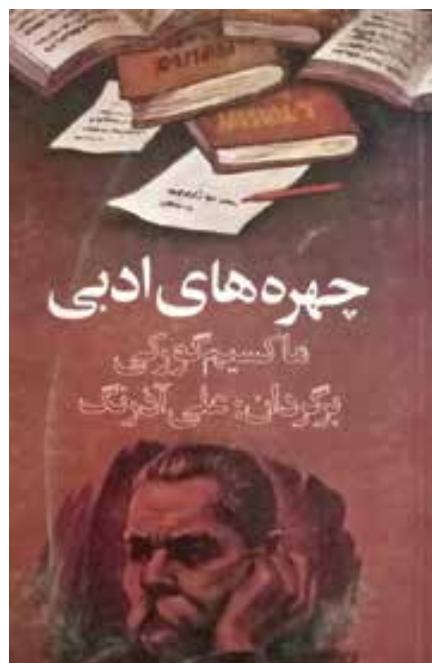
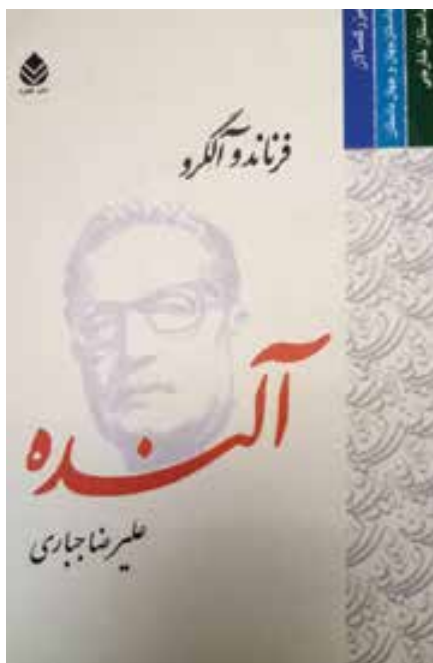
۴. فرهنگ جامع دوسویه‌ی مدیریت گردآوری

اولین اثری که به‌طور مستقل از من در مطبوعات
سراسری کشور به چاپ رسید، مثنوی‌وار
چهارپاره‌ای به نام «آتش و نی» بود که شاعر و
منتقد ادبی، عبدالعلی دستغیب در سفرش به
شیراز و ضمن گردآوری آثاری از نویسندگان و
اهل‌قلم شیراز، از من گرفته بود تا در شماره‌ی
مخصوص شیراز مجله‌ی فردوسی که در سال ۴۵
منتشر شد به چاپ برسند. از آن زمان به بعد پای
من به مجله‌ی ادبی شاخص آن زمان باز شد و در
سفرهایم به تهران روزهای سه‌شنبه در نشست
عمومی چهره‌های ادبی عضو هیئت تحریریه‌ی آن
به‌عنوان مهمان شرکت می‌کردم.

اولین اثر مستقل ادبی من مجموعه‌ی شعری به
نام «خورشید و شهر دور» بود که در سال ۱۳۵۰
انتشار یافت.

دومین کتاب شعرم به نام «شب پا و گرگ پیر» در
سال ۵۱ به چاپ رسید که اجازه‌ی انتشار نیافت و
در چاپخانه خمیر شد. پس از آن در فواصل مختلف
شعرهایی سروده و در مجامعی خوانده و گاه در
نشریات ادبی منتشر کرده‌ام، اما امکان چاپ آن‌ها
به‌عنوان کتاب مستقل فراهم نبوده است. حاصل
فعالیت من از سال ۱۳۵۰ تا به امروز تألیف و
ترجمه‌ی ۴۲ کتاب ترجمه و تألیف، و بیش از ۳۰
کتاب ویراسته بوده است. ویرایش‌ها برای مرکز
نشر دانشگاهی که از سال ۱۳۶۸ تاکنون در آنجا
به کار مشغول بوده‌ام، انتشارات علمی دانشگاه
صنعتی شریف، انتشارات مبتکران، نشر افکار، نشر
کیفیت وابسته به شرکت سیم لاک‌ی فارس انجام





لیست کامل آثار علیرضا جباری را در سایت هفته www.hafteh.ca بخوانید.

دارم و اردشیر دیلمی، انتشارات ظفر، ۱۳۵۹
 ۱۲. لنیسیسم و جنبش جهانی طبقه‌ی کارگر، ترجمه‌ای از اثر میخائیل سوسلف، والدک روشه و گس هال، با همکاری بابک مختاری و اردشیر دیلمی، انتشارات ظفر، ۱۳۶۰
 ۱۳. انترناسیونالیسم پرولتری، پرچم ما، قدرت ما، ترجمه‌ای با نام خودم از اثری از انتشارات نووستی، گردآوری اندیشه‌هایی از اعضای هیئت دبیران حزب کمونیست اتحاد شوروی، انتشارات پیک ایران و ظفر، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰
 ۱۴. تجربه‌ی تاریخی راه رشد غیر سرمایه‌داری، ترجمه‌ی اثری از باگو-سلاوسکی و سالودونیکف، غلامحسین متین و علی‌رضا جباری، انتشارات پیک ایران و اخگر، ۱۳۵۹
 ۱۵. چهره‌های ادبی، ترجمه‌ی اثری از ماکسیم گورکی، با نام مستعار علی آذرنگ، انتشارات روز، ۱۳۶۸
 ۱۶. افق‌های نوین جنبش عدم تعهد، ترجمه‌ای از اثر نویسنده‌ی هندی، ب.ن. کاول، انتشارات روز، با نام مستعار علی آذرنگ، ۱۳۶۵

عبدالله عسکری

اختر

داشتند. دانشکده افسری دیده، منظم، شق‌ورق و پرترفدار؛ راستش اختر هم به همین ترتیب عاشق شده و نظر زده بود. زندگی خوشی داشتند ولی سر شوهرش دائم در کتاب بود، شعر خیلی دوست داشت و هر وقت موقعیتی پیدا می‌شد یکی از آن ناب‌هایش را می‌خواند. بیشتر مضمون اجتماعی داشتند. شوهرش سعی می‌کرد کم‌کم الفبای اجتماعی شدن، فهمیدن و درک جامعه، طبیعت و جهان

این‌همه به لطف یکی از دوستان عروزش بود. نمی‌دانست چرا به یاد شوهرش افتاده؛ شوهری که به نادانی مدتی قبل از دست داده بود. شوهری که عاشقش بود و از او دو فرزند دختر و پسر داشت و پسرش همین است که در به‌در بود. شوهر را با یک اشتباه از دست داد. او مرد سیاست بود، افسر ارتش بود، خوش‌صورت و خوش‌هیكل، از آن افسرانی که واکسال می‌زدند و دخترها عاشقشان بودند و آرزوی یکی از آنها را

اختر وارد کوچه که شد همه چیز دستگیرش شد؛ درودیوار گواهی می‌داد که برای پسر و عروش اتفاقی افتاده. غذای محبوبشان را که قیمه بادمجان بود درست کرده بود. یک ظرف بزرگ برنج دم‌کرده و یک قابلمه کوچک قیمه. فکر می‌کرد که پس از شش ماه دربه‌دري، پسر و عروش که ویلان و سرگردان این خانه و آن خانه فامیل، دوست و رفیق بودند، بالاخره برایشان جای ثابتی پیدا شده است. جا نمی‌دادند!

تحويل دادم، کاش ازش اجازه می‌گرفتم. دو سه خط بیشتر نبود ولی نمی‌دانم چه اهمیتی داشت که مأموران مثل مور و ملخ ریختند و شوهرم را بردند. خود را زدم، سرم را به دیوار کوبیدم، گریه کردم، خون گریه کردم! فرزندانم با هم همپا بودند و مرتباً می‌گریستند ولی فایده نداشت؛ خود کرده را تدبیر نیست.

چند روزی خبری نبود، هر جا می‌رفتم جوابم را درست و حسابی نمی‌دادند. مأموران با دیده بدی به من نگاه می‌کردند؛ در نگاهشان تشکر نبود، یاری و همکاری نبود، کمک نبود، نفرت بود؛ مثل اینکه کار خیلی بدی کرده بودم.

مدتها گذشت و بالاخره جسد او را تحويل دادند؛ روی بدنش جابه‌جا رگه‌های خون دلمه بسته دیده می‌شد.

کاوه پسر من که بزرگ شد راه پدر را انتخاب کرد. مرا آدم نمی‌دانست، هر چه می‌کردم دلش از من راضی نمی‌شد، کار بدی کرده بودم، کار خیلی بدی! بی‌دلیل پدرش را به کشتن داده بودم. پدری که لنگه‌اش پیدا نمی‌شد، دانا و مهربان، کمک من و همه، و الگو بود، باسواد بود، ادبیات خوب می‌دانست، کشورش را خوب می‌شناخت، وطن‌دوست بود و عاشق ایران بود؛ عاشق ایران.

کوچه تمامی نداشت، دلش گرفته بود، همسایه‌ها از پنجره به بیرون نگاه می‌کردند، از عروس و پسرش خبری نبود، چرا به استقبال نیامدند! کجا رفتند؟

یکی از زن‌های همسایه بیرون آمد و بدون هیچ پرس و جویی گفت: «الآن بردنشون، چند تا پاسدار زن و مرد بودند، با احترام بردند، چیزی نمی‌گفتند، آنها حتی اشاره‌ای هم نکردند و به کسی چیزی نگفتند. یکی از آنها پسر را از در حیاط بیرون آورد و نشان داد و کسی که سر کوچه ایستاده بود با سر به اشاره فهماند که خودش است.» مادر کنار دیوار ولو شد؛ خورش‌ها، برنج، ماست و سبزی و... که آورده بود به زمین ریخته و جاری شده بود.

اختر جای شلاق‌ها را روی پوست پسرش می‌دید که خونابه می‌داد.

اختر تصمیم گرفت که تکلیفش را روشن کند، می‌خواست همه شوهرش مال او شود. حاضر نبود حتی یک‌ذره از او بگذرد. بدرفتاری را آغاز کرد؛ غرزدن، ایراد گرفتن و کار به داد و بی‌داد رسید ولی او کوتاه نمی‌آمد و شوهرش که نمی‌توانست به او توضیح دهد، یعنی در حد فهم و درک او نبود و نمی‌شد یادش داد چون یاد نمی‌گرفت و نیازش را نداشت که یاد بگیرد؛ از خانواده ثروتمندی بود که اصلاً نمی‌دانست غم نان یعنی چه! روی گلیم پنبه‌ای خوابیده بود، یا در اتاق پنج‌دري که حتی با صد بخاری گرم نمی‌شد، زمستان را نگذرانده بود، اتفاقی که صدا بخاری که نه، فقط یک کرسی داشته باشه که آنها تازه به‌زور دوروبرش را گرم کند. از اینها هیچ چیز نمی‌دانست!

شوهرش کوشش می‌کرد که مسائل را به او بفهماند ولی برای او قابل‌پذیرش و درک نبود. اختر مرتب پای می‌شد که کجا می‌رود، چه می‌کند، روزهایی که نیست کجاست! و کارش چیست؟ عرصه شوهرش را چنان تنگ کرد که ناچار شد همه چیز را بگوید؛ می‌دانست این کار غلط است ولی چاره‌ای نداشت، نمی‌توانست به او حالی کند!

یک روز نامه‌ای به اندازه کف دست به او نشان داد که نوشته بود: از حوزه‌ها بازدید کن و گزارش موجه بفرست؛ روزه.

اینکه چیزی سر در نیامد و شوهرش کاغذ را گرفت تا کرد و لای رختخواب گذاشت؛ اختر همه را دید.

آنها که به ملاقات او می‌آمدند؛ چه زن و چه مرد، همه محترم بودند و با احترام رفتار می‌کردند آرام حرف می‌زدند و راجع به موضوعات مهمی بحث می‌کردند. گاه‌گداری بعضی کلمات آنها را می‌شنید که معنی آنها را نمی‌دانست.

کمرکش کوچه رسیده بود، کوچه انگار دهان باز کرده بود و او را می‌بلعید هر چه جلوتر می‌رفت انگار تنگ‌تر می‌شد و دو سر ساختمان‌های از دو طرف به هم نزدیک می‌شدند.

دستم بشکند که آن نامه را از روی نادانی بردم و

را به او یاد بدهد. ولی اختر کم‌سواد بود و به خاطر شعر و قصه و داستان عاشق شوهرش نبود. او را از روی واکسال انتخاب کرده بود، می‌خواست فقط او را دوست داشته باشد؛ نه کسی دیگر یا چیز دیگر، از کتاب بدش می‌آمد چون هووی او بود.

دائماً به خودش می‌رسید، موهایش را رنگ می‌کرد، هفت‌قلم آرایش می‌کرد، بلوزهای جلو باز می‌پوشید و... ولی شوهر توجهی به این چیزها نداشت. گاه‌گاهی چند نفر به دیدن او می‌آمدند که سرشان به تنش می‌ارزید؛ مرتب و منظم، با فهم و کمال و آداب‌دان بودند. خیلی بانزاکت، آرام، مهربان و دوست‌داشتنی با هم صحبت می‌کردند، ولی اختر سر در نمی‌آورد که آنها چه می‌گویند؛ فقط می‌دانست که برای راه رهایی تلاش می‌کردند که و چه‌اش را نمی‌فهمید!

شوهرش گاهی چند روز می‌رفت و نمی‌آمد. وقتی می‌آمد همراه خودش سوغاتی جاهای مختلف مثل گز، کلوچه، پسته و... را می‌آورد. اختر می‌خورد و تعریف می‌کرد از سلیقه‌ای که دارد، از اینکه همیشه به یاد اوست و در سفر هم به یادش است. قلقلکش می‌داد و بیشتر فریفته او می‌شد. گاهی رفتنش او را به شور می‌انداخت و نگرانش می‌کرد ولی از کارش سر در نمی‌آورد؛ از آمد و شد های زنان و مردانی که نجیبانه می‌آمدند، مدت‌ها می‌نشستند، بحث می‌کردند و نجیبانه می‌رفتند.

گاهی اختر را دعوت می‌کردند که در جلساتشان شرکت کند و به اصطلاح او را آدم می‌دانستند، اختر نیز گوشه‌ای می‌نشست و حتی یک کلمه حرف نمی‌زد؛ راستش می‌دانست چیزی سرش نمی‌شود. با او باید از مد و لباس و آرایش و موی سر و... می‌گفتند ولی او حتی زبانش به گفتن کلماتی که آنها به کار می‌بردند نمی‌چرخید و معانی‌اش را نمی‌فهمید.

سروکله بچه‌ها که پیدا شد بیشتر فکرش آنها شدند و از شوهرش بیشتر غافل شد. رفت و آمدهای او طولانی‌تر می‌شد ولی همیشه سر سوغاتی بود.

عارف محمدی،
نویسنده سینمایی



ببر سفیدی که فاسد شد!

نام فیلم: ببر سفید *The White Tiger*
فیلمنامه: رامین بحرانی با اقتباس از
رمانی به همین نام نوشته آراویند آدیگا
بازیگران: آدارش گورائو، پریانکا چوپرا،
راجکومار رائو، ماهش مانجرکار
کارگردان: رامین بحرانی
محصول: آمریکا و هندوستان، ۲۰۲۱

بالارم جوانی است که به خاطر هوش و استعدادی که در مدارج تحصیلی اش دارد پذیرشی در یک دانشگاه در شهر دهلی دریافت می کند و اهالی روستایی که در آن زندگی می کند او را ببر سفید می خوانند. لقبی برای کسی که هر یک قرن یکبار به دنیا می آید. اما او به دلیل بدهکاری پدر و فقر مالی مجبور می شود به جای تحصیل کار کند و به همین خاطر راننده یک زوج جوان به نام آشوک (راجکومار رائو) و پینکی (پریانکا چوپرا) از خانواده ای ثروتمند به نام استورک می شود. این زوج که تحصیل کرده آمریکا هستند به دهلی آمده اند تا با دادن رشوه به مقام های سیاسی بتوانند دارایی خود را از دادن مالیات معاف کنند. شب تولد پینکی، آشوک در اثر مستی به اصرار از بالارم می خواهد که به جای او، همسرش پینکی رانندگی کند و در آن شب که باران شدیدی هم می بارد اتومبیل با عابر پیاده ای برخورد و باعث قتل او می شود. خانواده استورک بالارم را وادار می کنند دست به کاری بزنند که اتفاقات و تغییرات مهمی را در زندگی بالارم به وجود می آورد...

مطیع اربابان خود باشند. اما برای بالارم به واسطه هوش و استعداد سرشاری که دارد در جایی از زندگی مسیرش تغییر بسیار عظیمی می کند. او که شاهد اعمال فاسد خانواده ثروتمندی است که برایشان رانندگی می کند در جایی از داستان تصمیم می گیرد با یک عمل اگرچه غیرانسانی و خطرناک انتقام خود و ظاهراً طبقه خود را به شکلی که از دید خودش مجاب کنند بوده از طبقه ثروتمندی که او و امثال او را برده خود کرده و با زدوبندها و رشوه خواری ها و کارهای غیرقانونی هر روز بر ثروت خود می افزایند را بگیرد.

دوچرخه در باره تکراری بودن موضوع فقر در کارهای انتقاد می کنند پاسخ می دهد: «فقر تا زمانی که وجود دارد تکراری نخواهد بود بلکه نگاه و زاویه دید و پرداختن به موضوع است که باید از دایره تکرار خارج شود.»
رامین بحرانی نیز در این فیلم تلاش کرده تا حد ممکن از به دام کلیشه افتادن در این موضوع فاصله بگیرد و با پرداختی به شیوه سینمای متعارف با حفظ مخاطب عام و خاص بتواند اثری همه پسند و درعین حال با وقار را بسازد.
بالارم قهرمان قصه متعلق به قشری است که گویا تربیت شده اند تا همیشه خدمتکار و خادم

ببر سفید با اقتباس از نخستین رمان آقای آراویند آدیگا نویسنده هندی تبار استرالیا و برنده جایزه بوکر قصد دارد به شکاف بین طبقات فقیر و ثروتمند جامعه هند بپردازد. کشوری با بیش از یک میلیارد جمعیت که فقرا بخش عمده آن را تشکیل می دهند. موضوع فیلم با محوریت فقر و تقابل آن با ثروت از آن دسته موضوعاتی است که در تاریخ سینما به وفور و در فرم های مختلفی به آن پرداخته شده است. از دزد دوچرخه دسیکا تا میلیونر زاغه نشین دنی بویل. موضوعی که از دید بسیاری نخنما شده اما یکبار که از چاره زاواتینی فیلمنامه نویس مشهور ایتالیا و خالق فیلمنامه دزد

کرد.

این فیلم در سال ۲۰۰۶ از سوی راجر ایبرت منتقد مشهور جزو ده فیلم سال انتخاب شد.

فیلم بعدی او اوراچی در سال ۲۰۰۷ در فستیوال‌هایی چون کن، تورنتو و برلین نمایش داده شد.

بحرانی در ادامه فیلمسازی‌اش کار متفاوتی به نام خداحافظ سولو را ساخت که داستان یک راننده مهاجر سنگالی است که از مردی در آستانه خودکشی مراقبت می‌کند.

بعد از این فیلم مستقل بحرانی شیوه فیلمسازی‌اش را تغییر داد و به سمت سینمایی متمایل به مخاطب عام‌تر رفت که حاصل آن فیلم آمریکایی به هر قیمت At Any Price در سال ۲۰۱۳ بود که نامزد شیر طلایی ونیز شد.

بحرانی که کارگردان محبوب جشنواره ونیز شده بود با فیلم ۹۹ خانه ۹۹ نه‌تنها نامزد شیر طلایی شد بلکه دو جایزه جانبی نیز از فستیوال ونیز دریافت کرد.

در سال ۲۰۱۸ فارنهایت ۴۵۱ را ساخت که آن‌چنان مورد استقبال قرار نگرفت. ببر سفید آخرین ساخته رامین بحرانی در سال ۲۰۲۱ در فستیوال‌های متعددی شرکت کرد و علاوه بر کسب چند جایزه نامزد بهترین فیلمنامه اقتباسی در اسکار ۲۰۲۱ شد.

این چنین است که برای طبقه فقیر میسر خواهد شد!

ببر سفید در مجموع فیلم متوسطی از رامین بحرانی است که نقطه قوت آن فیلمنامه اقتباسی آن است و از لحاظ فرم و ساختار و پردازش داستان از لحاظ سینمایی با دیگر آثار او همچون خداحافظ سولو و به هر قیمت تفاوت‌های بارزی دارد و در مجموع اثر درخشانی در کارنامه او به حساب نمی‌آید.

در باره کارگردان

رامین بحرانی متولد مارچ ۱۹۷۵ در کارولینای شمالی در آمریکاست. او که اصالتاً شیرازی است از همان کودکی از طرف پدرش تشویق شد تا حافظ بخواند و شوق خود در هنر را دنبال کند. او در سال ۱۹۹۶ از دانشگاه کلمبیا در رشته تئوری سینما فارغ‌التحصیل شد و بعدها سفری هم به ایران کرد و مدتی هم در ایران به تحصیل سینما پرداخت و مدتی هم در فرانسه اقامت داشت. او در مدت اقامت خود در ایران فیلم بیگانگان را در سال ۲۰۰۰ ساخت و پس از آنکه به آمریکا بازگشت فیلم مردی با گاری دستی را در سال ۲۰۰۵ ساخت که در جشنواره ونیز با استقبال منتقدان روبرو شد و جایزه فیپرشی را نیز کسب

اما نکته اینجاست که خود بالارم در چرخه‌ای از تکرار قدرت و فساد قرار می‌گیرد و او هم در انتها به فردی جنایتکار و فاسد حتی به‌مراتب شدیدتر از خانواده استورک مبدل می‌شود. چرخه‌ای که یادآور اثر فراموش‌نشده زنده‌باد زاپاتا با بازی مارلون براندو می‌باشد.

بالارم به‌واسطه اعمال خلاف‌کارانه از یک جای‌فروش فقیر دهکده به یک کارآفرین بزرگ تبدیل می‌شود و این در حالی است که در انتها با راه‌اندازی یک خیریه و کمک به فقرا گویی به‌نوعی از لحاظ وجدانی سعی در ایجاد توازن و تعادل بین کارهای خلاف و اعمال انسان‌دوستانه خویش است. مانند بسیاری از خیریه‌هایی که توسط ثروتمندان در جوامع مختلف برای فرار از برخی محدودیت‌های مالیاتی و اقتصادی راه‌اندازی می‌شوند و برای خود نیز درعین‌حال خوش‌نامی و اعتبار کسب می‌کنند.

اتفاقاً یکی از ایراداتی که به فیلم دارم در انتهای فیلم است که بالارم و ثروتی که از راه‌های غیرم مشروع به دست آورده با خوبی و خوشی و درحالی‌که مبلغ کارهای خیرخواهانه برای جامعه تهدیدست است به حال خود رها می‌شود و پایان می‌پذیرد طوری که برای بسیاری از بینندگان نوعی منزه ساختن این نوع اعمال است و اینکه رسیدن به ثروت تنها از راه انجام کارهایی



آدارش گوراو از بازیگران فیلم

کارگردان رامین بحرانی

چند قطعه و شعر از هدا ناصح، بازیگر تئاتر و شاعر

هدا ناصح



درباره هدا ناصح

هدا ناصح متولد ۱۳۵۷ در آبادان است. او لیسانس ادبیات نمایشی دارد. هدا ناصح کار حرفه‌ای خود را به عنوان بازیگر از سال ۱۳۷۶ آغاز کرد. او تا به کنون در بیش از بیست نمایش حرفه‌ای و چند فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی نقش ایفا کرده است. یکی از بازی‌های تاثیرگذار او در نمایش «گفت: امروز بینی و فردا بینی و پس آن فردا» ارائه شده است که داستان آن از زوایه دید همسر حلاج به زندگی این «عارف انقلابی» می‌پردازد و هدا ناصح تنها بازیگر صحنه است. هدا ناصح تا به حال چند جایزه داخلی و بین‌المللی دریافت کرده است. اولین کتاب شعر او به نام «گوشه ای از باغ» در سال ۱۳۹۲ منتشر شد و مجموعه شعر جدید او بزودی منتشر می‌شود.

و با چشمان باز
رد بودند را
با خود
به خلوت می‌برم

۸

رهایم کن
مانند قطره‌های باران
که ابرها رهایشان می‌کنند
و برگ‌های زرد درختان
که اولین باد موافق رهایشان می‌کند

رهایم کن
مانند دست کشیده مرگ
که زندگی را رها می‌کند

پُکی می‌زنی بر لبانم
دلتنگی‌هایم
دود می‌شود

۴

تا تو را بدرقه راه دراز می‌کنم
نفس کم می‌آورم
پنجره باز می‌کنم که باد بیاورد
ماه می‌آید
سراغ تو را می‌گیرد
- رفته است
گریبان مرا می‌گیرد-
قرارمان مگر نبود
روشنی تن هاتان باشم
نه فانوس تنهایی‌تان

شب تاریک می‌شود

۵

اینجا
اتفاقی افتاده است
در به دیوار می‌گوید
میل به چراغ
و قاب پنجره به آسمان شهر

دستانمان که حلقه شد
داستان را همه فهمیدند

۶

نبودنت مرا رنج نمی‌دهد
رسوا می‌کند

چشمانم خمار
نفس‌هایم زمزمه
لب‌های حیرانم خشک
و گیسوان تاریکم
غروب است تابیده بر چهره‌ام

نبودنت مرا زیبا می‌کند

۷

لبانم را می‌بوسم
دستانم را بو می‌کنم

۱

من
دیر به دنیا آمدم
خیلی دیر
بعد از زاده شدن از زهدان مادری خسته
قرن‌ها دیر متولد شدم
گویی از آخر دنیا، به روز نخست بازمی‌گردم
به انتها نزدیکم
به مرگ
به رفتن
به نداشتن تو
وقت کم است جان دل
و حسرت، بازو به بازو تنهایی لحظه‌هایم را
ربوده است

۲

صبر کن تا ماه تمام شود
و آسمان تاریک
صبر کن تا خورشید بر شهر ببارد
و زمین خیس آب شود از عرق گرمای سوزان
صبر کن تا آخرین قطره دنیا

من اما
همین امروز
همین حالا
زندگی را شروع می‌کنم
ادامه می‌دهم حضور ممتد خود را

تو صبر کن
شاید روزی دوباره این جهان آغاز شود
و ما بعد از ستارگان و برف‌ها و درخت‌ها
همدیگر را ناگهان در گذری ساکت و خلوت دیدیم
و شناختیم

آن وقت
باز تو شاید بخواهی صبر کنی
من اما
بر سرعت قدم‌هایم خواهم افزود
و زندگی خواهم کرد

۳

رو به رویم ایستاده‌ای و هنوز
دلتنگی دیرینه‌ام
اندوه می‌شود



ZAGROS
AMEUBLEMENT inc

مبلمان زاگرس

انواع مبلمان ، میز غذاخوری
فرش های دستباف و ماشینی
لوازم برقی و کولر
سرویس خواب



We Design Your Home **More Beautiful**

(514) 559 6020
6476 Jean Talon E
info@zagrosmtl.ca



برای اطلاع از مبلغ بیمه به صورت رایگان
و بدون هیچ تعهدی با من تماس بگیرید
این کار سریع و آسان است و می‌تواند مخارج شما را کاهش دهد.



Fazel Rahman Khairi
Boucherville Agency
1001 De Montarville Blvd, Suite 27D
514-278-2242
fkhairi@allstate.ca



همه بیمه‌ها و خدمات بیمه‌ای در این کشور، از جمله بیمه‌های آتش، سرقت، سیل، زلزله، انفجار، تصادفات و غیره، از سوی شرکت بیمه Allstate Insurance Company of Canada ارائه می‌شود. این شرکت بیمه‌ها را به صورت جداگانه یا به صورت ترکیبی ارائه می‌دهد. برای اطلاعات بیشتر، با ما تماس بگیرید. Allstate Insurance Company of Canada 2013 ©

بیمه کنید
+
و تخفیف بگیرید*

Allstate ویژگی‌ها و مزایای فوق‌العاده‌ای ارائه می‌دهد، از جمله:

- تخفیف عدم خسارت**
- بخشش خسارت***
- حذف فرانشیز؟
- تخفیف‌های قابل توجه (بیمه ترکیبی خانه و خودرو، خانه‌های جدید، خانه‌های دارای سیستم امنیتی تحت نظارت)
- خدمات حرفه‌ای و فردی
- حساب کاربری myAllstate (دسترسی آسان به بیمه‌نامه‌های خود در هر زمان و مکان)



همراه با شما در خرید آگاهانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

مشاور املاک و متخصص وام مسکن

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

8250 Boul. Décarie # 150
Montréal, QC H4P 2P5
atosafar@gmail.com

آتوسا تنگستانی‌فر
514 995 3041



وکیل رسمی دادگستری کبک

Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



Riahi Legal

نیوشا ریاحی

WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونترال

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در
- ✓ دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

امیر ندیمی

مشاور بیمه

Amir Nadimi

Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های
متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial Insurance
Dwelling Insurance (Buildings, home, condo, apt)
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc



514 - 600 - 2338

www.AmirNadimi.com

@AssurancesNadimi

1955 Ch. de la Cote-de-Liesse,
suite 201

Saint-Laurent, QC, H4N 3A8

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6

info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

Mortgage Broker

- تازه واردین
- تصدیق وام
- خود اشتغالی
- سرمایه گذاری
- دسترسی به وام دهندگان خصوصی
- پرداخت بدهی
- ترمیم کردیت بد
- خدمات وام مسکن در زمان و مکان مورد نظر شما
- ارائه بهترین نرخ بهره و وام
- مطابق شرایط منحصر به فرد شما در کوتاه ترین زمان ممکن

Multi-Prêts

HYPOTHÈQUES

CABINET EN COURTAGE HYPOTHÉCAIRE

MARYAM RAMEZANLOO

مریم رمضانلو

کارشناس وام مسکن



mramezanloo@multi-prets.ca

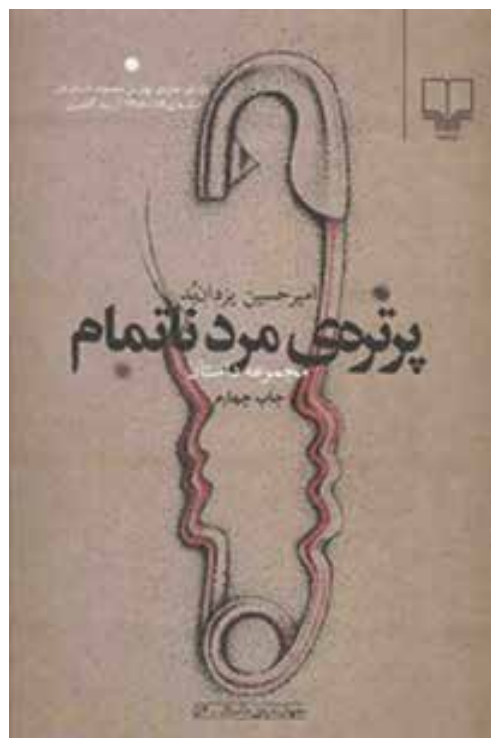
438-926 5626

boulevard Taschereau, suite 212, Brossard, Québec, J4Z 1A6 .6185

گزارش و گفتوگو

پرتوی مردم نامم





در گفت‌وگو با امیرحسین یزدان‌بُد رقابت‌های نویسندگی در ایران مثل شرکت در پارالمپیک است

که «ما چرا جهانی نمی‌شویم؟» باید تغییر کند به این که «ما اصلاً از جهان چه می‌دانیم؟». به نظر می‌رسد ما اصلاً نمی‌دانیم ادبیات جهان در سطح حرفه‌ای اصلاً چه شکلی هست. ما خیلی متوجه این موضوع نیستیم یا دست‌کم بگویم من متوجه نبودم؛ به‌عنوان فردی که موفقیت‌های نسبی در حوزه‌ی ادبیات داشتم، زمانی که به کانادا مهاجرت کردم کاملاً احساس خلع سلاح بودن کردم. نه سازوکار نشر و نه روال صنعت نشر را می‌دانستم و نه این که چطور یک داستان برای نشر، پذیرش می‌گیرد. احساس کردم که نیاز دارم به دانسته‌هایم از نو نگاه کنم و آرام‌آرام شروع به نوشتن به زبان انگلیسی کردم. با روال‌های پذیرش آشنا شدم.

این تجربه‌ی نوشتن به زبان دوم برای شما موفقیت‌آمیز بود؟

من موفقیت و شکستی در این کار نمی‌بینم. در کل، ادبیات یک پرسش بزرگ است و هر نویسنده‌ای تلاش می‌کند به پرسش‌های بزرگی را با شیوه‌ی خودش پاسخ دهد. در کل در ادبیات شما جست‌وجو می‌کنید و زمانی که امری سبب بازشدن افق تازه‌ای به روی شما می‌شود و نادانسته‌هایی را کشف کنید که فکر می‌کردید می‌دانید، باید به‌عنوان یک نویسنده با روح جست‌جوگر از آن استقبال کنید. در دنیای ذهنی من هم این تجربه کاملاً و مطلقاً تصمیم‌درستی بود.

است و سه تا چهار سال طول می‌کشد تا در محیط جدید به آن سطح از آرامش و امنیت فکری برسید تا بتوانید تخیل کنید. این قدر واقعیت بیرونی با یافته‌های شما، به‌خصوص در کانادا، متفاوت است که رسیدن به تخیل مدت‌زمان زیادی طول می‌کشد. برای من یک بازه‌ی چهارساله طول کشید تا آرام‌آرام توانستم چند مطلب کوتاه بنویسم. طی این چهار سال هر چه وقت ادبی وجود داشت به خواندن گذراندم. من در سال دوم مهاجرت، با یک شوک مواجه شدم و آرام‌آرام متوجه شدم همه‌ی آن چه در ادبیات به فارسی خوانده‌ام را باید دوباره به انگلیسی بخوانم. مسئله‌ی ترجمه در ایران، مسئله‌ی عجیبی است. ترجمه‌های خوب البته وجود دارند اما ناپسندی‌ها در این حوزه هم بسیار زیاد است.

در این تجربه‌ی جدید، ناهمواری‌ها و تفاوت‌ها تا چه اندازه بوده است؟

به‌دفعات این اتفاق افتاده است. از شانس من، از همان ابتدا که شروع به این کار کردم، موردی داشتم که مطلقاً من داستان را نفهمیده بودم. درواقع در ترجمه، مهم‌ترین قسمت‌های داستان را به دلیل سانسور حذف کرده بودند و من وقتی داستان را به زبان دیگری خواندم با روایت متفاوتی مواجه شدم. تا مدت‌ها احساس خیانت شدن می‌کردم که بسیار تجربه‌ی غم‌انگیزی بود. باتوجه به این تجربه، من امروز به این نتیجه رسیدم که سؤال قدیمی این

سیزده سال از روزی که کانون نویسندگان ایران سیزدهم آذرماه را به‌عنوان «روز مبارزه با سانسور» اعلام کرد می‌گذرد. این روز به یاد محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، دو نویسنده‌ی عضو این کانون که آذرماه سال ۱۳۷۷ در جریان قتل‌های زنجیره‌ای به قتل رسیدند، نام‌گذاری شده است. «امیرحسین یزدان‌بُد» نویسنده‌ی ایرانی ساکن ونکوور در گفت‌وگو با هفته اشاره می‌کند که وجود سانسور برای نویسندگان ایرانی سدی برای حضور در سطح جهانی است که سبب می‌شود درک صحیحی از فضای ادبی جهان برای نویسندگان ایرانی وجود نداشته باشد. گفت‌وگوی تفصیلی مجله هفته با او را در ادامه بخوانید.

پس از مهاجرت به کانادا به فعالیت‌های ادبی خود ادامه ندادید؟

در سال اولی که به کانادا آمدم، جایزه‌ی داستان بخش ویژه‌ی داستان کوتاه تهران را بردم. سپس چند داستان کوتاه در نشریات مختلف در ایران چاپ کردم (شهروند، تجربه، همشهری داستان) و بیشتر وقتم صرف امر مهاجرت شد.

می‌توان گفت که مهاجرت فعالیت‌های ادبی شما را به‌صورت مستقیم تحت‌تأثیر قرار داد؟

مطمئناً. مهاجرت یک کار دشوار هفت روز هفته

امیرحسین یزدان‌بد از زبان خودش

«امیرحسین یزدان‌بد» متولد ۱۶ شهریور ۱۳۵۶ هستم. از نوجوانی علاقه‌مند به فیزیک و فلسفه بودم و داستان‌نویسی را خیلی دیر شروع کردم. حدود ۲۶-۷ سالگی به ادبیات علاقه‌مند شدم و اولین مجموعه داستانم را سال ۱۳۸۷ به اسم «پرتره‌ی مرد ناتمام» منتشر کردم که جایزه‌ی هوشنگ گلشیری و گام اول را دریافت کرد. هم‌زمان وبلاگ‌نویسی را هم دنبال کردم و در حدود هفت سال وبلاگ «تیل‌باز» را داشتم. در سال ۱۳۹۳ یک رمان به نام «لکنت» نوشتم. حدفصل این دو اثر، مجموعه‌ای از یادداشت‌ها، نقد و مقاله از من در نشریات ایرانی منتشر شد. به‌خاطر داستان کوتاه «برای مارس‌یای رذل عزیز» برنده‌ی قلم زرین زمانه از رادیو زمانه شدم. در اواخر سال ۲۰۱۵ به کانادا مهاجرت کردم و در ادمونتون آلبرتا مستقر شدم.

کتاب‌ها و آثار

- ۱- مجموعه داستان «پرتره‌ی مرد ناتمام»، نشر چشمه، (۱۳۸۷)
- ۲- رمان «لکنت»، نشر افق، (۱۳۹۲)

تک داستان‌ها

- ۱- کروکودیل، داستان همشهری، اسفند ۹۰ فروردین ۱۳۹۱ دوره جدید شماره ۱۱.
- ۲- ابوغریب، مجله ایراندخت، ۱۹ دی ۱۳۸۸، شماره ۹۰.
- ۳- برای مارس‌یای رذل عزیز



ادامه پیدا می‌کند و در مقیاس بزرگ، کارگزار ادبی مسئولیت معرفی شما را دارد و شما تنها به لذت تولید قصه خواهید پرداخت. این که چقدر داستان شما دیده شود و چه اندازه موفق باشد، پیچیدگی‌هایی دارد که کارگزار ادبی باید آن‌ها را بر عهده بگیرد نه نویسنده. عملاً یک فرایند تیمی وجود دارد که منجر به موفقیت یک اثر می‌شود و رمانی مثل «پادبادک‌باز» از آن درمی‌آید. در ایران این روند اصلاً وجود ندارد و جمع‌های کوچک و گعده‌های رفافتی است که باعث می‌شود نویسنده چه جایگاهی داشته باشد و این جمع‌ها قادر هستند نویسنده‌ای در اوج خلاقیت را هم حذف کنند اما در غرب این شکل متفاوت است.

و سخن پایانی؟

من قبلاً در گفت‌وگویی اشاره کردم که رقابت‌های نویسندگی در ایران مثل شرکت در پارالمپیک است. امروز دوباره به این نکته اشاره می‌کنم و مطلقاً به این گزاره باور دارم که وجود سانسور مثل آماده‌شدن برای شرکت در مسابقات پارالمپیک در بهترین حالت است؛ یعنی درواقع با وجود سانسور، راهی برای حضور شما در مسابقات المپیک نیست. این مشکل هیچ درمانی به جز حل مسئله‌ی سانسور در ایران ندارد که به هزار و یک دلیل امکان آن در حال حاضر وجود ندارد. تا زمانی که شما نتوانید صریح بنویسید، به رقابت‌های جهانی راه پیدا نمی‌کنید.

بحث زبان نیست بلکه بحث سیستم و تشکیلاتی است که به‌صورت ریشه‌ای، بخشی از ادبیات با همکاری بطئی و آرام مترجم و ارشاد حذف می‌شود؛ سکس و خشونت به‌صورت سیستماتیک حذف می‌شود. بدین ترتیب داستان زندگی پیرمردی که برای آخرین قرار زندگی‌اش قبل از مرگ به فاحشه‌خانه‌ای می‌رود، تبدیل می‌شود به ورود مردی به مسافرخانه و مواجه شدن او با دوستانش در آنجا. کلاً داستان تبدیل به چیز دیگری می‌شود و شما هرگز به عمق داستان راه پیدا نمی‌کنید.

فضای داستانی را در کانادا چگونه می‌بینید؟ فضای پیشرفت چگونه است؟

بسیار متفاوت. من به‌عنوان یک نویسنده‌ی تازه‌کار در این زبان به شما می‌گویم اصلاً فضای کار و سازوکارها به‌گونه‌ای دیگر است مثل تفاوت فروشگاه‌های بزرگ یا شهرک‌های صنعتی با مغازه‌های کوچک و تولیدکنندگان خرد. از نوشتن ساده تا انتخاب داستان تا سیستم نشر و جوایز کاملاً متفاوت است. شما در این فضا دنبال جایگاه نمی‌گردید. از قصه گفتن و قصه شنیدن لذت می‌برید و تمرین می‌کنید که خودتان هم قصه تولید کنید. درعین حال که تمرین قصه‌گویی می‌کنید، این قصه‌ها را با دیگران هم شریک می‌شوید. اول در چند نشریه‌ی محلی کارتان را چاپ می‌کنید. افرادی از خواندن داستان‌های شما لذت می‌برند و این روال

تلاش‌های شما برای نوشتن به زبان انگلیسی منجر به چاپ اثری هم شده است؟

همین الان در حال ارسال اثر و رایزنی برای چاپ داستانی کوتاه هستم اما این فرایند را تازه شروع کرده‌ام. همین قدر به شما بگویم که تجربه‌ی من نشان می‌دهد که نوشتن از ابتدا به زبان انگلیسی بیش از تصور دشوارتر و پیچیده‌تر از تصور بود اما تا حدی پس از شروع این کار، تلاش می‌کنم تا این امر دشوار محقق شود.

اغلب کسانی که مهاجرت می‌کنند هویت نوشتاری خودشان را در زبان دیگری تثبیت کرده‌اند و حالا ناگهان تغییر دادن آن هویت به زبان دیگری که حتی اسم زبان شما برایش شناخته‌شده نیست و نمی‌داند ایرانی‌ها به زبان فارسی حرف می‌زنند، بسیار دشوار است. البته تعداد قابل توجهی از نویسندگان ایرانی به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی داستان نوشته‌اند اما مسئله اینجاست که بازار هدف این نویسندگان متفاوت است. درواقع نویسندگان ایرانی در یک اکوسیستم بسته فعالیت می‌کنند که باعث می‌شود ورودی‌ها و خروجی‌ها به شکل واقعی نباشند و در ارتباط با فضای آزاد جهانی نیستند.

به جهت وجود مسائل سانسور در ایران؟

مطلقاً به دلیل سانسور. هیچ علت دیگری ندارد.



دانشمندان می‌گویند پدیده دژآوو فقط یک حس است روایتی از گول خوردن مغز

باشد که دانشمندان تاکنون در ارائه توضیحی علمی برای دژآوو ناتوان بوده‌اند و بررسی دقیق تجربه ایجادشده ممکن نبوده است.

بر اساس نظر عده‌ای از دانشمندان ممکن است بروز این پدیده به نحوه ذخیره حافظه در مغز مربوط باشد. حفظ خاطرات، حوادث و حقایق درازمدت در لوب‌های زمانی حفظ می‌شود. لوب زمانی، جایی است که خاطرات خود را می‌سازید و ذخیره می‌کنید.

در حالیکه نحوه ارتباط پدیده دژآوو به لوب زمانی و حافظه هنوز نسبتاً ناشناخته است، سرخ‌هایی در مورد این مساله در افراد مبتلا به صرع لوب تمپورال (شرایطی که فعالیت سلول‌های عصبی در مغز ایجاد می‌شود و باعث تشنج می‌شود) به دست آمده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رویدادهای دژآ-وو ممکن است ناشی از یک سوء عملکرد الکتریکی در مغز باشد.

تشنج‌های صرعی با فعالیت نرون (سلول‌های عصبی) در مغز مشخص شده است که پالس الکتریکی را که نورون‌ها را تحریک می‌کند، مختل می‌کند. این اختلال می‌تواند در تمام مغز گسترش پیدا کند و باعث تشنج شود. گزارش‌های بالینی نشان می‌دهد که برخی از بیماران مبتلا به صرع لوب تمپورال، قبل از تشنج صرع، دژآ-وو را تجربه می‌کنند که تقریباً به نوعی هشدار است.

اما، مبنای دژآوو در افراد سالم بدون صرع چیست؟ برخی از محققان آن را به

حتماً همه شما در زندگی‌تان یکبار این پدیده را تجربه کرده‌اید. پدیده‌ای که بسیاری اوقات به خود بگویید: «من این صحنه را یک جای دیگر قبلاً هم دیده‌بودم.» برای برخی، این احساس عجیب و غریب پیچیده است. در یک لحظه، آن‌ها احساس می‌کنند که می‌دانند که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. مثلاً شما برای اولین بار است که در یک محل جدید قرار دارید ولی به نظر می‌رسد که مانند یک حالت رویایی شما می‌توانید حدس بزنید که مثلاً «بالای پله‌ها، یک تابلوی پیکاسو در سمت چپ قرار دارد.» این پدیده که در دنیای علم با اصطلاح فرانسوی *déjà vu* یا دژآوو یا «قبلاً دیده‌شده» شناخته می‌شود یکی از جالب‌ترین پدیده‌های عالم دانش است که بسیاری از دانشمندان درباره‌اش تحقیق می‌کنند. اخیراً یک گروه تحقیقاتی از دانشگاه کلرادو در آمریکا نتایج تحقیقاتشان را منتشر کرده‌اند که این پدیده فقط یک حس است ولی می‌تواند واقعی نباشد.

می‌توان گفت که در حدود ۷۰ درصد از افراد بین سنین ۱۵ تا ۲۵ سال این پدیده را حس کرده‌اند. کسانی که حداقل یک بار در زندگی خود دچار حس آشناپنداری شده‌اند، می‌گویند که دژآوو به وجود آمده همانند به یادآوردن خوابی است که در حال محو شدن بوده و احساس به وجود آمده آنقدر گذرا و ناپایدار است که پس از مدت کوتاهی ناپدید می‌شود. شاید به همین دلیل

قشر مغز (مناطق که نقش کلیدی در حافظه، توجه، ادراک، آگاهی، تفکر، زبان و آگاهی دارند) منتقل می‌شوند و تمام اطلاعات به این مراکز به طور همزمان می‌رسند.

برخی دانشمندان معتقدند هنگامی که اختلاف در پردازش در این مسیرها اتفاق می‌افتد، ادراک مختل شده است و به عنوان دو پیام جداگانه تجربه می‌شود. مغز نسخه دوم را از طریق مسیر ثانویه آهسته - به عنوان یک تجربه ادراکی جداگانه تفسیر می‌کند و در نتیجه احساس خاصی به انسان دست می‌دهد که همان دژآ-وو است.

نتایج جدید از گول خوردن مغز حکایت دارند

آن کلییری، یک روانشناس بالینی در دانشگاه ایالتی کلرادو است که چندین سال گذشته را به مطالعه روی پدیده دژآ-وو مشغول بوده‌است. او این پدیده را نوعی فریب مغز تلقی می‌کند. فریب مغز شبیه به زمانی است که یک کلمه در نوک زبان شماست، اما شما نمی‌توانید آن را به یاد بیاورید. بر اساس تجربیات گذشته، کلییری اکنون نشان داده است که این احساس پیش فرض که گاهی اوقات همراه با دژآ-وو است، فقط یک احساس است. اما مطمئناً واقعی است.

او در مقاله جدیدی که در چندروز قبل با کمک دانشجوی کارشناسی ارشدش به چاپ رسانده‌است این نتیجه را اعلام کرده و ثابت کرده وقتی از شرکت‌کنندگان این تحقیق خواسته می‌شد که درباره آینده حدس بزنند آن‌ها کورکورانه حدس می‌زدند. اما در دوران دژآ-وو، آنها احساس کردند که می‌توانند چیزهایی از آینده را به یاد بیاورند.

کلییری یکی از محدود پژوهشگران پدیده دژآوو در جهان است. او می‌گوید عده زیادی از مردم درباره این پدیده سوال دارند که بخش زیادی از آن هم با تخیل و تصوراتشان همراه است اما دلیل واقعی این پدیده چه چیزی می‌تواند باشد.

کلییری و همکارانش نشان داده‌اند که دژآوو به احتمال زیاد یک پدیده حافظه است. این می‌تواند زمانی رخ دهد که کسی با یک سناریو مشابه که قبلاً در حافظه‌اش ثبت شده روبرو می‌شود و چون نمی‌تواند به یاد بیاورد که این خاطره را قبلاً در ذهن داشته خیال می‌کند که پیش بینی که در حال حاضر درباره آینده توانسته انجام بده یک پدیده جدید است ولی در واقع این طور نیست. این به معنی این است که مغز خودش گول خودش را خورده است.

او می‌گوید: «ما نمی‌توانیم به طور آگاهانه صحنه‌های گذشته را که در ذهن ثبت کرده‌ایم به یاد بیاوریم، اما مغز ما این شباهت را تشخیص می‌دهد. فرضیه کار من این است که دژآوو یک نشانه خاص آشنایی است.»

در واقع وقتی این پدیده را تجربه می‌کنیم یک گسست زمانی در ذهن ایجاد می‌شود که فریب می‌خورد که تصویر گذشته را به جای یک پیش‌بینی از آینده بپذیرد.

راستش را بگویم که من در حین نوشتن این مقاله احساس عجیبی داشتم. یعنی ما در هر لحظه اسیر ذهن و فریب‌های مغزی‌مان می‌توانیم بشویم و حس‌هایی را تجربه کنیم که اصلاً واقعی نیستند؟ این دنیا را به نظرم کمی پیچیده و ترسناک می‌کند. بسیاری از افراد همیشه به مغزشان اعتماد می‌کنند ولی به نظر می‌رسد که مغزمان هم گاهی بدش نمی‌آید گول بخورد.



عنوان یک «ضربه اختلالی» در مغز توصیف می‌کنند - زمانی که نورون‌هایی که وظیفه‌شان تشخیص و ایجاد آشنایی در ذهن برای یادآوری چیزی است، به دلیل یک ضربه اختلالی در ذهن که منشا آن هنوز زیاد روشن نیست تحریک شوند، مغز به اشتباه فکر می‌کند که یک تصویر واضح از آینده را قبلاً دیده است. در واقع، این همان تحریک الکتریکی غیر طبیعی است که در بیماری صرع وجود دارد ولی در افراد سالم هم گاهی دیده می‌شود. یک مثال از این ضربه تحریک‌آمیز برای مغز یک حرکت تند و ناگهانی می‌تواند باشد. (مثلاً یک اسپاسم عضلانی ناخواسته که وقتی فرد به خواب می‌رود رخ می‌دهد).

میان‌برهای مسیرهای عصبی

مواردی از دژآ-وو در افراد سالم نیز ممکن است به «عدم انطباق» در مسیرهای عصبی مغز مرتبط باشد. این ممکن است به این دلیل باشد که مغز دائماً در حال تلاش برای ایجاد ادراکات کامل از جهان اطراف است ولی ورودی محدودی دارد.

به عنوان مثال، فقط مقدار کمی از اطلاعات حسی مانند یک بوی آشنا می‌تواند در مغز ثبت شود تا یک خاطره دقیق ایجاد شود. اما بروز پدیده دژآ-وو می‌تواند در سیستم‌های حافظه مغز طوری ارتباط برقرار کند که اطلاعات حسی از حافظه کوتاه‌مدت به حافظه بلندمدت منتقل شوند. این ممکن است احساس عجیبی در ما ایجاد کند که لحظه‌ای جدید را تجربه کرده‌ایم. در سیستم بصری، اطلاعات حسی از طریق مسیرهای متعدد به مراکز مغز

صرافی رویال
با مدیریت فرخ سرشت

خرید و فروش ارز را با ما تجربه کنید

امکان استفاده از کارت های بانکی ایران
جهت فروش ارز

**ارسال ارز
به ایران و بالعکس**
در سریع ترین زمان ممکن با بهترین نرخ

6162 SHERBROOKE W.
MONTREAL H4B 1L8
جنب فروشگاه اخوان

(514) 836-7090

هایک هارتونیان
Hayk Hartounian MBA
Residential Real Estate Broker

مشاور و متخصص املاک مسکونی در مونترال بزرگ

ارزیابی و مشاوره رایگان
تهیه وام مسکن با بهترین امکانات
هدیه ما به شما: هزینه محضر

فروش خرید اجاره

(514) 574 6162
Haykhartounian@yahoo.com
9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

دفتر ترجمه رسمی
فیروزه مسیحا

ترجمه و تایید اسناد
بدون نیاز به
مراجعه حضوری

عضو رسمی انجمن مترجمان
کبک (ATTIAQ) و انتاریو (ATIO)

کارشناس ارشد مترجمی زبان
و دانشجوی دکتری زبانشناسی

ATIO

ترجمه شفاهی در جلسات رسمی اداری و دادگاهی
تایید امضا اشخاص و گواهی برابر اصل
تعمیم و تنظیم صورت نامه و انگیزه نامه
انجام کلیه امور مربوط به دریافت و کانتیکامه از واشنگتن
تهیه و تنظیم مدارک جهت ارائه برای معارف سازی
(همه گواهی برابر اصل از دفترخانه رسمی)

+98 912 322 0524
438-920-9305
firoozehmasiha@yahoo.com

دفتر تهران: ضلع جنوب شرقی سید خندان
دار ترجمه رسمی مسیحا
+98 912 723 2544

دارالترجمه رسمی فرهنگ
BUREAU DE TRADUCTION FARHANG
FARHANG TRANSLATION OFFICE

2000, MC GILL COLLEGE
6TH FLOOR, MONTREAL
QUEBEC, CANADA, H3A 3H3

001 514 691 4383
H.DAVOUDI@FARHANG.CA

تهران: کنگر شمالی، تالار
بلوار کشاورز پش کوه گلی
پلاک ۷۳، طبقه ۲ واحد ۷

شعبه
کانادا
شعبه
ایران

جامعه

اقتصاد

سیاست





دختران افغانستانی خواهرم

و بعد، درحالی که دوباره به داخل خانه اشاره می کرد گفت:

- بفرمایید تو! اینجوری بده. بیاین مامانمو ببینین. تازه فارغ شدن.

و تاکید کرد:

- پسره.

دخترک وقتی متوجه تردید من شد، بر اصرار خود افزود و با لحن قانع کننده ای که چاره دیگری را برای مخاطب نمی گذاشت گفت:

- نمی خوانین مامانمو ببینین؟ مامانم خوشحال میشن.

دخترک توجه مرا به خود دید سلام کرد و با لحنی شیرین درحالی که به داخل خانه اشاره می کرد گفت:

- بفرمایید!

از حالت چهره و تعارفش فهمیدم برایش ناآشنا نیستم؛ فکر کردم شاید قبلاً مرا در کوچه دیده و می داند که همسایه ایم. پرسیدم:

- شما تازه به اینجا آمدین؟ من شما رو ندیده بودم! بلافاصله جواب داد:

- بله، پدرم سرایدار اینجا هستن. صابخونه رفتن خارج.

خواهرم گفت: سر کوچه از تاکسی پیاده شده بودم و کوچه را با تائی و با لذت از هوای آفتابی نیمه خنک پاییزی و تماشای برگ های زرد و نارنجی، به سوی خانه می پیمودم که چشمم به قامت ظریف دختر بچه ای افتاد که با لباسی گل دار، چهره ای بشاش و نگاهی پر از شیطنت و شور زندگی، کنار در رنگ و رو رفته خانه همسایه ایستاده و مشتاقانه مرا نگاه می کرد. پوست سفید، چشم های مورب جذاب و گونه های برجسته کودک، هویتش را به آسانی برایم آشکار می کرد: افغانستانی به نظر می آمد. زمانی که

چنان محو سروبان و تعارفات کودکی که بیش از سنش مهمان نواز و اجتماعی به نظر می‌رسید شده بودم که جرات نه گفتن از من سلب شد. پرسیدم:

- اسمت چیه دخترم؟ با شرمندگی گفت:
- کوچیک شما ریحانه.

تسلیم شدم. گفتم: باشه، چند دقیقه میام به مامانت تبریک بگم. چگونه می‌توانستم این دعوت صادقانه و پرمهر را رد کنم؟

دخترک با خوشحالی در فلزی و نیمه‌باز خانه را گشود. در حیاط بزرگ خانه، کنار باغچه و در سایه درخت‌هایی که زیبایی پاییز را به نمایش می‌گذاشت، دخترکان کم سن و سالی را دیدم که کمی دورتر از ساختمان سرایداری مشغول بازی بودند. راهنمای کوچک من، لحظه‌ای ایستاد و بچه‌ها را به من معرفی کرد:

- این لطیفه است. از من کوچیک‌تره. شیش سالشه. اینم تهمینه است.

آنگاه، به کودکی که پستانک بزرگی بر دهن داشت و با چشم‌های درشت و سیاه‌رنگش مرا می‌نگریست اشاره کرد:

- این عاطفه است. دو سالشه، اما هنوز نمی‌تونه حرف بزنه.

سپس سرش را بالا گرفت و مغرورانه گفت:

- مامانم میگه من نه ماهگی به حرف افتادم! گفتم: البته.

این را خوب می‌توانستم حدس بزنم.

آنگاه ریحانه، بی‌اعتنا به دخترها که دست از بازی کشیده و حیرت‌زده ما را نگاه می‌کردند، مرا به‌سوی ساختمان سرایداری هدایت و به صدای بلند اعلام کرد:

- مامان! پاشو، مهمان داریم.

داخل ساختمان در اتفاقی بزرگ، نیمه‌روشن و مفروشی، نشسته بر روی پتویی رنگین و تکیه داده بر پشتی رختخواب‌های مرتب چیده شده، زن جوانی که نوزاد قنداق پیچی را در آغوش داشت، به دیدن من نیم‌خیز شد. تا حدی دستپاچه و شرمگین و شاید نگران به نظر می‌رسید. با عجله دستش را روی موهای مجعد و سیاه رنگی که پشت سرش جمع کرده بود کشید. سلام کردم و گفتم:

- من همسایتون هستم. خبر خوش تولد گل‌پرستان را ریحانه جان به من داد. آمدم تبریک بگم. و اضافه کردم:

- ببخشید دست‌خالی آمدم. خبر نداشتم. زن جوان با آسودگی خندید:

خوش اومدین؛ محبت کردین. بله، من شما را می‌شناسم. صبح زود که بچه را شیر میدم، از پنجره شما رو می‌بینم که با کفش ورزش بیرون می‌رین.

بچه‌ها یکی‌یکی وارد اتاق شدند و به‌رغم اشاره دختر بزرگ‌تر برای خروج و بازگشت به بازی خود، دور و بر مادرشان نشستند. با نگاهی به این صحنه زیبا، در دل از خودم سؤال کردم: آیا به‌راستی، وجود این چهار دختر پرستیدنی کافی نبود که در این شرایط سخت و نامعلوم مهاجرت، فرزند دیگری هم به خانواده اضافه شود؟

بانوی جوان، گویی سؤال را از نگاهم دریافت. زیرا دستش را از روی محبت، به دختری که نزدیک‌تر به او نشسته بود کشید و با شرمندگی گفت:

- مردهای ما تا پسر دار نشوند دنبال بچه‌اند.

آن‌وقت، با نگاهی سرشار از غرور و افتخار، به نوزادی که آرام خوابیده بود گفت:

- خدا رو شکر! این یکی پسره.

در حال گفتگو بودیم که دختر بزرگ‌تر با سینی ملامین کوچکی حاوی دو استکان جای خوش‌رنگ، قندانی بلوری با قندهایی شکسته شده به رنگ یاس و ظرف کوچکی پر از نبات‌های زعفرانی وارد شد و آن را همراه با یک جعبه نان برنجی، جلوی ما گذاشت. سپس یواشکی چیزی به بچه‌ها گفت؛ دستشان را گرفت و آن‌ها را درحالی‌که چشم از من و جعبه شیرینی بر نمی‌داشتند، به بیرون از اتاق هدایت کرد.

حیرت‌زده از این همه استعداد مدیریت و مهمان‌نوازی این دخترک کم‌سن‌وسال، از او پرسیدم:

- تو مگر چند سالته دخترم؟

لبخندی زد. انگار از توانمندی‌های خود به‌درستی آگاه بود. موهای صاف و سیاه خود را که صورت ظریفش را در قاب گرفته بود تکان داد و گفت:

- من هشت ساله خاله جان.

گفتم:

- پس تو باید کلاس دوم باشی. چرا امروز مدرسه نرفتی؟

مادر سرش را با تأسف تکان داد و گفت:

- نه خانوم جان، مدرسه‌های اینجا بچه‌های ما را قبول نمی‌کنند. پدرش خیلی دنبال این کار رو گرفت، اما نشد.

ظاهراً آن‌ها هم مثل خیلی از مهاجرین، کارت اقامت دائم نداشتند و بنابراین، فرزندانمان نمی‌توانستند در مدارس دولتی ثبت‌نام کنند.

آن روز خواهرم پس از دیدن این خانواده و توجه به محرومیت از حق تحصیل دختر بچه با استعدادی که می‌توانست عملاً خانواده‌ای را اداره کند، با نگرانده تماس گرفت تا شاید به کمک آشنایانی که در مناطق آموزش‌وپرورش داشتیم، نام کودک را در مدرسه‌ای بنویسیم. بر اساس قوانین جدیدی که زمره‌اش را شنیده بودیم، می‌دانستیم که تصمیم بر آن است که زمینه تحصیل فرزندان مهاجرین حتی اگر غیرقانونی هم وارد کشور شده باشند، کم‌کم فراهم شود. با یکی از مناطق آموزش‌وپرورش نزدیک محل سکونت آن‌ها تماس گرفتم و از آن‌ها قول مساعد گرفتم که روز بعد کودک همراه پدرش مراجعه و معرفی‌نامه‌ای برای مدرسه‌ای در محله دریافت دارد. اما این کار به دلایل مختلف، من جمله اینکه مدت‌هاست از شروع مدرسه گذشته و سن کودک بیش از سن دانش‌آموزان سال اول است و... انجام نشد. خواهرم به یکی از مدارس دیگر محل، مراجعه و تقاضا کرد این کودک را این بار به‌عنوان مستمع آزاد، در کلاس اول بپذیرند و تعهد کرد که تلاش خواهد کرد سطح درسی او را به سایر شاگردان کلاس برساند.

مدیر مدرسه با ذکر مجموعه دردسرهایی که پذیرفتن یک شاگرد مستمع آزاد ممکن بود برایش پیش بی‌آورد، مثلاً اصرار والدین برای دریافت یک کارنامه رسمی پس از پایان سال تحصیل و بهانه‌هایی از این قبیل، این پیشنهاد را قبول نکرد. زمانی که خواهرم پس از مراجعات متعدد، همه درها را به روی این کودک بسته دید، مأیوس نشد و تصمیم گرفت ریحانه را در خانه خودش آموزش دهد. او که استاد زبان بود و انگلیسی درس می‌داد، ساعتی از بعدازظهر، اتاقی را در خانه‌اش به تدریس زبان انگلیسی اختصاص داده بود؛ بنابراین، آنجا محل مناسبی برای آموزش ریحانه به نظر می‌رسید. اما قدم بعدی، جستجوی معلمی بود که بتواند کلاس اول را که از مهم‌ترین پایه‌های تحصیلی محسوب می‌شود تدریس کند. در این مرحله، از یکی از بستگان خود که معلم بازنشسته‌ای

از لطیفه، از پدر و مادرش برای شرکت در یک جلسه مشورتی در خانه‌اش دعوت کرد و در آنجا با نشان دادن کارهای هنری، انشاها و خط و نمرات او، تلاش کرد آن‌ها را متقاعد کند که یک دختر یا مادر باسواد و تحصیل کرده، در تأمین سلامت و بهزیستی فرزندان و همراهی همسرش، به مراتب بهتر عمل کرده و نسل آگاه‌تری تربیت خواهد کرد؛ و سرانجام رضایت آن‌ها را برای ادامه تحصیل دخترشان جلب کرد.

خواهرم پس از قبولی دخترهای بزرگ‌تر در امتحانات نهایی، با ابتلا به بیماری سرطان، علی‌رغم مبارزه پیگیری که در طی دو سال آخر زندگی خود داشت، دنیا را ترک کرد. این بانوی بزرگوار که بچه‌ها او را خاله صدا می‌کردند، هرگز ندید که دختران تحت حمایتش، چگونه توانستند مسیری را که او برایشان هموار کرده بود ادامه دهند و با حمایت و تلاش والدین خود، به چه جوانان برومند و شایسته‌ای تبدیل شوند.

ریحانه، گل سرسید خانه، دو سال پس از ترک مدرسه «خانگی» ازدواج کرد. ثمره ازدواج او دختر کوچک زیبا و باهوشی است که حال، دوره پیش‌دبستانی را آغاز کرده و با درایت و کمال مادرش که مطلب تربیتی جدیدی را ناخوانده نمی‌گذارد و اشتیاقی که برای رشد و پیشرفت فرزندش دارد، به نظر می‌رسد که «یک سروگردن» از بچه‌های هم‌سن‌وسال خود هوشیارتر و جلوتر است.

لطیفه، تحصیلات خود را در دوره راهنمایی ادامه داد، سپس با توجه به ذوق هنری و خلاقیتی که در او وجود داشت توانست در یک شرکت طراحی گرافیک، مشغول کار شود. لطیفه زیبا، هنرمند و مستقل است و با درآمد کوچکی که دارد کمک‌خرج خانواده است. او برای آینده و ادامه تحصیلش، رؤیاهای بزرگی را در سر می‌پروراند.

تهمینه، در یک مدرسه دولتی تحصیلات خود را دنبال می‌کند و کوچک‌ترین دختر خانواده، دوره نوجوانی‌اش را با همه بحران‌ها، تردیدها و گرفتاری‌های یک دختر نوجوان مهاجر، طی می‌کند.

اما از همه خوشبخت‌تر، پسر دردانه خانواده است که از محبت، مراقبت و مدارای همه‌جانبه

این دانش‌آموز با سایر دانش‌آموزان کلاس و وجود تفاوت‌های ظاهری را بر نمی‌تابید، او را به حیاط مدرسه فرستاد، تا وضعیتش را مجدداً بررسی کند. خارج کردن این بچه در اولین روز و ساعات مدرسه، چنان برای دخترک گران تمام شده بود که پدرش را به مدرسه خواستند. پدر گفته بود: «وقتی به مدرسه رسیدم، دخترم چنان شیون و زاری می‌کرد که انگار دنیا برایش به آخر رسیده است. او را در آغوش گرفتم و گفتم ناراحت نشو، ما خودمان مدرسه و خانم معلمون را داریم». به این ترتیب سومین دختر خانواده هم با موهای چتری، مژگان برگشته و گونه‌های گلگونش کوچک‌ترین شاگرد خانم معلم شد.

مدیر جوان و بی‌تجربه آن مدرسه، شاید نمی‌دانست که وجود بچه‌هایی با فرهنگ‌ها، اقوام، رنگ‌ها و آداب‌ورسوم متفاوت، تا چه حد می‌تواند محیط مدرسه و کلاس را غنی و پربار کند و چه تجربه یادگیری ارزشمندی برای معلم و شاگردان در بر خواهد داشت.

حال در مدرسه کوچک خواهرم، خواهرهای بزرگ‌تر، کمک‌مربی خواهر کوچک‌تر خود بودند و مثل یک مدرسه تک کلاسه، هر یک از بچه‌ها موظف به کمک به دانش‌آموز کلاس پایین‌تر بود.

زمانی که از دخترهای بزرگ‌تر، امتحان متفرقه کلاس پنجم گرفته شد، بالاخره لطیفه توانست در مدرسه نزدیک خود، در کلاسی مطابق سنش اسم بنویسد. مدتی بعد، چهارمین دختر خانواده، در یک مدرسه دولتی، مثل همه بچه‌های هم سن خود، در کلاس اول ثبت‌نام کرد.

دخترهای بزرگ‌تر، رفته رفته در ابتدای نوجوانی و آماده برای دوره بعدی تحصیلی بودند که پدر و مادر بر اساس رسوم خانوادگی خود، تصمیم گرفتند تا همین حد تحصیل برای دخترها کافی است و از این پس لازم است به امور خانه بپردازند و برای ازدواج آماده شوند. این تصمیم خانواده، ظاهراً برای ریحانه که حالا چهارده سال داشت و یکی از بستگان آن‌ها از او خواستگاری کرده بود، چندان غیرمنتظره نبود. اما برای خواهر کوچک‌تر که در طول این سال‌ها، استعدادها و چشم‌گیری در زمینه‌های مختلف نشان داده و کلاس‌ها را یکی پس از دیگری با موفقیت طی کرده و امتحان داده بود، قابل قبول نبود و به هیچ‌وجه حاضر به ترک تحصیل نمی‌شد. به یاد دارم که در این زمان، خواهرم در حمایت

بود مشورت خواستیم. ایشان که در آن زمان، در یکی از مدارس جنوب شهر تهران داوطلبانه به کودکان کار اعم از ایرانی یا افغانستانی درس فارسی می‌داد، با محبت پذیرفت که دو بار در هفته به منزل خواهرم بیاید و به ریحانه و خواهر کوچک‌ترش تدریس کند. به این ترتیب، با توافق همگی، صبح روز شنبه کودکانی که در مدرسه به روی آن‌ها باز نشده بود، زنگ در خانه خواهرم را به صدا در آوردند. خواهرم می‌گوید: «زمانی که در را باز کردم، زیباترین صحنه زندگی‌ام را به چشم دیدم. آنجا، پشت در، دو دختر بچه افغانستانی با مقنعه سفید، روپوش سورمه‌ای با کیف بزرگی بر پشت و چشم‌هایی که از غرور و خوشحالی می‌درخشید، «آماده برای مدرسه»، سلام کردند.»

در طول سال‌هایی که پس از آن گذشت، این خانم معلم داوطلب، به‌رغم دوری راه و ترافیک سنگین و هوای آلوده شهر تهران، هیچ روزی در اجرای این وظیفه مهم خود، غیبت نکرد. خانم معلم ما، علاوه بر شور و اشتیاق برای تدریس این دو دختر، غالباً جوایز کوچک و بزرگی هم برای تشویق آن‌ها به درس‌خواندن، همراه خود می‌آورد و علاوه بر درس فارسی و ریاضیات، مانند هر معلم مسئول و دلسوز دیگری، در زمینه‌های مختلف زندگی هم مانند اخلاق و ارزش‌ها، بهداشت و نظافت، مهارت‌های اجتماعی و به‌خصوص در فعالیت‌های هنری، مثل نقاشی، کاردستی و خطاطی، این دو کودک را راهنمایی می‌کرد.

این صحنه‌های زیبای «مدرسه خصوصی»، برای خواهرم بارها و بارها تکرار شد. وقتی بچه‌ها را می‌دید که پشت میز نشسته و همراه معلم، با صدای کودکانه خود حروف الفبا را می‌کشیدند و تکرار می‌کردند؛ زمانی که با دست‌های ظریف خود، کلماتی را که یاد گرفته بودند، درست یا غلط، روی وایت‌برد می‌نوشتند؛ زمانی که در زنگ تفریح، با لذت و خوشحالی کیک و شیر کاکائوی میان وعده تهیه شده توسط بانوی خانه را میل می‌کردند؛ وقتی مدتی بعد، قلب و گل و خانه می‌کشیدند و به خواهرم هدیه می‌دادند.

زمانی که سومین دختر به سن قانونی برای ورود به مدرسه رسیده بود، پدرش موفق شد او را بر اساس قانون جدید آموزش و پرورش، در یک مدرسه دولتی ثبت‌نام کند. اما در اولین روز کلاس، مدیر جدید مدرسه که ناهمگنی ظاهری

پدر و مادر و خواهران خود برخوردار است. امروز، پدر افغانستانی روایت ما که همواره آرزوی داشتن پسری را در دل می‌پروراند، از مشاهده کوچک‌ترین نشانه رشد و پیشرفت درسی پسرش به خود می‌بالد و طبیعتاً آرزو دارد که این نور چشم پدر، روزی عصای دست پدر و مادرش شود. کسی چه می‌داند؟ شاید هم بشود! با این حال، تجربه نشان می‌دهد که هیچ تکیه‌گاهی، محکم‌تر و استوارتر از تکیه گاهی نیست که دخترها با جان و دل برای پدر و مادرشان فراهم می‌کنند.

مهاجرت، رابطه‌ای متقابل

لطیفه یکبار در انشای کوتاهی در مورد نقشی که مهاجرین افغان در جامعه ایران به عهده دارند، به سادگی و با احساسی طبیعی برخاسته از دل خود چنین نوشته بود:

درست است که ایران، ما را در شرایط جنگ و ناراحتی کشورمان پذیرفت و به ما پناه داد اما اگر به ساختمان‌های زیبای اطراف خود، به برج‌های بلند و باشکوه تهران و شهرهای دیگر و به سرسبزی و طراوت پارک‌هایتان نگاه کنید، می‌بینید همه اینها را ما افغان‌ها ساخته‌ایم و برای خانه‌های مردم نظم و پاکیزگی آورده‌ایم. ما سرزمین خودمان را دوست داریم و اگر جنگ نبود همان جا می‌ماندیم و زندگی‌مان را می‌کردیم.

پدر خانواده یک روز با مشاهده کارنامه تحصیلی ریحانه که حال برای خودش دخترخانمی برومند، متین و شایسته شده بود، با لحنی سرشار از محبت و قدردانی، به خواهرم گفت: «نمی‌دانم از خدا چه برایتان آرزو کنم! شما زندگی ما را متحول کردید». خواهرم گفت: «شما هم زندگی ما را متحول کردید».

خواهرم درست می‌گفت؛ این آشنایی، به رابطه‌ای دوطرفه و نوعی دادوستد عاطفی در زندگی هر دو خانواده منتهی شده بود:

حضور دخترها در خانه خواهرم که با بزرگ شدن فرزندان و ترک خانه برای ادامه تحصیل، از مدتی پیش ساکت و آرام به نظر می‌رسید، حال، طراوت تازه‌ای پیدا کرده بود و صدای خنده و شوخی بچه‌ها هنگام زنگ تفریح در حیاط خانه یا در کلاس وقتی بچه‌ها سربه‌سر هم می‌گذاشتند، با خانم معلم سر نمره چانه

می‌زدند، درس پس می‌دادند، شعر و سرود می‌خواندند، تصویری از یک خانه گرم یا مدرسه شاد و دوستانه‌ای در مقیاس بسیار کوچک را منعکس می‌کرد. بچه‌ها با دیدن سینی میان وعده کیک و شیرکاکائو به دست خواهرم یا همسرش که مشتاقانه این حرکت را همراهی می‌کرد، به وجد آمده و از یکدیگر برای تشکر از آن‌ها سبقت می‌گرفتند: «زحمت کشیدید، خاله دستتون درد نکنه، مرسی خاله جان، مرسی آقا جان».

پدر خانواده با سابقه کشاورزی و با دست سبز خود و آبیاری مرتب، به باغچه‌های خانه رونق می‌بخشید. مشاهده بوته‌های سرسبز و آبشاری صورتی رنگ از گل‌های نسترن، گسترده بر آلاچیق چوبی بین دو باغچه، تحسین هر تازه واردی را بر می‌انگیخت. خانواده، هرازگاهی از دست‌پخت بی‌نظیر نجیبه خانم، در ایام ویژه سال برخوردار می‌شد: آش نذری، شله زرد، کابلی پلو، کاجی و همچنین شیرینی‌های خانگی افغان مادر بچه‌ها، همه ما را با طعم غذاهای آن‌ها آشنا می‌کرد. ما همچنین، هم‌زمان با آشنایی عمیق‌تر با این خانواده، از محبت دوستان و آشنایانشان هم برخوردار می‌شدیم. آن‌ها هرکدام برای همکاری و کمک به اداره مراسم، جشن‌ها و عزاداری‌های خانواده ما، حاضر و همواره پای ثابتی بودند.

از تحولات دیگر ناشی از این آشنایی، ارتقا نگرش بستگان و دوستانمان در مورد تنوع و تفاوت بین انسان‌ها و غنا و زیبایی‌های آن بود. این موضوع در مهمانی‌ها و مراسمی که با دوستان و افراد خانواده داشتیم، بارها و بارها مورد بحث قرار می‌گرفت و در بیشتر اوقات با تأیید مخاطبین و تبادل تجربه‌های خوب آشنایان در مورد مردم افغانستان روبرو می‌گشت.

می‌خواهم بگویم که آدمی، در هر جای دنیا، چیز منحصر به فرد و طبیعتاً ارزشمندی از خود برای دیگران دارد و قادر است رنگ تازه‌ای به زندگی دیگران بیفزاید. وقتی تجربه‌های تلخ برخی از دوستان افغانستانی را در مورد وجود تبعیض در کوچه و مدرسه در ایران مهاجرپذیر می‌خوانم، به یاد می‌آورم که سال‌ها پیش، کارگران ایتالیایی در بلژیک، فرانسه و سوئیس، مهاجرین ترک در آلمان، سیاه‌پوست‌ها در آمریکا، اعراب در فرانسه، در همه این کشورها با تبعیض و بیگانه‌هراسی روبرو بودند، اما همه آن‌ها به تدریج، اثرات ماندگار خود را بر فرهنگ

و زندگی کشورهای میزبان خود و تحول آن باقی گذاشتند: از ارزش‌های فرهنگی خود، موسیقی، شعر، ادبیات، هنرهای موزون، مراسم ملی، تغییر و تحول در طعم و رنگ تغذیه کشور میزبان، تا در نهایت، کمک به رشد اقتصادی و علمی آنجا.

اما امروز با مشخص شدن وابستگی‌های شدید بین کشورها برای بقا و ادامه زندگی، اوضاع بسیار متفاوت است و دیگر جهان به هم وابسته امروز، نمی‌تواند شاهد بروز تبعیض، پیش‌داوری‌های بی‌اساس، بیگانه‌هراسی و نفرت‌پراکنی‌ها باشد. دولت‌ها البته مزایای بی‌چون‌وچرای حضور مهاجرین را در بالندگی و رشد کشور خود می‌دانند، برای همین است که به‌رغم همه قوانین سخت‌گیرانه مهاجرتی خود، دروازه‌های کشورشان را نیمه‌باز می‌گذارند!

متأسفانه بسیاری از مردم، از طبقات مختلف اجتماعی، از موهبت و امتیازهای حضور مهاجرین در کشور خود ناآگاه‌اند و نمی‌دانند که هیچ گروهی شغل آن‌ها را نخواهد گرفت و نان آن‌ها را آجر نخواهد کرد.

طبیعتاً، مسئولیت رشد و آگاهی مردم در این زمینه در این عصر اطلاعات و ارتباطات، به عهده نظام‌های آموزشی، سازمان‌های آموزشی غیردولتی و رسانه‌های عمومی است که با ترویج گفتگوی بین فرهنگ‌ها و تمرین دادن کودکان و نوجوانان در مدارس، نسل حاضر را در شناخت فرهنگ‌ها و پیامدهای مثبت تعامل با دیگران یاری کرده و در نتیجه، گسترش صلح و تفاهم در جهان را تسهیل کنند.

در خاتمه، توصیف زیبایی را که چندی پیش با مضمونی شبیه به مطلب زیر در مورد نیاز وابستگی مردم دنیا به یکدیگر می‌خواندم، برای تامل و تفکر بیشتر در این زمینه نقل می‌کنم:

تو قهوه‌ترک می‌نوشی،

پیتزای ایتالیایی می‌خوری،

با مد فرانسوی لباس می‌پوشی،

به زبان انگلیسی صحبت می‌کنی،

با تکنولوژی آمریکایی کار می‌کنی،

و با یوگای هندی آرامشت را به دست می‌آوری در این صورت چگونه می‌توانی مردم کشورهای دیگر را غریبه‌پنداری و آن‌ها را از خود برانی؟



رکورد دوباره قیمت خانه در تورنتو

حدود سیزده هزار ملک بود. به گفته کارشناسان با نبود سیاست‌هایی برای پشتیبانی ساخت و عرضه سریع ملک در بازار نمی‌توان عدم توازن میان عرضه و تقاضا را برقرار نمود. تنها دولت‌ها می‌توانند با ایجاد هماهنگی میان یکدیگر و شروع سریع پروژه‌های ساختمانی، تسهیل دریافت وام و پشتیبانی از شرکت‌های سازنده متوسط موجب کاهش نسبی قیمت‌ها شده و به قشر متوسط نیز امکان خرید خانه بدهند. از سوی دیگر، برخی از کارشناسان از دولت توقع دارند با افزایش مناسب نرخ بهره به سردتر شدن بازار املاک کمک کند. آن‌ها افزایش چشمگیری چشمگیر که در آن نرخ بهره متغیر با نرخ بهره ثابت کنونی برابری کند. بانک مرکزی پیش‌ازین پیش‌بینی کرده بود که در نیمه دوم سال آینده در مورد نرخ بهره تصمیم‌گیری کند ولی این امکان وجود دارد که با شرایط به وجود آمده حتی تا آن زمان نیز صبر نکند و در ابتدای سال جدید میلادی شاهد افزایش نرخ بهره باشیم.

منبع:

وبسایت‌های شبکه‌های خبری فایننشال پست، لاپرس، ژورنال دو کبک

به خرید خانه‌های بزرگ‌تر در دوران پاندمی دست‌به‌دست هم دادند تا نام کانادا را به یکی از داغ‌ترین بازارهای مسکن در دنیا بر سر زبان بیاورند. تعداد املاک در فهرست فروش به حدی کم شده که مدت‌زمان متوسط برای فروش خانه در بازار به سیزده روز برسد. کاهش جدی تعداد املاک در دست فروش باعث شد تعداد معاملات نیز حدود دو و نیم درصد نسبت به ماه قبل کمتر شود. باوجود اینکه فروش خانه در ماه نوامبر کاهش یافت ولی بر خلاف دوران همه‌گیری و به دنبال افزایش تعداد مهاجران تقاضا برای خرید آپارتمان حدود چهار و دو درصد افزایش یافت. چرا که با افزایش تعداد مهاجران، سرمایه‌گذاران املاک به خرید خانه‌های استیجاری روی می‌آورند. بانک مرکزی در تازه‌ترین اظهار نظرها و گزارش‌های خود، برای کنترل تورم روندی صعودی در نرخ بهره را نوید داد. سیاستی که برخی از کارشناسان امیدوار بودند باعث کاهش تب بازار املاک شود خود مشوقی برای خریداران بود که در این لحظات آخر از نرخ‌های بهره پایین به نفع خود استفاده کنند. حال آنکه در ماه نوامبر امسال تنها حدود شش هزار ملک در فهرست فروش قرار گرفت و این مقدار در نوامبر سال گذشته

بهای ملک در تورنتو با افزایش ۲۲ درصدی نسبت به سال قبل به رکورد جدیدی دست یافت. باوجود اینکه عرضه در بازار املاک تورنتو به شدت پایین آمده است ولی تقاضا همچنان ادامه دارد. بعد از پیش‌بینی‌های اقتصادی مبنی بر افزایش تدریجی نرخ بهره، خریداران در آخرین لحظه برای خرید ملک دست‌به‌کار شده‌اند. با این روند، بر خلاف آنچه بانک مرکزی با افزایش بهره در سر داشت، پیش‌بینی‌ها مبنی بر سردتر شدن بازار ملک از حقیقت فاصله گرفت. قیمت متوسط ملک در تورنتو در ماه نوامبر به میزان بی‌سابقه یک میلیون و صد و شصت هزار دلار رسید درحالی‌که طبق آمار تعداد خانه‌های قرار گرفته در فهرست فروش حدود سیزده درصد کاهش یافته است. ارزش متوسط سایر انواع ملک نیز افزایش یافت. بهای متوسط خانه‌های شهری یا تاون-هاوس به حدود نهصد و شصت هزار دلار و کاندامینیم‌ها به حدود هفتصد و پانزده هزار دلار رسید. همانطور که در مطالب هفته‌های گذشته نیز بدان اشاره کردیم عوامل متعددی همچون نرخ بهره وام بسیار پایین، سیاست‌های باز مهاجرتی و ورود مهاجرانی که به مسکن فوری نیاز داشتند به همراه عواملی همچون افزایش اشتیاق مردم

نجات تیم هورتون با «تیم بیب» های جاستین بپر؟

با شراکت با جاستین بپر بتواند نسل جوان را بیشتر به خرید ترغیب کند. در همین حال، رقیب آمریکایی تیم هورتون یعنی استارباکس با سرمایه‌گذاری یک میلیارد و چهارصد میلیون دلاری در سال ۲۰۱۱ توانسته یک اپلیکیشن موبایل بسیار کارآمد به مشتریان ارائه دهد که در میزان سود شرکت بسیار مؤثر بوده است. برای موفقیت و خروج از بحران، شرکت تیم هورتون باید به بیشتر از شراکت موفق با یک ستاره پاپ بیندیشد. این شرکت باید با دردست‌داشتن سرمایه شرکت خریدار تجهیزات و فرایندهایش را به شکلی به‌روز و کارآمد کند که به‌راحتی نیروی کار را جذب کند. چرا که با وضع کنونی و بحران پاندمی یکی از مهم‌ترین مشکلات تیم هورتون در حال حاضر یافتن و استخدام نیروی کار است.

منبع دو: ژورنال کبک

عدم مدیریت مناسب در دوران پاندمی بسیاری از مشتریان پروپا قرصش را نیز ناامید کرده است. باین حال به گفته مدیر بازاریابی شرکت، باتوجه‌به اینکه جاستین بپر از مشتریان و طرفداران پروپاقرص تیم هورتون است بسیار خوش‌بین هستند که این طرح به نتیجه برسد و بتوانند با جاستین همکاری دراز مدتی داشته باشند. تیم هورتون که برای فروش در اختیار شرکتی آمریکایی قرار گرفته است اما به نظر نمی‌رسد با سرمایه‌ای که این شرکت برای بازسازی و مدرنیزه کردن شبکه فروش در نظر گرفته است راه به جایی ببرد. اقدام اخیر تیم هورتون در محصول مشترک با ستاره‌ای جوان بنا به نظر کارشناسان یک اشتباه استراتژیک بود چرا که در حال حاضر بیشتر مشتریان تیم هورتون را افراد سالخورده تشخیص می‌دهند. هدف تیم هورتون این بود که

جاستین بپر و تیم هورتون توانستند به طور مشترک محصولی با عنوان «تیم بیز» را به مردم عرضه کنند. این محصول که شباهت زیادی به پیراشکی‌های توپکی «تیم بیت» دارد هم اکنون در شعبه‌های تیم هورتون و در سه طعم مختلف عرضه می‌شود. این ابتکار به‌وسیله سرآشپز بخش نوآوری تیم هورتون، یعنی شف تالیس ووکس انجام شده است تا بتواند به بهترین نحو توجه طرفداران تیم هورتون و جاستین بپر را جلب کند.

شاید بهبود وضعیت تیم هورتون و خروج آن از بحران با روش‌های بازاریابی قوی میسر شود اما به نظر نمی‌رسد ائتلاف کنونی این شبکه رستوران‌های زنجیره‌ای با خواننده جوان کانادایی به جایی برسد. این برند معروف کانادایی با تعطیلی بسیاری از شعبه‌ها، صف‌های طولانی و

رشد اقتصادی دور از انتظار منطقه لاوال

یا در منطقه دست به ساخت‌وساز و تعمیرات زدند. به عقیده وی همکاری میان بخش عمومی و خصوصی در خلال بحران پاندمی باعث شد اقتصاد شهر با سرعت بیشتری به حالت عادی بازگردد. اگر رشد سال ۲۰۲۱ همچنان ادامه یابد و تصمیم‌گیرندگان ببینند که میل به رشد در سال ۲۰۲۲ نیز به‌صورت پیوسته ادامه دارد به رشد بیشتر شهر در سال آینده کمک خواهند کرد. به‌عنوان مثال اتاق بازرگانی در ایجاد فروشگاه‌ها و رستوران‌های محلی مبادرت خواهد ورزید.

منبع: وبسایت خبری لاپرس

با اینکه در دوران شروع کرونا شهر Laval جزء شهرهایی بود که از این پدیده بیش از سایر شهرها آسیب دید و تأثیر منفی پذیرفت ولی به گفته کارشناسان از نظر فعالیت‌های اقتصادی نسبت به سایر مناطق استان کبک پیشروتر بوده است. با اینکه این شهر در بخش‌هایی مانند صنعت گردشگری و توریسم از اقبال کمتری برخوردار بوده اما این شهر به بخش‌های پرسودتری مانند تولید مواد غذایی و صنایع بیوفارمسی پیشتاز بوده است. به گفته کارولین دوگویر رئیس اتاق بازرگانی شهر Laval، این شهر با کمک مشتریان و مصرف‌کنندگان توانست روی پای خود بایستد. مشتریانی که حساب‌های پس‌انداز مناسب داشتند

طبق آمار ارائه شده توسط گروه مالی دژردن، شهر Laval در سال ۲۰۲۱ در کل استان کبک از لحاظ رشد نرخ تولید ناخالص ملی با یازده و سه دهم درصد نسبت به سایر مناطق استان پیشتاز بوده است. بازیگران مهم اقتصادی در این منطقه از این خبر شگفت‌زده نشده‌اند چرا که برای آینده سومین شهر استان کبک برنامه‌های گوناگون دارند.

به گفته شهردار این شهر آقای استفان بوایه، شهر Laval اقتصادی بسیار متنوع دارد و توانسته است در دوران بحران پاندمی در بخش‌های اقتصادی نظیر بخش علوم زیستی، علوم بیوفارمسی و بخش فن آوری به پیشرفت چشمگیری برسد.

SHEMIRAN
Auto Services

اتس و سرویس شمیران
تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب

514-487-6262
5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com

Panneton & Panneton
Moving & Storage

تخفیف ویژه برای
هموطنان عزیز
در نظر گرفته
شده است.

خدمات انبارداری پنتون و الیمپا

- بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ۷ روز هفته قابل دسترسی

514 939 0099
8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6
info@pannetonpanneton.com

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online با حضوری
با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکت‌ها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9
http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

Pharmacie
Golnasim Riahi

داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا
برای رفاه و سلامت شما در شرایط کرونا
www.riahipharma.com
Tel: (514) 519-3060

واکسیناسیون
انواع واکسن ها

درمان نسخه
از طریق ویدئو و تلفنی

مشاوره رایگان
جهت دریافت نسخه و مشاوره دارو

فستری آنلاین
به روش جدید و آنلاین

نوشتن نسخه
به روش جدید و آنلاین

ملاحظات حضوری
ایمنی و بهداشتی رعایت می‌شود

انتقال پرونده
از پزشک دیگر به شما

ارسال رایگان دارو
فستری به پزشک
از طریق ویدئو و تلفنی

1111 Blvd. Dr. Frederic-Philippe, suite 500, St-Laurent
Postal Code: H4M 2X6
514 519 3060 514 888 5893
www.riahipharma.com info@riahipharma.com

دانش سلامت حقوق





«ایزیدی‌های عراق بویژه زنان این اقلیت دینی در دوران داعش جهنمی را زندگی کردند که تصورش نیز به سختی در ذهن می‌گنجد»

بیماری تعصب و رنج‌های اقلیت‌ها؛ آیا درمانی هست؟

نان، دست‌وپا کند به همین دیوار برخورد کرده بود. تنها شهرام پسر آنها فعلاً در مدرسه مشغول درس خواندن بود و هنوز با او کاری نداشتند. گرچه آینده را نمی‌توانستند پیش‌بینی کنند. ولی موضوع مدرسه مهنز را نمی‌شد پشت‌گوش انداخت و منیره به دنبال پیدا کردن مدرسه‌ای که مهنز را ثبت‌نام کند براه افتاد. به‌سختی توانست از طریق آموزش و پرورش در مدرسه‌ای نام‌نویسی کند اما به‌شرط آن که هرکس از عقیده او پرسید حرفی

کنند این در و آن در می‌زد. ولی پیدا کردن کار، راحت نبود. چون یک مشکل برای او وجود قوانینی بود که برای او و امثال او وضع و مانع فعالیت آن‌ها می‌شد. مثل روزی که منیره برای دستیابی سریع‌تر به محل در آمد، به دنبال مجوز سالن آرایش رفت، اما آنجا هم دیوار تفتیش عقاید در مقابلش قد بر افراشت و نتوانست مجوز بگیرد. افشین که خود مدیر داخلی بخشی از اداره خود بود و او هم اخراج شده بود، برای این که کاری برای درآوردن

مهنز دیروز از مدرسه اخراج شد چون وقتی عقیده‌اش را پرسیدند و مهنز هم راست‌وحسینی خودش را معرفی کرد، مدیر مدرسه متعصب که فکرش از کارافتاده و هرچه به او دیکته شده بود باید اجرا می‌کرد، کم نیاورد و او را با برچسب بیگانه و جاسوس از مدرسه اخراج کرد.

منیره مادر مهنز هم دو ماه قبل به دلیل همان اختلاف عقیده با رئیس اداره از کار بیکار شده بود و در تلاش پیدا کردن کاری که معاش خود را تأمین



دیوارنگاههایی به یاد رنج بهاییان در ایران

نزند. هم زمان افشین فهمید پسر دوستش آقا رحیم که قرار بود آن سال کنکور بدهد به دلیل وجود ستون مذهب در فرم، نتوانست ثبت نام و شرکت کند در نتیجه دانشگاه بی دانشگاه و این روند همچنان ادامه داشت. بعدها اکثر بچه‌هایی که نتوانستند به دانشگاه «خودشان» بروند در کشورهای دیگر موفق به ادامه تحصیل شدند و برای کشور میزبان افتخاراتی کسب کردند. ولی با حسرت به عقب‌ماندگی مملکت خود چشم دوختند. چه کار می‌شد کرد؟ انتخابی بود که مردم آن روز خود کرده بودند. تعصبات تنگ‌نظرانه‌ای که دنیای به این بزرگی را جز از یک منفذ کوچک نمی‌دیدند.

اخبار تلویزیون هم در آن روزها یک خبر خوش پخش نمی‌کرد. چون بگیربگیر و خبر اعدام و اخراج دگراندیشان و ترور بود که با افتخار پخش می‌شد. انگار با شنیدن این اخبار دل بعضی از افراد ملت آن روز هم خنک می‌شد و بعضی هم بی تفاوت بودند و یا برای این که خاطرشان مکدر نشود پیچ رادیو را می‌بستند و به گوش خود استراحت می‌دادند چرا؟ افراد بی‌گناهی که حکم داشتند نمی‌دانستند چرا، ولی گناهکاران می‌دانستند چرا.

یکی دو سال گذشت که خبر فرار ملت همسایه از کشورشان گوش مردم را پر کرد و موضوع روز شد. ملتی که در چهل سال گذشته حتی برای یک روز آب خوش از گلی آنها پائین نرفت. چون هر روز یا در انفجار و یا در جنگ با کسانی که به نام دین می‌کشتند عزیزانشان را از دست می‌دادند و از آن گذشته زنانی که یا به دست مردان خانواده و یا به دلایل اجتماعی مضروب و یا کشته می‌شدند و یا از همه دردناک‌تر دختران کم سن و سالشان به مردان حریص و جاهل فروخته شده و می‌شوند. سال‌ها گذشت و سرنوشت‌ها به خاطر این بی‌مهری‌ها و تعصبات مذهبی و قومی و نژادی دستخوش تغییر شد ولی این روند همچنان ادامه دارد...

نوبت به افراد دیگر رسید نخبه‌هایی که در گذشته مملکت را اداره کرده بودند. آنها هم یا مردند یا کشته شدند یا زندانی و تبعید و اخراج از وطن و یا خوشان مجبور به فرار و یا مهاجرت شدند در گوشه دیگری از دنیا به نام دین دختران ربوده و مردان کشته شده چشمان پدران و مادران از اشک‌های ریخته شده پر خون گردید، اما دنیا خاموش و نظاره‌گر ماند که ماند که ماند...

چه کسی می‌تواند در مقابل عکسی که منظره دختر بچه هفت هشت ساله در معرض فروشی را

بی‌خردی من، باید حذف شود تا نقصان علم من جلوه نکنند. تا به اسم دین بر مرکب هوی و هوس بر مردمی که نمی‌دانند اما در دنیای خویش خالصانه خدا را می‌پرستند، حکومت کنم. تعصب تمسک نیست، بلکه جهل است. شخص متعصب به خاطر دفاع از بی‌خردی و جهل، با اعتماد به کسانی که فکر می‌کند می‌دانند و از طرف او می‌اندیشند، رگهای گردن را برجسته کرده، خونشان به جوش می‌آید و بدون دلیل و منطق سر دشمنی و جنگ را با افرادی که ابد او را نمی‌شناسند گذاشته، قتل و کشتار او را ثواب

نشان می‌دهد که در مقابل جمعیت مردان حریص خریداری که او را احاطه کرده، و او صورتش را از وحشت و شرم با دست پوشانده و می‌گرید، ببیند و به مرگ انسانیت اقرار نکند؟ در عرف آنان آنچه مهم است تشفی خاطر عده معدودی از جهلا است. جهل و نادانی موجب تعصب و در نتیجه خرابی دنیا شده. آنچه به این جنگ دامن می‌زند و شعله آن را فروزان‌تر نگاه می‌دارد حسادت ناشی از همان تاریکی و ترس از روشنائی است:

چرا او می‌داند و من نمی‌دانم و چون من نمی‌خواهم بدانم پس آنکه هوشمند است و می‌داند به دلیل

tion) (مثلاً اگر کسی از یک ارزش‌آزمایی احساس خوبی ندارد بگوید ارزش‌آزمایی‌ها همه خوب نیستند.

(۵) زمانی نیز حالت تعصب نتیجه عدم جهان‌بینی و عدم دوراندیشی است.

نکته دیگری که باید متذکر شویم و اتفاقاً دارای اهمیت فوق‌العاده است این که تعصب ممکن است ثمره ترس از محافظه‌کاری افراطی باشد چنین مردمانی از تغییر می‌ترسند و از آن متنفرند. محافظه‌کاری افراطی عبارت از تمایل و گرایش به مقاومت در برابر تغییر و تحول و ترجیح دادن اهداف و ارزش‌های سنتی و قراردادی بر ارزش‌ها و اهدافی که با اندیشه آزاد و بخردانه انتخاب شده باشند و برای بسیاری رویکردهای اجتماعی در عرصه‌های مختلف و همه‌جا در مقابل تحول و تغییر مانعی بر می‌انگیزد؛ بنابراین به میزان قابل‌توجهی جلو رشد و تحولات اجتماعی را می‌گیرد. (دکتر خضرائی مقدمه‌ای بر اصول روحانی و اجتماعی)

حضرت مسیح می‌فرماید: «هیچ‌کس بر جامه کهنه پاره از پارچه نو وصله نمی‌کند زیرا که آن وصله از جامه جدا می‌گردد و دریدگی بدتر می‌شود و هم چنین شراب نو را در مشک‌های کهنه نمی‌ریزند والا مشک‌ها دریده شده شراب ریخته مشک‌ها تباه گردد بلکه شراب نو را در مشک‌های نو می‌ریزند تا هر دو محفوظ باشد.» (متی ۹: ۱۶-۷)

در مقابل فرد متعصب، انسان آزاد و متمسک است که با بینشی وسیع اعتدال را در همه جوانب رعایت نموده از حد مجازی که خود بدان اعتقاد دارد و بدان متمسک است پا را فراتر نمی‌گذارد. اینکه تمسک و آزادی چیست بحثی دیگر می‌طلبد، اما در اینجا مقصود بیان ضرر و زیان بیماری به نام تعصب است که مانند ویروس کرونا به همه دنیا سرایت کرده و در گوشه و کنار کره زمین لانه و آشیانه نموده است. برای درک بیشتر علت و مشخصات این بیماری بهتر است به کتب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مراجعه گردد. چون حکایتی است طولانی و زجرآور که پیامی جز ظلم و بدبختی برای بشر نداشته در هر تغییر سنت‌گرایانه به‌خاطر تعصب، گروهی، گروهی دیگر را از دم تبغ می‌گذرانند. باشد یک‌بار هم که شده انقلابی اخلاقی صورت گیرد تا بشریت پی برد که دستیابی به آرامش و وحدتی که نسل‌ها همواره حسرت آن را داشته‌اند جز از طریق ترک تعصبات امکان‌پذیر نمی‌باشد. بشر کوچک‌تر از آن است که هدف غائی عالم وجود را با خشونت و بدخواهی و تعصب تغییر دهد. اگر بر رود سدی بندند، رود باز راه خود را از همان بستر به‌سوی دریا می‌یابد و به آن می‌پیوندد.

در خدمت جامعه بودن، به جامعه یاری رساندن که صرف‌نظر از خود شخص می‌باشد. به عبارت دیگر جامعه را بر خود ترجیح می‌دهد. دومی معرف حفظ نفس است و تلاش و کوشش آن حفظ خویشتن خدمت به خود و حفظ منافع خود است پوشش اول نتیجه‌اش تمرکز قوای روحی و روانی است در خدمت به دیگران و پوشش دوم نتیجه‌اش تمرکز قوای روانی بر خویشتن و برای خویشتن است. تعصب عبارت از قطبی شدن قوای روانی بر پوشش احرازی است. متعصب معتقد است اندیشه او صحیح‌ترین و آنچه به او تعلق دارد بهترین و برترین است...البته پیش‌داوری یکی از مشکلات

منیره مادر مهناز هم دو ماه قبل به دلیل همان اختلاف عقیده با رئیس اداره از کار بیکار شده بود و در تلاش پیدا کردن کاری که معاش خود را تأمین کنند این در و آن در می‌زد. ولی پیدا کردن کار، راحت نبود. چون یک مشکل برای او وجود قوانینی بود که برای او و امثال او وضع و مانع فعالیت آن‌ها می‌شد. مثل روزی که منیره برای دستیابی سریع‌تر به محل در آمد، به دنبال مجوز سالن آرایش رفت، اما آنجا هم دیوار تفتیش عقاید در مقابلش قد بر افراشت و نتوانست مجوز بگیرد.

شخص متعصب است...و مهم آن است که بگوییم متعصب همیشه از عارضه پیش‌داوری رنج می‌برد و مکانیسم پیش‌داوری‌اش بر این اساس است که او از یک داوری خودخواهانه رنج می‌برد.

این احساس و باور برای اینکه تعصب نامیده شود باید چهار شرط را دارا باشد:

- (۱) در آن آگاهی و اطلاع کامل دخالت نداشته باشد
- (۲) باید توأم با سخت‌گیری و لجاجت و پرخاش باشد و سبب پیش‌داوری بوده و اصرار در رای شود
- (۳) تمایل به برداشتن پرده از چشم و حجاب از دل در شخص وجود نداشته باشد
- (۴) آن احساس یا باور تعمیم داده شود Generaliza-

می‌داند. اگر می‌اندیشیدند برایشان روشن می‌شد که هیچ دلیل و منطق و هیچ قانون آسمانی و زمینی وجود ندارد که گرفتن حق شهروندی و گرفتن جان انسانی دیگر را به دلایل موهوم مجاز و مباح کند.

در گوشه‌ای دیگر از دنیا، گناه نابخشودنی دیگری گریبان عده بی‌گناه دیگری را می‌گیرد که رنگین‌پوست بوده و ظاهراً با افراد دیگر متفاوت‌اند. نژادی که انواع حقارت‌ها و کشتار در حق آنها اعمال شده و می‌شود. انگار عقل و منطق انسانی به کل مفقود شده و جای خود را به بی‌رحمی و قساوت داده. مثال‌های زیادی می‌توان برشمرد که چه تبعیضات و چه مظلومی انسان‌هایی به انسان‌های دیگر روا می‌دارند.

اگر افشین نوعی، پدر خانواده و منیره نوعی، همسرش سر کار خود می‌ماندند چه اتفاقی می‌افتاد؟ و یا اگر هر کس در خانه و مکان زندگی خود بدون ترس از کشتار به دست عوامل زور، در آرامش می‌زیست چه می‌شد؟ اگر هر رنگین‌پوستی بدون تبعیض و نابرابری در اجتماع کار و زندگی می‌کرد چه خدش‌های بر اصول کاری و اجتماعی دنیا وارد می‌آمد؟ مگر این که بپذیریم حسادت و بی‌خردی و جهالت و بی‌سوادی و تعبیرات غلط از ایدئولوژی‌های خود در اساس، ریشه همه این مصائب بوده و هست. چرا که هیچ دین و مرامی بر ضد پیروان خود و یا بر ضد انسان دیگری که با عقاید خود زندگی می‌کند، عمل نمی‌نماید. مگر مکاتبی که با قدرت و استبداد برای این که توده‌های مردم را تحت سلطه و فرمان خود نگاه دارد هر ستمی را به هر بهانه‌ای بر ملت خود روا می‌دارد، هر چند که به محرومیت و رنج‌های بی‌شمار و در نتیجه عقب‌ماندگی جامعه خود بیانجامد.

در واقع اگر پذیرفته شود که بیماری واگیردار تعصب دامن مردم بعضی جوامع را گرفته، باید نحوه تفکر و عمل این افراد بررسی و مشخص گردد در ذهن این افراد چه می‌گذرد که به آنان اجازه می‌دهد آنچه به خود نمی‌پسندند در حق هم‌نوعان‌شان روا نمایند. یکی از روان‌شناسان معروف به نام آلپورت برای افراد متعصب واژه قطبی شدن را در روان‌شناسی شخصیت خود به کار برده است و می‌گوید:

شخصیت درونی فرد ساختاری است که مثل هر ساختار دیگری دو قطبی است. این دو قطب در عمیق‌ترین بخش هسته عاطفی شروع به ابراز می‌کند. آن دو عبارت‌اند از یکی قطب پوشش نخستین ایثاری و دیگری قطب پوشش نخستین احرازی اولی معرف ایثار نفس است همگام با جمع



روند توقیف اموال در کانادا چگونه است؟



توقیف اموال

در مقاله پیشین به توقیف اموال، فرایند آن و انواع آن به طور مفصل اشاره گردید و خاطرنشان شد که توقیف اموال بدین معناست که اگر شما قادر به بازپرداخت بدهی خود نیستید، طلبکار شما ممکن است از دادگاه درخواست کند تا شما را مجبور به پرداخت مبلغ بدهی کند. برخی از این اموال غیر قابل توقیف هستند و همچنین پس از دریافت اخطاریه توقیف مهلت اعتراض به توقیف وجود دارد که در این مقاله به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

اموال غیر قابل توقیف

این مسئله حایز اهمیت است که بدانید برخی اموال و درآمد شما حفاظت شده هستند و غیر قابل توقیف در نظر گرفته می‌شوند.

درآمد محافظت شده در برابر توقیف:

- به‌طور کلی، درآمدهای زیر غیر قابل توقیف است:
 ۱. مبالغ دریافتی به‌عنوان نفقه کودک؛
 ۲. سهم کارفرما در طرح بازنشستگی، بیمه یا تأمین اجتماعی؛
 ۳. پرداخت‌های حمایتی که توسط خیرین صورت می‌گیرد؛
 ۴. مبالغ دریافتی به‌عنوان غرامت برای هزینه‌ها و خسارات وارده در نتیجه صدمات جسمی یا روحی؛
 ۵. ارزش مواد غذایی و محل اقامتی که کارفرما در طول سفر کاری تهیه یا پرداخت می‌کند؛
- این درآمدها از توقیف مستثنی هستند. در رابطه با برنامه‌های دولت، چندین استثنا و موارد خاص وجود دارد. به همین دلیل بهتر است با اداره دولتی یا ارگان مربوطه مشورت کنید. در پایان، بخشی از درآمد ناخالص شما در برابر مصادره محافظت می‌شود.

اموال منقول غیر قابل تصرف

به‌طور کلی اموال زیر در حین توقیف اموال منقول شما محفوظ است و قابل توقیف نیست:

۱. غذا، سوخت و لباس مورد نیاز برای زندگی شما

و خانواده‌تان؛

۲. اثاثیه موجود در محل سکونت اصلی شما که برای زندگی روزمره خانواده شما لازم است و هرگونه وسایل شخصی که انتخاب می‌کنید نگره دارید تا ارزش ۷۰۰۰ دلار؛

۳. ابزار کار مورد نیاز برای انجام حرفه شما؛

۴. اشیای مورد نیاز برای کاهش ناتوانی یا مراقبت بیماری یکی از اعضای خانواده؛

۵. حیوانات خانگی؛

۶. مدال‌ها و سایر تزیینات مشابه؛

۷. اشیای قابل استفاده برای عبادت خانواده.

توقیف محل سکونت اصلی بدهکار:

به‌طور کلی، اگر کمتر از ۲۰۰۰۰ دلار بدهی دارید، طلبکار شما نمی‌تواند اقامتگاه اصلی شما را تصرف کند.

اعتراض به توقیف

شما به‌عنوان بدهکار می‌توانید به توقیف یا فروش اموال خود اعتراض کنید. به‌طور کلی، شما می‌توانید مخالفت خود را برای ابطال توقیف ثبت کنید و برای حفظ بخشی از اموال خود در برابر توقیف یا حفظ حق استرداد مال، اعتراض کنید. شما بر مبنای دلایل زیر می‌توانید با توقیف اموالتان مخالفت کنید:

۱. روند دادرسی منجر به آسیب جدی می‌شود؛
 ۲. اموال از توقیف مستثنی شده است؛
 ۳. بدهی از بین رفته است؛
 ۴. قیمت فروش پیشنهادی از نظر تجاری منطقی نیست؛
- هنگامی که مخالفت شما اعلام شد، توقیف تا زمانی که دادگاه در مورد پرونده شما رأی ندهد متوقف می‌شود. باین‌حال، مخالفت با توقیف درآمد فقط در توزیع مبالغ ضبط شده باقی می‌ماند. مخالفت با توقیف توسط افراد دیگر:

افراد دیگری علاوه بر بدهکار، ممکن است با توقیف یا فروش پیشنهادی اموال شما مخالفت کنند. برای مثال، اگر خودرویی را اجاره کرده باشید، موجر به‌عنوان مالک واقعی وسیله نقلیه

ممکن است با توقیف مخالفت کند.

طلبکاران شما همچنین می‌توانند با فروش پیشنهادی ملک شما مخالفت کنند، در صورتی که قیمت فروش از نظر تجاری منطقی نباشد.

محدودیت زمانی برای اطلاع‌رسانی به مخالفان

شما ۱۵ روز فرصت دارید تا مخالفت خود را از تاریخ ابلاغ صورت جلسه توقیف، اخطار فروش یا توقیف اموال در دست شخص ثالث اعلام کنید. اعتراضی که پس از مهلت ۱۵ روزه اما قبل از شروع فروش اعلام شده است، نمی‌تواند فروش را متوقف کند مگر در مواردی که شما به دادگاه دلیل کافی نشان دهید. برای اعلام مخالفت خود با توقیف اموالتان، بایستی فرم مخالفت خود را با توقیف یا فروش تکمیل نمایید.

پیشنهاد می‌شود که به‌محض دریافت اطلاعیه توقیف، حتماً از راهنمایی‌های وکیل برای اطلاعات کافی از اموال غیر قابل توقیف و همچنین چگونگی مخالفت با توقیف طی مهلت زمان قانونی کمک بگیرید و حتی‌المقدور اطلاعات کاملی از مشاور حقوقی خود جویا شوید.

توضیح: متن فوق اطلاعات عمومی در خصوص موضوع مقاله است و در صورت بروز مشکل حقوقی، خواننده می‌بایست از وکیل خود، مشاوره حقوقی دریافت نماید. نگارنده مقاله و مجله «هفته» هیچ مسئولیتی در مورد ابعاد حقوقی این متن نخواهند داشت.

برای اطلاعات بیشتر یا برقراری ارتباط می‌توانید به وبسایت دفتر حقوقی Riahi Legal مراجعه و سؤالات خویش را از وکیل دادگستری کبک، خانم نیوشا ریاحی بپرسید.

“
الهام گرامی،
دکترای روانشناسی
”



چرا آموزش مهارت‌های زندگی لازم است؟



تأثیر مهارت‌های زندگی:
کاهش سوء مصرف مواد مخدر
استفاده از هوش، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فرد
پیشگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز
افزایش اعتماد به نفس و خود ارزشمندی
قدرت سازگاری، رفتار مثبت و کارآمد
پذیرش مسئولیت‌ها و مشکلات مربوط به زندگی
شخصی
رویارویی با چالش‌ها و مشکلات زندگی روزانه و
حل کارآمد آن‌ها
به‌طور کلی رمز موفقیت در مهارت‌ها دانستن یا
کسب دانش و به‌کارگیری یا تمرین هر چه بیشتر
در زندگی روزمره می‌باشد.
فراموش نکنید که سه اصل آگاهی، مهارت و تسلط
در مهارت‌های زندگی بسیار مهم و به‌کارگیری
آن‌ها الزامی است.

ده مهارت اصلی زندگی عبارت‌اند از:
مهارت خودآگاهی
مهارت همدلی
مهارت ارتباط مؤثر
مهارت روابط بین فردی
مهارت تصمیم‌گیری
مهارت حل مسئله
مهارت تفکر خلاق
مهارت تفکر نقاد
مهارت مقابله با هیجانات منفی
مهارت مقابله با استرس

درباره نویسنده
الهام گرامی دکترای روانشناسی، مشاور و
مدرس مهارت‌های زندگی در حوزه کودک،
نوجوان و خانواده است.

مختلف، مهارت‌های حل مسئله، مهارت جرات
ورزی، مهارت کنترل خشم و استرس و مهارت
تصمیم‌گیری می‌باشد.
آموزش مهارت‌های زندگی با ارائه راه‌حل‌های
خلاق و مؤثر، فرد را برای مقابله با مشکلات آماده
کرده و در نهایت می‌آموزد که هر فرد چگونه
می‌تواند آموزگار زندگی خود باشد. در این شیوه،
ما به‌جز پرداختن به ریشه‌های مشکلات در زندگی،
به راه‌حل‌های درست آن‌ها نیز می‌اندیشیم.
مهارت‌های زندگی یک شیوه درمانی نیست، بلکه
شیوه عملی و مبتنی بر اهداف است که از طریق
آموزش و تجربه قابل استفاده است و فرایندی
است که موجب ثبات در شخصیت و عمق در
هویت شده و به توسعه فرهنگ فردی و رضایت و
موفقیت در زندگی منجر می‌شود.
دانستن این نکته ضروری است که مهارت با
دانایی و دانش تفاوت دارد. به طور مثال: خطاطی
مهارتی است که اگر فقط دانش آن را داشته باشیم
نمی‌توانیم خطاط خوبی باشیم، بلکه باید تمرین
مستمر وجود داشته باشد و با تمرین و تکرار و
پیوستگی به مهارت خطاطی دست پیدا خواهیم
کرد. مهارت‌های اجتماعی هم بدین منوال است.
دانستن این مهارت‌ها به تنهایی کافی نیست، بلکه
با تمرین مستمر و به‌کارگیری مداوم این مهارت‌ها
در زندگی، آن‌ها را درونی کرده و می‌توانیم در
شرایط مختلف زندگی از آن‌ها استفاده کنیم.
کسب مهارت‌های زندگی، احساس فرد را نسبت
به خود و دیگران تحت تأثیر قرار داده و نگرش
دیگران نسبت به فرد را نیز عوض می‌کند. به
همین خاطر این مهارت‌ها هم زندگی فردی
شخص و هم زندگی اجتماعی او را تغییر داده و در
نهایت بهداشت روان فرد را دوچندان خواهد کرد.

زندگی صنعتی امروزه و تغییرات سریعی که
در جوامع از نقطه نظرهای فرهنگی، اقتصادی و
اجتماعی رخ داده و نیز تغییرات اساسی در ساختار
خانواده‌ها، همچنین بالا رفتن سطح توقعات، وجود
استرس‌ها و چالش‌های متعدد و گستردگی اطلاعات
و پیچیدگی ارتباطات که به‌نوعی عصر دیجیتال
نامیده می‌شود، انسان‌ها را از نظر روحی، روانی فکری
و جسمی تحت تأثیر قرار داده و باعث شده که توانایی
افراد تحت الشعاع قرار گرفته و در برابر مشکلات و
چالش‌های زندگی سردرگم شده، گاهی اشتباه عمل
کرده و از راهکارهای ناکارآمد استفاده کنند.
از یک طرف وجود این استرس‌ها و مشکلات روزمره
و از طرف دیگر فقدان آموزش کافی برای کسب
مهارت و توانمندی‌های لازم در مواجهه با مسائل،
افراد را آسیب‌پذیرتر کرده و باعث افزایش انواع
اختلالات روانی و رفتاری در جامعه شده است.
به دلیل پیچیده‌تر شدن زندگی و ناتوان‌تر
شدن انسان‌ها در برابر چالش‌های زندگی و عدم
مهارت لازم برای مقابله کارآمد با این چالش‌ها،
توصیه‌هایی جدی برای شروع آموزش مهارت‌های
زندگی و رشد و ارتقاء هوش هیجانی از طرف
سازمان‌های دولتی انجام شده است.
مهارت‌های زندگی توانایی‌هایی هستند که به
ما کمک می‌کنند تا در موقعیت‌های مختلف و
استرس‌زا، عاقلانه و صحیح رفتار کنیم، به‌طوری‌که
در کنار مشکلات و مسائل زندگی، آرامش خود
را حفظ کرده، از زندگی لذت برده و در عین حال با
دیگران ارتباطی سازنده و مفید برقرار کنیم و بدون
توسل به خشونت بتوانیم مسائل پیش‌آمده را بررسی
و حل کرده و ضمن کسب موفقیت در زندگی،
احساس شادمانی و آرامش بیشتری داشته باشیم.
این مهارت‌ها شامل برقراری ارتباط مؤثر با
دیگران، قابلیت بیان احساسات در موقعیت‌های

JACK VICTOR
 1290 Saint Alexandre, Montreal, H3B 3H6
 HR@jackvictor.com 514-866-4891
 Nous Embauchons

توجه شرکت جک ویکتور،
 تولید کننده اصلی لباس های مردانه
استخدام می کند:

- درآمد خوب
- امتیازات و شرایط عالی کاری
- دائمی، تمام وقت و یا پاره وقت
- محل کار در مرکز شهر مونترال

ما نیاز داریم:

- تجربه کاری جزئی
- لیسانس
- برای دوره دستگاه ترنس
- برای دوره دستگاه حفاظتی
- تجربه کاری ضروری نیست

استاد شیدا قره چه داغی
اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
 جهت آماده شدن برای امتحان های
 دانشکده ها یا مدارس عالی
 موسیقی و کنسرت

514 484 8748
sheida.g@hotmail.com

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

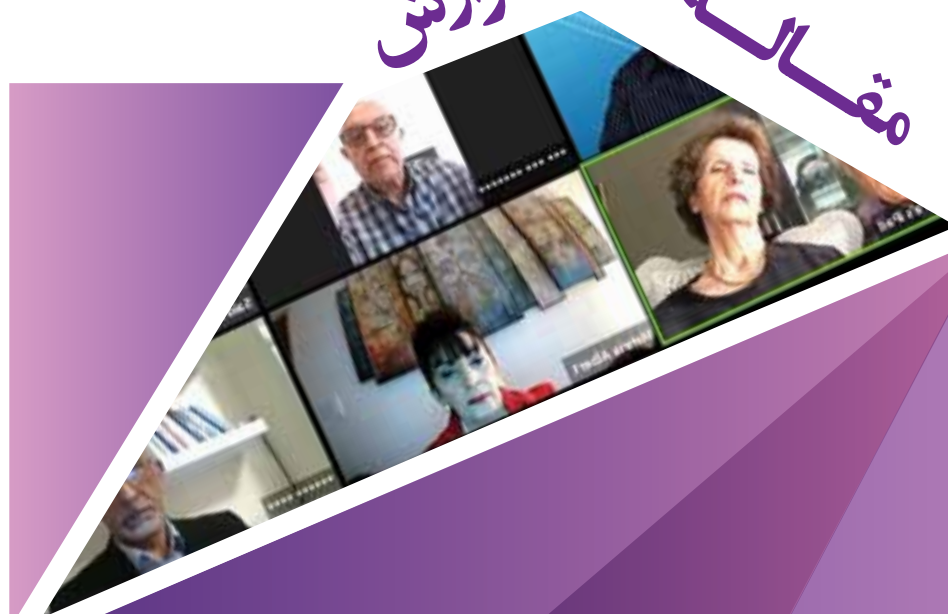
ابتدایی
 مقدماتی
 ردیف

saberjililzadeh@yahoo.ca **514-549-4697**

گزارش

مقاله

آریانا





یادی از بدخشان در افشان در نوای نیستان

بدخشان سخ‌های فراوانی گفته شده و من از میان شخصیت‌های بدخشان درباره ابوالمعانی بیدل صحبت می‌کنم و آنانی که در تاریخ مطالعه دارند بیدل را از بدخشان می‌گویند و به اساس گفتار تذکره‌نویسان پیدایش بیدل در بدخشان شده و از سوی دیگر اگر آثار ابوالمعانی بیدل را مطالعه کنید؛ در دیوانش اصطلاحات مردم بدخشان به وضاحت دیده می‌شود و تحقیقاتی را که من از آثار بیدل انجام دادم اصطلاحات فراوان مردم بدخشان را پیدا کردم.» آقای رفیع افزود: «بیدل در افغانستان سفرها داشته و بیشتر در بدخشان بوده و قاشقر را دوست داشته و به خوست و فرنگ علاقه‌مند بود.» از آنجا که می‌گوید:

«ز بسکه نسخه تحقیق ما پریشان‌یست

نظر به قاشقر و دل به خوست می‌باشد.»

این ابیات بطور ناگهانی صورت نگرفته و این خود دل‌بندی بیدل را نشان می‌دهد به بدخشان و زادگاهش که از کجا نشأت کرده است و یا می‌گوید:

«جان‌کندن عقیق از هوس لعل تو لیکن

دور است بدخشان ز تلاشی مدیح‌ها»

و یا در بیت دیگرش:

«خورشید در صد سال اگر لعل آورد بیرون

بدخشان‌ها به یک دم بشگفاند جوهر تیغ اش.»

مهریه البرت یکی دیگر از اشتراک‌کنندگان؛ مخفی بدخشی شاعر نامدار بدخشان را به معرفی گرفت و گفت: «مخفی بدخشی معلومات و دانش عمومی را بصورت مخفی از سیاسیون وقت نزد خانواده‌اش فرا گرفت و مخفی بیشتر اشعارش را در محله قره قوزی که همانجا زیست می‌کرد سروده است و بیشتر عمرش را در دوره تبعید سیاسی در قندهار و کابل سپری کرد. مخفی در جوانی عاشق پسر کاکایش گردید و هر دو عاشق هم بودند و پسر کاکایش از روی شرم و حیا از اظهار محبت خودداری کرد و همین که مخفی اطلاع حاصل کرد که پسر کاکایش جهان فانی را وداع گفته مخفی

چه انسان‌های روی زمین در هر جایی که هستند هنرمندند و این‌ها هم هنری داشتند خوبترین هنر این‌ها این بود که از غنای طبیعت استفاده می‌کردند و از لاجورد این دره رنگ ساختند و با گل ملایم دامنه‌های زیبایی پیاپی ساختند و پیاپی را آتش دادند و با رنگ لاجورد رنگ کردند که این پیاپی‌ها در مصر یافت شد و به صراحت می‌گفتند که این پیاپی‌ها از بدخشان آمده تا به فرعون رسیده است. زیرا در آلمان رنگ لاجوردی فقط در بدخشان بوده و در هیچ جای دیگر یافت نمی‌شد. این ظروف بیشتر از قشقاری بوده و با ساز دمساز بوده و این‌ها در دوتار آله موسیقی یک تار دیگر اضافه کرده و سه تار بوجود آمد و امروز انکشاف یافته که ایجاد آن در بدخشان صورت گرفته و امیر خسرو در اشعارش در این باره یادها کرده است و قرار گفته احمد علی کهزاد در یکی از کتاب‌های تاریخی‌اش سوراخ‌ها و مغاره‌ها را سموچ نامیده و گفته که در این سموچ‌ها مردم بسیار قدیم بدخشان زندگی کرده‌اند. همچنان آقای کمال سعید افزود: «از برکت مردم بلخ و بخار بدخشانی‌ها به خط‌نویسی آشنا شدند و از نای‌ها کنار دریاچه، نای ساختند و نای نگاری کردند.»

سمیع رفیع شاعر و آگاه ادبی یکی دیگر از اشتراک‌کنندگان این برنامه درباره ادبیات بدخشان سخنرانی کرد و گفت: «بدخشان سرزمین مهد فرهنگ، ادبیات و عشق و عرفان است. درباره

انجمن ادبی نوای نیستان یکبار دیگر در پروگرام زوم برنامه‌ای ادبی را تحت نام «یادی از بدخشان» برپا کرد. حسیب الله فضل، مجری و تهیه‌کننده این برنامه در ابتدا به مهمانان خوش آمدید گفت و افزود: «بدخشان که در اشعار شعرای فارسی زبان همواره از آن یادها شده گهواره اشخاص منور افغانستان است و طبیعت زیبای او محو‌کننده یادهای شعرا بوده است.»

داکتر کمال سعید در باره گذشته‌های دور بدخشان سخنرانی کرد و گفت: «بدخشان تاریخ درخشان دارد. بدخشانی‌ها از زمان مغاره نشینی تا به اصل هنرمندی تاریخ طولانی دارند. کسانی که در مغاره‌ها زندگی داشتند از خود یادگارهای به جا گذاشته‌اند. یک باستان‌شناس ایتالیایی تحقیق کرده و گفته که مردم از هزاران سال مغاره‌نشین بودند و بعد از مغاره‌ها بیرون شدند و در میدالیت زندگی کردند و بدخشانی‌ها هم که در کوه‌های زیقانی مغاره‌نشین بودند افزار و آثاری بجا مانده‌از آن‌ها یافت شده که قدیمی‌ترین آن استخوان‌های حیوانات بود و مغاره‌نشین‌ها در شروع برای دفاع و شکار از آن کار می‌گرفتند و وقتی مردم مغاره‌نشین را ترک کردند و زندگی در میان سنگ پاره‌ها را آغاز کردند یعنی در میدالیت بوده و تحقیقات نشان می‌دهد که این مغاره‌نشین بیشتر در قسمت غربی این دره بوده است. در جزییات مواد بدست آمده از مردم مغاره‌نشین بدخشان هنرهای دیده شده



گفت: «از آنکه مسایل و تحقیقات عمیق در باره بدخشان مورد بحث قرار گرفت و من هم درباره شخصی که عاشقانه زیست و عاشقانه از این دنیا رفت آقای منور بیک روشن متولد شغنان بدخشان یکی از شخصیت‌ها و هم نفسان کاروان روشنی و روشنگری حلقه ادبی نوای نیستان که همواره در محافل ما از او یادها می‌شود یادآور شوم.»

او به یاد از شاعر شیرین کلام و صمیمی و عاشق و شایق فرهنگ و ادب و موسیقی «منور بیک» دو سروده از منظومه‌های او را بخوانش گرفت که یکی از اشعار منور بیک این بود:

«ای دل بیا که باز بدخشانم آرزوست

دیدار دوستان و عزیزانم آرزوست

از صد درد نصیب من بی‌وطن شود

درد وطن به جان زده در مانم آرزوست

سیر از فضای باز کنم تا فضای کشم

توت و گیلاس دره کشاکش آرزوست

دیدن ز جرم و بارک او تازه روح کند

آب زلال دره کشاکش آرزوست

بهر طواف مرقد شاه ناصر حکیم

رفتن ز راخ خاش به یمگانم آرزوست

از رنگ لاجورد تو شد لاله‌ی فضا

زان رو خیال دیدن منجانم آرزوست

زیبا گفته‌اند و چه زیباست منظرش

قیماق و شیر کیده و خلکانم آرزوست

سلطان سرزمین بدخشان کشاکش است

آهو شکار دره غرانم آرزوست»

آقای عنایت بارک در ختم برنامه درباره پروگرام‌های بعدی نوای نیستان معلومات داد و گفت که پروژه نای نویسان که چاپ دوباره کتب تاریخی و معتبر است تایپ کتاب‌ها تقریباً تمام شده و این کتابها عنقریب به چاپ خواهند رسید.

کنم آن این که بدخشان نخستین زاده اسطوره‌ی آریایی‌هاست.

همواره نخستین زاده اسطوره‌های آریایی بنام فریدون مطرح است که در کتاب اوستا بنام ورین یاد کرده‌اند و در کتاب وردیش هم یاد شده زادگاه فریدون را به جایگاهی دیگر برده‌اند و اما این است که زادگاه فریدون ورینه همان بدخشان است و دانشمندان و شرق‌شناسان گفته‌اند که ورینه در گیلان قرار دارد و در نزدیکی گیلان قریه‌ای است بنام ورک. به نظر من این دلایل خیلی‌ها ضعیف است و تاکید من اینست که ورینه بنام چهار ضلع است و ما در بدخشان در نقشه طبیعی جایی داریم بنام بهارک که کاملاً چهار گوشه است و در پهلوی آن در بهارک یک دریا از جنوب و یک دریا از شمال می‌آید و یک دریا از زردیو و در یک نقطه تلاشی شده و دریای را بنام کوکچه می‌سازند. «آقای خوش نظر پامیرزاد در جریان سخنرانی‌اش دلایلی را بیان کرد و گفت که بدخشان واقعاً نخستین جایگاه اسطوره‌ی آریایی‌ها است.

حسب الله فضل زمزمه دیگری را از این شعر رحمت بدخشی شاعر با قریحه به اشتراک گذاشت:

«رسیده جان به لب من ترا ندیده ندیده

توگر نیایی بتا جان دهم تپیده تپیده

شنیده وصف خم ابرو ز تو در افلاک

هلال عید زشمرت رود خمیده خمیده

نیامدی و ز شب تا سحر دل محزون

نشست آه فلک سوز را کشیده کشیده»

حمیرا جباری در باره ناصر خسرو یکی از شعرای فارسی زبان که ارتباطی با بدخشان دارد معلومات داد و گفت که این شاعر گرانقدر در آخرین روزهای زندگی‌اش به بدخشان می‌رود و در یمگان می‌ماند.

بخت بیک میرزا زاده یکی دیگر از سخنوران این برنامه در باره بدخشان چنین سخنرانی کرد و

سیاه‌پوش شد و هرگز عروسی نکرد.
خانم البرت این شعر مخفی را بخوانش گرفت:
«خط آمد بر رختای سیمین تن آهسته آهسته
بیرون شد سبزه‌ات گرد چمن آهسته آهسته
بین‌ای باغبان گل کرد آن حرفی که وی میگفت
نسیم صبح درپوش چمن آهسته آهسته»

حسب فضل همچنان یک پارچه شعر از مخفی بدخشی را با نوای موسیقی آمیخت و زمزمه کرد. آقای دستگیر نایل شاعر و آگاه ادبی درباره بدخشان سخنرانی کرد و گفت: «در بدخشان زیبایی زیادی دارد و مردمان عالم، شاعر و فیلسوف را در خود جا داده است. کوه‌های بدخشان مظهر گنج زمرد و یاقوت و طلاست. سینه‌های فراغ بدخشان گوهرهای با ارزش دارد که متاسفانه مردم در این سال‌ها بصورت غیر قانونی آنرا به یغما بردند و بدخشان با وجود داشته‌های فراوان در طول تاریخ به دست فراموشی حاکمان قرار گرفت.»

آقای نایل اشعار شعرای فارسی‌زبان را که در وصف بدخشان سروده‌اند را بخوانش گرفت و در ضمن یکی از خاطرات خود را از مردم بدخشان بیان کرد و گفت: «در سال ۱۳۶۰ در حالی که قانون ارگان‌های محلی نافذ گردید اما در بدخشان والی آن از شکرده انتخاب شد و مردم بدخشان از او به تنگ آمدند و شکایت کردند و بالاخره رئیس‌جمهور آن وقت مردم بدخشان را خواست و از نام آوران بدخشان نام برد. یکی از موسفیدان به رئیس‌جمهور گفت پس بدخشان که اینقدر افراد با دانش و با رسوخ دارد یک فرد از خود بدخشان نیافتید تا او را به صفت والی مقرر می‌کردید؟ و همین بود که رئیس‌جمهور به شکایت مردم رسیدگی کرد و والی بدخشان را از خود مردم آن تعیین کرد.»

خوش نظر پامیرزاد که خود اهل بدخشان است نیز در این برنامه به سخنرانی دعوت شد و گفت: «در مورد بدخشان دائماً از نگاه ارزش‌های معنوی که در ادبیات و شعر است مطرح و بیان شده اما من می‌خواهم درباره مقام تاریخی بدخشان یاد

پیوندهای گسسته

بخش ۲ و پایانی

غم بزرگی به دل زینت هجوم آورد، باورش نمی شد که حینا مثل زنان دیگر با علی برخورد کرده باشد، فقط یک لقب به آن ها می داد، مطلقه.

و اما، وقتی با چهره رنگ پریده و خیلی افسرده حینا مواجه می شد. به یاد روزهای تلخ و سنگینی که شانه های خودش را خم کرده بود می افتاد. زن تنها و زیر بار طعن و لعن و کوله بار سنگین لفظ و برداشت اجتماعی... یادش آمد که بعد از خودکشی دختر مطلقه ای همسایه ای درب پهلوی شان او نیز مرگ را هوس کرده بود.

حینا گیلان چای سبز و گرم را به دست خاله زینت داده گفت: حرف های پرشاخ و برگ علی خیلی اذیتم کرد. نمی دانم، شاید من هم زیاده روی کرده باشم ولی او... زینت میان حرفش دویده گفت:

جان خاله! بیش از حد احساسات به خرج داده اید. از قدیم گفته اند؛ جنگ زن و شوهر مانند غسل سگ و پشک است؛ هر قدر تر شوند با یک تکان تمام آب از تنش می ریزد. تو هم نباید، پشت آب رفته بیل برمی داشتی. حالا دوباره از سر تقصیر هم دیگر بگذرید و به این اطفال معصوم که به هر دوی تان اشد ضرورت دارند، دل بسوزانید؟ حینا که کامش تلخ بود و تنهائی حوصله اش را گرفته بود گفت: فکر نمی کنم، علی دوست دخترش را رها نماید و متوجه نشدی اینجا دیدنش آمده بود؟ زینت با باورمندی کامل به حینا اطمینان داده گفت:

حرف و تصامیم مردان پشت منظر ندارد. فقط هنگام خشم جوش می آورند و وقتی صبور زنده بیهو رهایم کرد، ذره ذره بی حرمتی هایش بدنم را می درید ولی او که می دید گویی هیچ حادثه ای رخ نداده بود. حینا پوزخندی زده گفت: چی فرق می کند؟ با طفل کوچک رهایت کرد و به شرط زن دیگر: «یا من یا زنت» احترام نمود و تو را...

راست می گویی، مردان خنجر می زنند، پانسمان و تحمل دردش با زنان... خاله جان، من هم متوجه اشتباهات خود شده ام، ولی علی بسیار زیاده روی کرد و باز چقدر پرور، کینه دل و مغرور هم است. خاله زینت دل جویمان گفت: هرکس انعکاس دهنده ای تربیت و طبیعت خویش است. لطفاً تو گذشت کن و طولانی اش نساز.

علی جان! من در مورد پیوند دوباره ای تو و حینا

فکرهای کرده ام، علی زبان به شکایت گشود: حینا مرا یک بار توسط پولیس بیرون انداخته دیگر نمی توانم بر او اعتماد داشته باشم. زینت به شتاب گفت:

علی بچیم، مار هر قدر کج برود، در خانه ای خود راست می رود. سعی نکن که سر من کلاه بگذاری. تو هم بیکار ننشسته ای. روح وطن او را زخم زدی و برای خود رفیق هم دست و پا کردی... من آن گرگ باران دیده هستم که می فهمم که کدام ابر آستن باران است. باز ما و شما گپ های خود را زده ایم. نمی خواهم دیالوگ تکراری بشنوم. طلاق پیامدهای خیلی مخرب و ناگوار دارد. تصور کن؛ هرگاه شما تصمیم به ازدواج مجدد بگیرید، سرنوشت دختر و پسر معصومان به کجا می انجامد؟ از پدر اندر یا مادر اندر که هیچ رابطه خونی با آن ها نمی داشته باشند چه توقعی دارید؟ ما شاهد میلیون ها حادثه ای هستیم که یوسف وار به چاه افکنده شده و حتی تاریخ بشر از چاه انداختن ها چشم دیدهای تلخ تر و بدتری هم در سینه دارد. علی با قیافه ای درهم و برهم زهر خندی زده گفت:

خاله جان! بدون این گپ ها، دختر و پسر بعد از سیزده سالگی خودمختار می شوند؛ یعنی مقصدم این است که هریک به دنیا خود غرق می شود. خاله زینت که وخامت موضوع را درک می کرد، آه کشیده گفت: انداختن آن ها در جنگل زندگی آن هم در سن خورد، توقع دارید، دست غیبی بیرون آید و کاری بکنند؟ علی بار دیگر با تمسخر گفت:

هر چی فکر می کنید بکنید، اینجا همین طور است. هرکس پی سرنوشت خود می رود. زینت آهی طولانی کشیده گفت:

احوال دل غم زده را غم زده داند. سال هاست بار توهین توبیخ و هزاران سرکوفت دیگر شانه های مرا ذله ساخته است، تکرار اشتباه گناه است.

صبور در قندهار عاشق چشم و ابروی زنی شد که برای گرفتن اش شرط مانده بود. شما مردها را خدا بهتر می شناسد، عادت دارید که شکار را به هر نیرنگی شده به دست آرید، بعد از سیر شدن به بسیار سادگی دورش اندازید. شلگی صبور و خواستگاری تو از حینا مثل دیروز یادم است. باور می کنی، یاد اوراق طلاق تنم را می لرزاند. برای هیچ کدامتان رو نمی گذارد. سخت است. تا سر آدم به سنگ نخورد از

جمیله هاشمی

کوه و سنگلاخ نمی ترسد. علی که رنگش پریده بود و تأثر از سر رویش می یارید. پرسید: بالاخره با آن زن ازدواج کرد و یا... بلی. ازدواج کرد و بعد از شش ماه زن از شاخ او پریده پرشاخ رئیس ستره محکمه نشست و صبور را چون پر کاهی از زندگی اش بیرون انداخت. صبور با دست خالی از قندهار برگشت. از من خواست که حلاله کنیم. علی متعجب شده خودش را به چوکی جابه جا نمود و پرسید:

عجیب است. حلاله چیست؟ در وطن ما خو رواج نبود. زینت که رنگ به رخ نداشت و دست هایش را به هم می مالید، آه طولانی کشیده گفت: همین که اسلام طلاق را یکی از اوامر مردود دانسته، جبرانش هم آسان نیست. پس منظر سخت تر و دردناک تر دارد. خدا شرط مانده، هرگاه زنان را طلاق به این دادید و پشیمان شده می خواهد دوباره برگردید، روا نیست. باید زن به مرد دیگری ازدواج نموده با وی هم بستر شود. بعد از آن که او شوهر دومی زن را طلاق داد، می توانید برگردید و دوباره با او ازدواج نمایید. علی که کاملاً شوکه شده بود پرسید:

خاله جان! میان من و حینا باید... زینت گره به پیشانی زده گفت؛ طلاق به این... شدت طوفان در و پنجره را محکم به هم می زد و تعمیر تکان می خورد. علی از جایش برخاست. پنجره ها را بست بخاری را چک کرد. صدای زنگ تیلیفون چرت زینت را نیز مختل نمود. علی به شتاب گوشی را برداشت، پاهایش سستی کرد و بر زمین نشست. زینت وارخطا شده پرسید:

کی بود... چه گپ شده... لطفاً... علی با صدای آرام گفت: اکسیدن. چی اکسیدنی؟ وای خدایا... حینا و اولاد زنده هستند. یا؟ نمی دانم. زینت که خیلی دست پاچه شده بود. به گریه شد، میان حق و گریه گفت:

زود شو که برویم و از نزدیک احوالشان را بگیریم. وقتی به محل حادثه رسیدند؛ تراکتور یک یک جنازه ها را از بین آب بیرون می کشید. علی در حالی که رنگ به رخ نداشت، ناله کنان می گفت: ای کاش آن ها را تنها نمی گذاشتیم. زینت با نگاه غضب آلود و سرزنش آمیز طرفاش می دید و هیچی نمی گفت. / پایان

SOROOR SADR

سرور صدر

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
WITH APPOINTMENT
Gestion Financière Loyale
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

VANTAGE

آتوسا تنگستانی فر

همراه با شما در خرید آگاهانه

همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosatfar@gmail.com

8250boul. De'carie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5



خاطره تحویل داری یکتا

مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths

در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
khaterehyekta@yahoo.ca

الهام گرامی

دکترای روانشناسی

از دانشگاه کبک



- مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان
- مشاوره خانواده و زوج
- مدرس مهارت های زندگی، مهارت های فرزند پروری
- مدرس مهارت های زناشویی

(514) 431 2826

Consultant & Life Coach

عضو انجمن مشاورین و روانشناسان کانادا
تأیید مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران
(تعداد نظام روانشناسی ۳۳۳۷)

**FAMOUS ASTROLOGER,
PSYCHIC, PALMIST
AND FORTUNE TELLER**

514 - 458 - 9599

فال گیری و کف پینی

PALM READING, FACE READING, HOROSCOPE



ALL RELIGIONS WELCOME

If you have any problems, meet me once and get solutions permanent.

MASTER: GURUNANDHA

SOLUTIONS FOR:

- LOVE, MARRIAGE
- HUSBAND WIFE PROBLEMS
- DEPRESSION PROBLEMS
- ADOLESCENCE
- JOB, MONEY & ANY TYPE OF PERSONAL PROBLEMS

The Master is an expert in removing of Black Magic, Evil Spirits, Witchcraft, Bhut, Negative Energy, Obeyah & gives 100% lifetime Protection.



PRIVATE & CONFIDENTIAL

I am Born to Serve People

4040 ST LAURENT BLVD, MONTREAL, QC H2W1Y8

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری

با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس



Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate



Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>
info@elanaccounting.ca

سرگرمی

آرشیوی

خانواده



1				6	4			5
	4	8		9	5	2		6
5		2						9
	1		9	4				
		4		8		9		
				5	7		6	
	5					1		7
4		1	5	3		6	2	
9			4	7				3

▲ نرمال

	1	5				6		
					8			
2		9	3		1	4		
1	3		6					4
			1	3	9			
	8			4		1	2	
		4	7		5	1		6
			9					
		1				7	3	

▲ متوسط

	4			8		1	2	
			1			3		
3		5	2				7	
9	6							4
		4				8		
8							5	7
	2				9	6		3
		6			8			
	8	3		1			4	

▲ سخت

1				5				9
		6	8					7
		5						1
5			9					8
8			5	4				1
	2			7				4
	3					4		
	1			9	5			
7			4					2

▲ خیلی سخت

مهسا عباس پور



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

کیک پرتقالی



«کیک پرتقالی» یکی از کیک‌های خوشمزه و خوش طعم است که با شروع فصل این میوه آبدار پیشنهاد پخت آن به دوست‌داران مرکبات می‌شود. پرتقال میوه محبوب فصل سرما، سرشار از ویتامین C بوده و همچنین دستگاه ایمنی بدن را در برابر سرماخوردگی مقاوم می‌کند.

مواد لازم:

۱. تخم مرغ ۶ عدد
۲. روغن مایع ۱۰۰ گرم
۳. آرد ۳۲۰ گرم
۴. شکر ۲۰۰ گرم
۵. آب پرتقال طبیعی یک پیمانه
۶. وانیل یک قاشق چایخوری
۷. بیکنگ پودر ۲ قاشق چایخوری
۸. زست پرتقال ۲ قاشق چایخوری

طرز تهیه:

زرده و سفیده تخم مرغ را جدا کنید. سفیده را با دور تند همزن بزنید تا کاملاً فرم بگیرد و در یخچال بگذارید. زرده را به همراه وانیل و شکر با همزن بزنید تا کرمی و کشدار شود. سپس روغن مایع را به مواد اضافه کنید. آب پرتقال را در زمان استفاده گرفته و بدون پالپ به مواد اضافه کنید و هم بزنید. بیکنگ پودر و آرد را که قبل الک کرده‌اید را به همراه زست پرتقال به ملات کیک اضافه کرده و با لیسک آن را هم بزنید تا کاملاً یکدست شود. در نهایت سفیده تخم‌مرغ را داخل ملات کیک به آرامی و به صورت دورانی فولد کنید. قالب را با روغن پوشش داده و مواد کیک را درون آن بریزید و داخل فر از قبل گرم شده با دمای ۱۸۰ درجه سانتیگراد به مدت ۴۰ الی ۵۰ دقیقه بپزید. نوش جان؛

توضیح: خانه‌های جداول روبه‌رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۹ تا ۱۴ دسامبر / ۱۸ تا ۲۴ آذر

ترجمه:
خاطره تحویل داری یکتا



متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

این هفته برای متولدین فروردین، ماه جدید در بخشی از موقعیت شما شکل می گیرد که به شراکت های مالی با دیگران مربوط می شود. این شراکت شامل اموال مشترک، وسائل مشترک، بدهی های مشترک، ارثیه و مسئولیت های مشترک می باشد. حضور ماه جدید فرصت خوبی است برای آنکه ببندید چطور بدهی های خود را کمتر کرده و به بهترین توافق های مالی برسید. این فرصت برای شما استثنایی است.



متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

در نیمه هفته با چالش ها و سورپرایزهای غیرمنتظره ای از طرف اورانوس مواجه می شوید. در این زمان امکان رخداد حوادث برای فرزندان وجود دارد. باید بیشتر مراقب بوده و به ایمنی آن ها ببندید. امکان تغییرات در فعالیت های اجتماعی این هفته وجود دارد. ممکن است برخی از آن ها کنسل شده و برخی موارد جدید اضافه شوند. شاید به جایی دعوت شده و برای تفریح به محلی خاص بروید. اتفاقی غیرمنتظره شما را خوشحال می کند.



متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

ماه کامل این هفته، تنها ماه کامل در طول سال است که در مقابل موقعیت شما انجام می گیرد. این شرایط قطعی شده به شما امکان می دهد دریابید چطور می توان شراکت ها و ارتباطات را بهتر کرد. باوجود آنکه این ماه کامل یکبار در سال اتفاق می افتد، از اورانوس غیرقابل پیش بینی انرژی می گیرد و بدین ترتیب ایده هایی برای بهبود روابط و ارتباطات در ذهنتان ایجاد می شود. هر چه که اتفاق بیفتد به نفع شماست.



متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

این هفته انتظار رخداد غیرمنتظره ای را در شرایط یکنواخت خانه داشته باشید. این مسئله به یکی از والدین یا اعضای خانواده مربوط می شود. شاید کسی به طور ناگهانی جابه جا شده و یا با شما زندگی کند یا از شما جدا شود. این شرایط هارمونی خانواده را بر هم می زند. علاوه بر آن این هفته ممکن است اتفاق غیرمنتظره ای هم در مورد معاملات ملکی شما بیفتد. نتیجه آنکه در این هفته از این فرصت برخوردارید که موارد جدیدی را آغاز کرده و راه حل هایی بیابید.



متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)

این هفته ممکن است موضوع جالب و غیرقابل انتظاری دنیای شما را تکان دهد. هر اتفاقی که بیفتد در نتیجه آن متوجه می شوید که بیشتر باید مراقب سلامت خود باشید. شاید بخواهید کتاب زندگی را ورق زده و به صفحه ای دیگر بروید و در حقیقت بخواهید آنچه که به نفع شماست انجام شود. همین اثر باعث می شود شرایط کار خود را مرور کرده و مصمم شوید با کارایی بیشتر ادامه دهید. به طور کلی به دنبال بهبود شرایط هستید.



متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

متولدین شهریور عزیز، این هفته با سورپرایزهای بسیار مواجه می شوید. باید به هر چه که می گوید و انجام می دهید، توجه بسیار کنید. سعی کنید آرام بوده و همه چیز را آسان بگیرید. گوش به زنگ و مراقب باشید. قطعاً با افراد جدید ملاقات داشته و از مکان های جدید دیدن می کنید. یکنواختی ها تغییر کرده و در حقیقت زندگی روزمره شما دستخوش چالش ها، فرصت ها و تغییر مسیرهای غیرمنتظره ای می شود.



PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آلتیه
مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمتهای ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۵۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



این هفته باید بسیار محتاط باشید، زیرا از یک دوست یا عضوی از یک گروه سورپرایز غیرمنتظره‌ای خواهید داشت. شاید از شما بخواهند از عضویت در گروهی صرف‌نظر کرده و یا عضو گروهی شوید. هر چه که اتفاق بیفتد، تغییری در زندگی و یا اهداف آینده‌تان ایجاد می‌شود. اگر در رقابت با کسی هستید، ممکن است نتیجه به بحث و جدال بینجامد. فراموش نکنید کاری انجام ندهید که در نهایت خوش‌نامی شما را خدشه‌دار کند.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



این هفته برای شما از یکنواختی خبری نیست. خورشید، ماه جدید و مریخ پرشور در بالای موقعیت شما قرار دارند. در نیمه هفته انرژی فراوانی در چالش با حاکم شما، اورانوس قرار می‌گیرد. برای برخی از شما این بدان معناست که برای استقلال خود ایستادگی می‌کنید. شاید در مقابل رؤسا، والدین و افراد مقام دار بایستید و مسیر زندگی خود را تغییر دهید. خوشبختانه ونوس به شما کمک می‌کند با دوستان که حامی‌تان هستند، با سیاست رفتار کنید.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



تغییرات بزرگی در حال وقوع هستند و نتیجه آن است که حس آزادی بسیار خوبی دارید. به موفقیت از آن شماست. شاید برخی از شما فرصت ناگهانی برای سفر داشته باشید و برخی دیگر هم به گشت‌وگذار در کوچه‌پس‌کوچه‌های چاب، رسانه‌ها، حقوق و پزشکی بپردازید. خبر خوب آنکه حضور ونوس در بالای موقعیت شما، حمایت افراد مقام دار را در زندگی‌تان تضمین می‌کند. تغییرات عمده‌ای در راه‌اند.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



این هفته همه با حوادث غیرمنتظره‌ای روبرو می‌شوند. برای شما این حالت غیرمنتظره بر حقوق، جریان نقد، درآمد و یا آنچه که مالکیتش را دارید، تأثیر می‌گذارد. باید مراقب باشید و اموالتان را از دزدی، خسارت و یا گم‌شدن حفظ کنید. در بهترین حالت ممکن است پول بآآورده‌ای به شما برسد. شاید به طور غیرمنتظره مالی را بخريد که خوشحالتان کند. شاید شغل دیگری پیدا کرده و راه‌های جدیدی برای کسب درآمد بیابید. باید امیدوار باشید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



این هفته انتظار سورپرایزی را داشته باشید، زیرا خورشید، ماه کامل و مریخ پرشور همگی در موقعیت شما هستند و همه این انرژی فراوان از وجود اورانوس هم شارژ می‌شود. اتفاقی غیرمنتظره، شاید در رابطه با ارتباطات نزدیک یا شخصیت شما، رخ داده و تغییری ناگهانی را در محیط اطرافتان ایجاد می‌کند. مراقب بوده و به هرآنچه می‌گویید و می‌شنوید، توجه کنید. از اقدامات عجولانه و عکس‌العمل‌های بدون فکر خودداری کنید.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



خوشبختانه ونوس در موقعیت شماست و شما را در نظر دیگران جذاب و با سیاست می‌نماید. حضور ونوس همچنین دوران خوبی را با دوستان به همراه داشته و لذت و تفریح را بر کار ارجحیت می‌دهد. درعین حال سورپرایزی غیرمنتظره هم این هفته شما را غافلگیر می‌کند؛ اما به دلیل آنکه این اتفاق در بخش پنهان موقعیت شما انجام می‌شود، دیگران از آن بی‌خبر ولی شما آگاه خواهید بود. پیش از آنکه در مورد خبر غیرمنتظره عکس‌العمل نشان دهید، خوب فکر کنید.

آرش شکور

کارشناس رسمی املاک مسکونی شما



برای خرید خانه رویایی خود
روی "تجربه ما" حساب کنید

۰۵۱۴-۷۳۰ ۳۹۰۹

Instagram/Shakourz

شعر هفته

کدام راه نجات؟!

به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات؟
کشید آهی و گفتا که ختم کن صلوات!
کدام میکده و می؟ کدام راه نجات؟
گذشت، حافظ شیرین سخن که در می سفت،
سخن ز میکده و می به عهد خود می گفت
کنون زمانه دگر گشته و حساب دگر
برو، ز جانب «حافظ» سوی جناب دگر
ز بنده نیز گذر کن، که طاقتم شده تاق
نمانده در سر پیری تحمل شلاق!
ز عیش و عشرت و عرفان و عاشقی سیرم
سؤال زشت تو را ناشنیده می گیرم!
وگر نه بانگ برآرم، آهای رهگذران
هوار و ای افسوس،
چه خواهد از من عاجز، پلیس نامحسوس؟!

نیایش

یکی می گیرد از یارانه یاری
یکی گردیده کارش رانت خواری!
یکی حیران که شب را چون کند روز؟
عطا فرما، خدایا، بردباری!
منبع: (مشکل حکایتی ست، محمد صالحی
آرام. تهران: مروارید، ۱۳۹۶)

۱۳- «دست‌های را برای کیک پختن دوست دارم.»

حکایت هفته

چند روز پیش‌ها؛ کمی قبل دم غروب
بابایی: سحر بابا، خدا رحمت کنه لپ‌تاپ قدیمی مون رو! چند سنه قبل‌تر. ما داخل بودیم، شما خارج!
هی کیک درست می‌کردی، هی عکس می‌فرستادی، هی ما با حسرت زوم می‌کردیم، هی آب دهان
قورت می‌دادیم، هی پا انگشت حسرت می‌جویدیم و می‌کشیدیم به مانیتور. یادمه شیشهٔ مرحوم انقده
مرطوب شد، تا نهایتاً پُکید. یادش به خیر! مامانی: سحر مامان، منظور حاجی عشقم اینه که کیک
دلش می‌خواد الآن! حالا هی از بزاق کل خانواده داره مایه می‌ذاره! من: الهی من پنجاه و یک قسمت
مساولی بشم که یادم نبود! اصن همین فردا می‌پزم.
فرداش؛ همون حدودهای دم قبل غروب و اینا، مشغول زدن سفیدهٔ تخم‌مرغ
مامانی: حاجی عشقم، بابا دیگه اون تبلت رو بذار کنار! این بحران‌های جهانی رو یه دو دقیقه بذار رو
گاز باشن! بیا اینجا یه حرکتی بزن خوو! بچه‌مون از کف رفت دست تنها! بابایی: سحر بابا می‌بینی
چگونه از شمال به جنوب بهم نگاه می‌کنه؟ اصلاً من احساس می‌کنم پس از مهاجرت خارج عشق ما،
بلانسبت دچار گرفتگی شده! یعنی اون وری که من باشم بازه‌ها!!!! از اون ورش ولی، چنته می‌خواد.
مامانی: حاجی عشقم، قلبمو سوراخ کردی با این حرفت! من نیستم که حتی وقتی می‌خوای تا سلمونی
مردونه هم بری تا دم شیشهٔ مغازه باهات میام؟! بابایی: خب چیه مگه، منم همیشه وقتی می‌خوای
سبزی قرمه بخری، عینهو زنبیلی قهرمان همراهتم. مامانی: اینا که چیزی نیست! موقع گذاشتن زباله
خشکا هست که می‌بری سر کوچه! بگو چندبار با صداقت تمام و به‌خاطر عشقمون همراهیت کردم؟!
بابایی: پاتک می‌زنی؟! تو یادت نمیداد مسافرت آخریمون که دست‌به‌آب اون باغه، تو حیاطش بود
چند دفعه نصفه‌شب واسه اثبات احساس پاکم به تو، تا آخرش کنارت موندم. بدون هیچ منتی. واسه
هر دو تا شماره! مامانی: اینا رو میگی که چی بشه! من خودم یادمه...
من: والدین گرمی، شکر سفید تصفیه شده میون کلامتون، کیک پخت! تمام! کمک نمی‌خوام! قربون
دستتون شما فقط از این داستان فاضلاب و چنته و دست به آب عشقی خارج شید، بفرمایید این کیک
بهشتی شیرین رو بر بدن آشنا کنید.
منبع: (ننه‌نامه، سحر شریف‌نیک. تهران: کتاب کوله‌پشتی، ۱۳۹۶)

نکته هفته

از چیزهای کوچک در زندگی لذت ببرید!
روزی به گذشته نگاه می‌کنید و متوجه
می‌شوید آنها چیزهای بزرگی بودند.

نقل قول هفته

فرانک اسلید: ارزش بعضی لحظات زندگی،
به اندازه‌ی کل زندگی ست...

ضرب‌المثل هفته

پارسی: خوش باش دمی که زندگانی این
است...
اسپانیایی: برای اندرز خوب، بهایی وجود
ندارد.

لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- حساب کردم اگر فشارهای زندگی همینطوری بیشتر بشه چند میلیون سال لازم نیست همین حدود ۱۰۰۰ سال دیگه میتونم برم خارج ... البته در قالب بشکه‌های نفت!
- من مشکلی ندارم با اینکه سگ ات را دخترم و پسر صد کنی ... ولی لعنتی دیگه چرا منو نشون میدی میگي: عمو رو نگاه؟
- بابابزرگم به اسنپ میگه عصمت! ... هروقت هر جا میخواد بره میگه زنگ بزن عصمت بیاد منو ببره ... یه روز جلو مامان‌بزرگم اینو گفت تو خونه دعوا شد عصمت کیه؟! ... خیر نبینی عصمت!
- خلبانی هم واقعا فقط اسمش قشنگه ... وگر نه همون مسافرکشی خودمونه!
- فرصت شغلی و استثنایی با سود بالا و درآمد عالی! ... زمین از شما، امامزاده از ما!
- حتی اگر کسی بهت بدی کرد بازم هیچ‌وقت قلبش رو نشکون ... چون فقط یه قلب داره ... بزن دندوناشو بشکن که ۳۲ تا ازش داره!

صرافی افرا
 با مدیریت افرا مصطفایی
 انجام خدمات ارزی به ایران و بر عکس (استرالیا و ترکیه و ارمنستان)
 تضمین امنیت و جوجه حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا
 514-576-3830
 4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 3J8

Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
 تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
 بالعکس با کمترین هزینه
 514 585 2345 | 514 846 0221
 4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

صرافی آشنا
 خرید و فروش ارزهای رایج و
 حوالجات ارزی
Office: 514 - 560 - 7085
Cell: 514 - 462 - 5185
 1 Westmount Square #455 H3Z 2P9
 Metro Atwater, Exit Westmount square

کلیه خدمات عکاسی و
فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی
STUDIO PHOTOBOOK
 (514) 984-8944
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف
 توجه: انتقال ارز به ایران و بر عکس نداریم
 www.sharifexchange.ca
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609

bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکپور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872

اجاره آپارتمان (سابلت) در داون تاون

در مرکز شهر (مترو گای) / دوونیم بزرگ / عالی برای دو
 دانشجو فقط ۱۰۰۰ دلار در ماه

با نسیم تماس بگیرید: 438-220-1158

اجاره آپارتمان در لاسال

واحد یک خوابه در یک ۴ پلکس / با حیات و بالکن
 آفتابگیر / مبله کامل

فقط ۸۹۵ دلار در ماه

از ۱۵ دسامبر اجاره کنید و ۴۰۰ دلار جایزه نقدی
 بگیرید.

514-834-7254

استخدام

شرکت تولیدی لباس برند «جک ویکتور»
 حتی بدون تجربه کاری استخدام می‌کند:

درآمد خوب

امتیازات و شرایط عالی کاری
 دائمی، تمام وقت و یا پاره وقت

ما به نیروهای زیر نیاز داریم:

کار جنرال / انباردار

اپراتور دستگاه بُرش / اپراتور دستگاه خیاطی

HR@JackVictor.com 5148664891

Deal Properties

شبنم نبی‌پور

مشاور املاک

مستأجر و آرزوهای رایگان به صورت انسانی و حیوانی
م خدمات ۱۱۰۰ رایگان برای خریداران تازه بان پروژه خرید
م اخذ وام بانکی با بهترین نرخ و کمترین پیش پرداخت حتی برای تازه واردان

613-709-9070

OFFICE: 613-366-1713
WWW.SHABBYNABIPOUR.COM
E-MAIL: SHABBY@DEALPROPERTIESREALTY.COM

Shabby Nabipour
Sales Representative

MEHDI FALLAHI
REALTOR

تمام مشتریان من
تبدیل به دوستان
صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما
نیز خدمت کنم.
613-889-4700

yes@RealOttawa.ca

محل های پخش هفته در اتاوا

سوپرمارکت آریا
613-594-3636
508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز
613-563-1207
725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل
613-897-6666
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما
613-695-2221
129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

محل جدید پخش هفته در اتاوا

افغان کباب اکسپرس
613-593-8880
249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

(514) 834-7254
www.hafteh.ca info@hafteh.ca

RAVADID
IMMIGRATION SERVICES

www.ravadid.ca
info@ravadid.ca

موسسه مهاجرتی روادید:

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
سرمایه گذاری و کار آفرینی
خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
اکسپرس انتری
ویزای توریستی
تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
اسپانسرشیپ همسر والدین
خدمات اسکان اولیه
و ...

تماس رایگان در آمریکای شمالی:

Free Tell & fax:
1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی
+1(514) 797-6850 (Ottawa head office)
+1(514) 638-8258 (Montreal office)

ALIREZA MANSOURI
RCIC, R533715

مد و لباس	فریدون هرنیدیان	دکتر رضا یاوریان	اتومبیل (فروش)
HPadar ۸۴۲-۵۶۰۸	رسانه های گروهی	بیمه عمر و سرمایه گذاری	Auto Highlander ۹۹۰-۲۵۰۰
مراکز مذهبی	بازار	مریم طالبی	www.autohighlander.com
انجمن بهایی	پوشه	علی پاکنژاد	1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7
موسسه خویی	هفته	عبدالله صفوی	اتو کاسپین ۵۷۵-۷۹۴۰
کلیسای ایرانی	پرنیان	مهدی امانی	www.autocaspien.com
کلیسای فارسی- کشیش	پیوند	بیمه (خودرو و خانه و سفر)	اتومبیل (تعمیرگاه)
مشاور املاک	رستوران-پیتزا - کیتترینگ	مشاور فارسی زبان بیمه	اطلس
مهدی انصاری	فاروس	مهرداد ملکجمشیدی	۴۸۴-۴۴۸۱
آتوسا تنگستانی فر	رستوران غذاهای دریایی	بیمه ویزیتوری و دانشجویی	6000 saint jaque H4A 2E9
مینو اسلامی	362-Ave.-Fairmount W. / 514-270-8437	مریم طالبی	شمیران ۴۸۷-۶۲۶۲
نادر خاکسار	پوشاپ (هندی)	فریده شرفی	آرایشگاه - زیبایی - اسپا
شهره شهریان	آریا	ترجمه و دعوتنامه رسمی	آمنه ۹۳۳-۰۷۶۳
سحر صمدایی	کباب سرا	رضا داودی	3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1
فیروز همپیان	755 Ave. Atwater / 514-933-0933	فیروزه مسیحا	www.Amybeautysalon.com
آرزو گتمیری	ساخت و ساز Builders	شهریار بخشی	سوزان ۸۱۳-۴۹۴۷
کاظم پرتوهرانی	علی خاقانی	خاطره تحویلدار یکتا	رویا ۹۳۴-۳۳۷۴
آرش شکور	سی.دی. ویدئو	سارا کیانی	فریبا ۴۸۷-۰۸۰۰
محمد اجزای	تپش دیجیتال	چاپ و کپی	آرز
شاهین سجادی	فرش و موکت	فتوکی ان دی جی	آپادانا ۷۳۱۸-۸۳۹
بازرس ساختمان	قالی شویی و رفو	حسابداری	پرسپولیس ۴۳۸-۳۵۷-۷۰۰۰
علیرضا شریف زاده	عکاسی و فیلمبرداری	اردشیر معین افشاری	پنج ستاره ۸۴۶-۰۲۲۱
مشاور خانواده	استودیو فتویوک	حسین خردبین	صرافی الیت ۹۸۹-۲۲۲۹
لاله رهبین	فتو شاپ	حجت رستمی	شریف ۲۲۳-۶۴۰۸
مشاور مهاجرت	معصومه علی محمدی	سرور صدر	صرافی رویال ۸۳۶-۷۰۹۰
علی مختاری	سپهیل ملاحمدی	مهدیه سلیمی	پاسیفیک ۲۸۹-۹۰۱۱
سپهیل ملاحمدی	گنجی	حمل و نقل	ExpertFX ۸۴۴-۴۴۹۲
www.GanjiCo.com	نان و شیرینی	المپیک	الکترونیک - برق کار
کندم	نان سنگک آذر	قربان	آراز الکترونیک ۳۵۲-۶۸۸۳
۸۳۶-۵۵۵۳	نوسازی و تعمیرات ساختمان	Loadex Transport ۲۳۴-۳۳۹۹	آژانس های مسافرتی
۶۳۴-۶۳۶۳	شرکت بن	خدمات ویزای توریستی	سلطان تراول ۴۸۴-۴۰۰۰
۹۴۲-۹۹۶۹	شرکت آماج	خیاطی	فرناز معتمدی ۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶
۴۶۳-۳۰۱۴	لوله کشی پتانسیل	419-1039 Tailleur Bijan	مهری صدوقی ۹۴۰-۱۶۴۲/۴۳
۲۹۰-۲۹۵۹	لوله کشی پارس	2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1	سعید هاشمی ۲۷۲-۹۹۹۹
۴۴۱-۴۲۹۵	بهنام	خدمات در ایران	آموزش
وام مسکن	کتاب فروشی / کتابخانه	دارالترجمه فرهنگ	پروین عبائی- فارسی
بهرز باباخانی	کتابخانه نیما	دارو خانه	مدرسه فردوسی ۶۷۵-۴۴۰۵
آتوسا تنگستانی فر	نوروززمین	کل نسیم ریاحی	مدرسه وست آیلند ۵۰۲-۴۳۷۸
شیرین تیموری	طراحی و گرافیک	فارماپری لاوال	مدرسه دهخدا ۶۲۶-۵۵۲۰
مهرداد مرادخانی	محضر رسمی	فارماپری لاوال	۲۵۸-۸۱۸۶
مهد کودک	مونا صالحی	دندان پزشک	آموزشگاه (رانندگی)
سیم (دولتی)	دیوید برگر	راضیه رضوی	آموزش (موسیقی)
وکیل/مهاجرت	۹۰۳-۸۵۶۰	شریف نائینی	پیانو / فخاریان
۹۶۱-۸۷۴۶	۹۰۳-۸۵۶۰	علی شفیعی	استاد پیانیست فرچه داغی
			آموزش (زبان)
			آکادمی آریا ۸۳۹۴۴۴۴

16. Histoire de couverture

Entrevue exclusive de Hafte avec Mehrdad Ariannejad :
le festival Tirgan a donné confiance aux Canadiens iraniens en matière de culture
Jian Ghomeyshi doit avoir une autre chance

■ Arash Mohebi



Cover
NO.660

27 Immigration : Masoumeh Alimohammadi
Le quota 2021 d'immigrants québécois sera-t-il atteint malgré le traitement accéléré des demandes?

36 Cinema: Aref Mohammadi
Une critique de The White Tiger, la production américano-indienne 2021

38 Littérature; Poésie: Hoda Naseh
Quelques poèmes de Hoda Naseh, comédienne de théâtre et poète montréalaise

43 Interview: Farangis Shakiba
**Une entrevue avec Amir Hossein Yazdanbod, un jeune écrivain de Vancouver :
Les concours d'écriture en Iran, c'est comme participer aux Jeux paralympiques**

63 Afghanistan: Nargis Hashimi
**Compte rendu d'une rencontre littéraire
Une conférence sur les poètes du Badakhshan, à Navaye Neystan**



Publication: Journal Hafte / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal

09 Dec 2021, numéro 660

(514) 834-7254
• www.hafte.ca
• info@hafte.ca
• news@hafte.ca
• ad@hafte.ca
• ISSN 1918-4379 HafteH

Hafte will not be published on the following dates during 2021:

January 7th March 25th
July 8th October 14th

Siège social:
1980 Rue sherbrooke O
Suite#: 900
Montreal H3H 1E8

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Photographe: Mahnaz Zangirzani
Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Histoire de couverture: Masoumeh Hajiabolhassan
Littérature: Farshid Sadatsharifi (PhD)
Psychologie: Dr Elham Gerami
Economie: Armin Aryanpour
Immigration: Masoumeh Alimohammadi
Cinema: Mostafa Azizi
Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi
Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,
Habib Osman et Abdolhadi Tapand
Actualité Communauté: Negin Parvarandeh



le prix: \$2.50

Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada



PERMONT
Entrepreneurs généraux - General contractors Inc.

تیم مجرب و با بیش از ۲۰ سال سابقه اجرا در کانادا

سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان





Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca
5575 boul. de la Verendrye, Montreal, H4E 3R6
RBQ # 5639-5874-01



Proxim

بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

داروخانه پروکسیم شادی کبک

در خیابان سن لوران

PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK





دلیوری رایگان به منزل شما
در سراسر منطقه مونترال بزرگ، لاول و ساوت شور

دسترسی شما به دارو همواره
و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864 Fax: (514) 288-4682
4084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8 kabakc@groupeproxim.org

آرش و شیرین شکور

کارشناسان رسمی املاک مسکونی و تجاری شما
در مونترال و حومه

مشاوره تخصصی املاک درآمدزا جهت سرمایه گذاری
همراه شما در خرید خانه های ویلایی , کاندو و تانهاوس
فروش ملک شما به بالاترین قیمت
دسترسی به پیش فروش VIP
دریافت وام تضمینی



Instagram/Shakourz

(514)441-4189

(514)730-3909

آیا درباره واکسن‌های کووید-19 سوالی دارید؟

خط تلفن 211 با ارائه خدمات به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و بیش از 200 زبان دیگر، به شما در کسب اطلاعات مورد نیازتان یا منابعی که می‌تواند برایتان مفید باشد کمک می‌کند. این خدمات رایگان و محرمانه است. با 211 تماس بگیرید.





INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 années écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای کارایی ارائه می شود

Service de Placement Disponible

روایهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

Programmes D.E.P 1800 heures:

دوره های حضوری

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Électricité

دوره های آنلاین

- Dessin industriel

امتحانات: حضوری در محل، و آنلاین

- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- برق کاری
- طراحی صنعتی






5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران
از دانشگاه کنکوردیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترسی ویژه به پیش خرید در سراسر مونترال
- دسترسی تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی

بسته خرید ویژه، مخصوص پرستاران و پزشکان عزیز

☎ 514-588-0609

www.mahdiansari.com
medi.ans.mtlbroker



GROUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

CANADA AWARDED BROKER 2019 - 2020